

بسم الله الرحمن الرحيم

لا قوة الا بالله

يكشنبه - ۲۲ شهريور ۱۳۹۴

قمرى : الأحد - ۲۹ ذوالقعدة ۱۴۳۶

میلادی : Sunday - 2015 13 September

السلام عليك يا ابا عبدالله الذي ذبح عطشانا

السلام عليكم يا انصارالله

اللهم صلى و سلم على رسولك المؤئيد (ص) ابي القاسم محمد ص و على عترته الطاهره

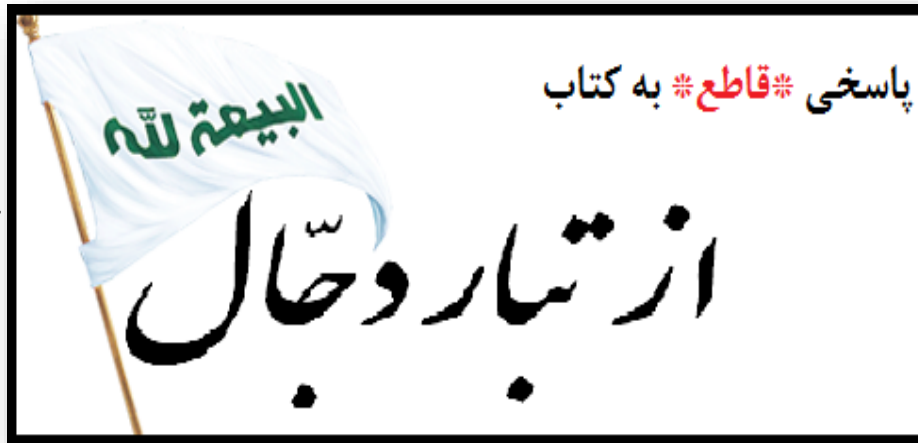
التي امرتنا بطاعتهم و شرفتنا بولايتهم

و قلت على لسان رسولك محمد ص انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى اهل بيتى فانهم حبل ممدود

الى السماء من تمسك بهم نجى

اللهم و مكن لقائم آل محمد السيد احمد الحسن ع و فرج عنه بحق الزهراء و بحق نور محمد وال محمد

الذى جعلته من نورك يا رب العالمين



دل بیقرار نیست ادا در می آوریم
چشم انتظار نیست ادا در می آوریم
اصلا دلی که مستِ ریا و هوس شود
گوشش به کار نیست ادا در می آوریم
بر لب دعا و دل غرقِ شهوت است
این رسم انتظار نیست ادا در می آوریم

منتظران بدانید:

« اگر با آمدن آفتاب از خواب بیدار شویم نمازمان قضاست...»

السلام علیکم و رحمة الله و البرکاته

هدف نگارش این کتاب :

((این کتاب هدفی دارد و تمام هدفمان بر مبنایی استوار است که این مینا بنا بر سخن نبی اکرم حضرت محمد (ص) بر ثقلین (یعنی کتاب خدا و عترت) میباشد و هیچ تفسیر و تاویلی از جانب خود نداریم به دلیل اینکه هیچ نصی از معصوم برای تاویل و تفسیر نداریم نه تنها بنده بلکه همه ی انسان ها در زمان غیبت کبری حضرت حجت(عج) چنین اجازه ای ندارند و آن هدف این است که در وهله ی اول راهی برای روشن شدن حق باشد و در وهله ی دوم کتابی که به نام *از تبار دجال* توسط نصرت الله آیتی نوشته شده است را پاسخ دهم تا شاید راه هدایت را پیش گیرد.

همه ی ادیان الهی منتظر منجی هستند که منجی آنها را از گرفتاری هایی که برایشان پیش آمده نجات دهد و به سعادت برساند.

همه ی انسان ها در هر دینی که باشند علامات و نمایه هایی از رسولشان برای ظهور منجی ایشان در دست دارند و هر علامتی که آشکار میگردد خوشحال شده و همه را از این علامات با خبر میکنند تا آماده پذیرایی از منجی ایشان شوند.

بر کسی پوشیده نیست که الان ما در عصر فتن آخرالزمان هستیم، پیر و جوان، زن و مرد همه و همه این موضوع را به هر وجه ای بیان میکنند دلیلشان هم این است که علائم آخرالزمان را میبینند و این باعث میشود که بیشتر برای نزدیکی فرج دعا کنند و رفتار و کردارشان را صحیح کنند و همچنین امر واجب دینی که همان امر به معروف و نهی از منکر هست را زنده کنند اما اگر این علامات را مشاهده کنند و توجهی به این علامت ها نداشته باشند هیچ وقت اعمال و کردارشان را درست نمیکنند

مثالی میزنم تا بحث بیشتر روشن گردد :

از اهل بیت توصیه های زیادی داریم در خصوص اینکه زیاد به یاد مرگ باشید و در تشیع جنازه ها شرکت کنید آیا میدانید چرا؟

دلیلش این است که حقیقت را مشاهده کنیم و تاملی کنیم که فردا ما هم پا به جهان آخرت خواهیم گذاشت پس با این تامل به فکر اصلاح خودمان و اصلاح مردم می افتیم حالا برای ظهور حضرت حجت(عج) هم توصیه هایی در خصوص دعا، مناجات، نذر و ... داریم اگر علایم را مشاهده کنیم و تامل کنیم درمیابیم که به ظهور حضرت حجت(عج) نزدیک میشویم همین مشاهده و تامل باعث میشود که آرزوهای طول و دراز

نکنیم و امر به معروف کنیم و رفتارمان را اصلاح کنیم تا بتوانیم از یاران حضرت حجت (عج) باشیم تا فردای روز قیامت سرافکننده نباشیم که پشیمانی سودی ندارد

آقای آیتی در کتاب *از تبار دجال* درصد نفی حقیقتی میباشد که این رفتار او به ندرت در مردم دیده میشود

گفتار او هیچ منبع خاصی از معصوم نمیباشد و تمام صحبت هایی که بیان میکند از جانب شخص خود است خوب! نفی این حقیقت دلیلی دارد که ان شاءالله جلو تر بیان میکنم

ایشان در مقدمه کتابشان میگویند که ما داریم ذره ذره به زمان ظهور امام محمدبن حسن عسگری روحی له فدا نزدیک میشویم متن کلام ایشان این چنین است:

با گذشت روزها، ماهها و سالها، بشر آخرالزمان آرام آرام به لحظه
پرشکوه طلوع خورشید هستی نزدیک تر می شود و دوران ظلمت تاریخ،
سینه خود را برای درخشش شفق حقیقت می گشاید.

سوالی که از آقای آیتی دارم این است که شما از کجا فهمیدید بشر آخرالزمان آرام آرام به لحظه ی ظهور حضرت نزدیک میشوند آیا الهامات قلبی یا وحی الهی به شما شده است؟ در ثانی از کجا لقب آخرالزمان را به بشر داده اید؟

در پاسخ میگویم که جناب آیتی:

به تحقیق متوجه ی علامت های ظهور شدید که این سخن را بیان کردید

بگذریم از این بحث ، سخن زیاد است ولی چون این گفته ی شما که در صد نفی علایم ظهور هستید به ندرت در مردم دیده میشود از آن به آرامی ولی با دقت میگذریم

ایشان در کتابش مطلبی را ذکر میکند که حقیر را خیلی به فکر فرو برد که برای من جای تعجب بزرگی است چون از فردی که در پژوهشکده ی مهدویت کار میکند بعید است این حرف را بیان کند اما امکان دارد که در سخنان آقای آیتی مشاهده شده است

متن کلام را برای شما به نمایش میگذارم تا مطلبی را بیان کنم:

پیشوایان معصوم برای ظهور امام مهدی عج نشانه‌های بسیاری بیان فرموده‌اند و از طرح آن‌ها اهدافی داشته‌اند. بنابراین نشانه‌های ظهور باید کارکردهایی داشته باشد. برخی از این کارکردها ایجابی و برخی سلبی هستند.

سخنی که میگوید تا جایی صحیح است و اینکه ایشان میگوید پیشوایان معصوم برای ظهور امام مهدی (عج) نشانه‌هایی بسیار ذکر کردند و از طرح آن اهدافی داشتند

سوالی که مطرح میکنم این است که از کجا فهمیدید اهدافی دارند؟ چون این صحبت شما در ادامه تغییر میکند و اهداف را نادیده گرفته و تفسیری به رای خود را به جای اهداف نورانی قرار می‌دهید

آیا بیان علامت‌ها از طرف معصوم به صورت کلی به مردم بوده یا به صورت جزئی؟ مثلاً معصوم (ع) برای همه ی مردم بیان کرده یا گفته باید علما یا افراد خاصی این کلام ما را گوش کنند و بفهند

سوال دوم که مطرح میشود این تقسیماتی را که بیان کردید از کجا و از چه منبعی بیان کردید؟ منبع اصلی شما از چه کتاب روایی میباشد؟

اگر شما شیعه باشید قطعاً پیرو کلام رسول الله (ص) هستید و از دو ثقل بیان میکنید نه از عقل و تفسیر های شخصی که هیچ نصی برای تاییدش از امام نداریم

خواننده ی گرامی :

صاحب کتاب* از تبار دجال* با مبنایی غیر علمی، روایی در صدد نفی علایم ظهور است اگر ایشان از اهل بیت یا از قران برایمان این بحث را ثابت میکرد شاید میپذیرفتیم اما ناچاریم همین جا کلام ایشان را رد کنیم

امام صادق (ع) مبنایی را برای تایید سخنی به ما میدهد ایشان میفرماید اگر کلامی نقل شد اگر در قران یا سخن رسول الله (ص) بود اخذ کنید در غیر این صورت فضریوا علی الجدار

در اینجا ناچار هستیم که کلام آقای آیتی تا پایان علایم ظهورش را بر دیوار بکوبیم و ایشان هیچ منبعی علمی برای ما ارائه ندادند که این تقسیمات از کجا صادر میشود

از ایشان میخواهیم که برای دفاع از بیانشان مطلبی را نگارش کنند و تحویل ما بدهند
بعد از تفسیر به رأیی که ارائه میدهند روایتی را از امام صادق (ع) نقل میکنند و بعد از روایت، مطلبی را بیان
میکند که باز هم مطالب ایشان ایراد اساسی دارد که بیان میکنم
متن روایت را نقل میکنم :

أَمْسِكْ يَدَكَ هَلَاكَ الْفُلَانِي (اسْمُ رَجُلٍ مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ) وَخُرُوجُ
السُّفْيَانِي، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَجَيْشُ الْحَسَنِ، وَالصَّوْتُ. قُلْتُ: وَمَا
الصَّوْتُ؟ أَهْوَالُ الْمُتَأَدِّي؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَبِهِ يُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، ثُمَّ
قَالَ: الْفَرْجُ كُلُّهُ هَلَاكَ الْفُلَانِي (مِنْ بَنِي الْعَبَّاسِ)؛ الغيبة ص ۲۶۶

این روایتی است که آقای آیتی برای بیان بحثش بیان میکند حالا مطلب ایشان را نقل میکنم :

چنانکه ملاحظه می شود امام صادق علیه السلام از ندای آسمانی به عنوان
ابزاری برای شناسایی امام مهدی علیه السلام یاد کرده اند.

ملاحظه میکنید که ایشان از روایت بالا بیان میکنند که ندای آسمانی به عنوان ابزار برای شناسایی امام
مهدی میباشد

در روایت لفظ صاحب الامر وجود دارد ولی لفظ امام مهدی در روایت موجود نیست

آقای آیتی لفظ امام مهدی (ع) را از کجا استخراج کردید؟

آیا باز تفسیر به رای انجام دادید؟

خواننده گرامی:

ندای آسمانی یکی از ابزار شناخت صاحب امر یا بهتر بگم خلیفه ی زمان میباشد اما در درجه ی اول باید
ندای آسمانی را تبیین کنیم و بدانیم که ندای آسمانی چیست ؟

آیا صدایی به صورت حقیقی از آسمان ندا میدهد؟ یا معنای دیگری دارد؟

و بعد از بیان این مطلب راه های اصلی شناختن خلیفه الله را بیان میکنم

صیحه یا ندای آسمانی چیست؟

آیه ای از قران کریم داریم که میفرماید:"

(وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ)^۱

و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی دهد به گوش باش روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می شنوند آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است)

و همچنین در سوره ی مبارک دیگری داریم که میفرماید:

(إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ).^۲

(اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم تا در برابر آن گردنهایشان خاضع گردد)

بعد از بیان آیات شریفه رجوع میکنیم به کلام واضح و نورانی اهل بیت (ع) که میفرمایند:

امام باقر(ع): درباره کلام خداوند(هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يُبْعَثُ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ)^۳

(او قادر است که عذابی بر شما بفرستد از بالای سرتان) فرمود: آن دخان یادود وصیحه است(یا از زیر پاهایتان) فرمود: آن خسف است.^۴

صیحه در این روایت به عنوان عذاب نامیده شد برای روشن شدن بیشتر این مطلب، تعدادی از روایات را نقل میکنم:

امام باقر(ع) درباره کلام خداوند(وَإِنْ تَوَلَّوْا فِإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ)^۵ اگر [روی گردان شوید] پشت کنید بدرستی که من از عذاب روزی بزرگ بر شما هراسان هستم. فرمود: دخان یا دود، وصیحه است.^۶

امام(ع) صیحه را به عنوان عذاب یاد میکند سبحان الله بعد افرادی میگویند صیحه رحمت است!!!

^۱ ق ۴۱-۴۲

^۲ الشعرا ۴

^۳ الانعام ۶۵

^۴ تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۰۴ تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۷۲۴

^۵ هود ۳

^۶ تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۲۱؛ بحار الانوار ج ۹ ص ۲۱۴؛ تفسیر الثقلین ج ۲ ص ۳۳۴

عن الحسين بن خالد، قال: قال علي بن موسى الرضا (عليهما السلام): (لا دين لمن لا ورع له، ولا إيمان لمن لا تقية له، إن أكرمكم عند الله أعلمكم بالتقية. فقيل له: يا ابن رسول الله إلى متى؟ قال: إلى يوم الوقت المعلوم وهو يوم خروج قائمنا أهل البيت، فمن ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا. فقيل له: يا ابن رسول الله، ومن القائم منكم أهل البيت؟ قال: الرابع من ولدي ابن سيدة الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جور، ويقدمتها من كل ظلم، [وهو] الذي يشك الناس في ولادته، وهو صاحب الغيبة قبل خروجه، فإذا خرج أشرفت الأرض بنوره، ووضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحد أحداً، وهو الذي تطوى له الأرض ولا يكون له ظل وهو الذي ينادى مناد من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه يقول: ألا إن حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه، فإن الحق معه وفيه، وهو قول الله (إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)

حسن بن خالد گوید: علی بن موسی الرضا (ع) فرمودند: کسی که پرهیزگار نیست دین ندارد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد و گرامی ترین شما نزد خداوند عامل ترین شما به تقیه است. عرض شد: ای فرزند رسول خدا تا کی؟ فرمودند: تا روز وقت معلوم. آن خروج قائم ما اهل بیت (ع) است پس هر کس تقیه را قبل از خروج قائم (ع) ترک کند از ما نیست. عرض شد: ای فرزند رسول الله (ص) قائم از اهل بیت شما کیست؟ فرمودند: چهارمین از فرزندانم، فرزند سرور زنان به وسیله او زمین را از تمام ستم ها پاک می سازد و او صاحب غیبت قبل از خروج است و زمین را از هر ظلمی پاک می کند، و کسی است که هنگامی که خروج می کند زمین با نورش روشن می گردد و میزان عدل میان در میان مردم قرار گذاشته می شود و به هیچ احدی ظلم نمی شود، و او کسی است که زمین در مقابل او خم می شود و برای او سایه ای نیست و او همان منادی است که از آسمان ندا می دهد و تمام اهل زمین را دعوت می کند و می فرماید: آگاه باشید که حجت خدا در بیت الله ظهور کرد پس او را تبعیت کنید که حق با او و در اوست و او قول پروردگار است که فرمود: اگر بخواهیم آیتی از آسمان نازل می کنیم که گردن آنان در مقابل آن خم می شود.^۷

نکته ای که در این روایت به وضوح بیان میشود سخن امام رضا (ع) میباشد که صاحب الامر را با این کلامش معرفی میکند که میفرماید: (الرابع من ولدی) چهارمین از فرزندانم یعنی میشود سیزدهمین از فرزندان امیرالمومنین که برای روشن شدن این شخصیت سیزدهمین فرزند علی (ع) بعد از موضوع صیحه بیان خواهیم کرد.

جالب اینجاست که حضرت میفرماید این شخصیت همان منادی میباشد که از آسمان ندا میدهد

سوال اینجاست او که صاحب الامر است باید در زمین باشد پس چرا در آسمان میباشد و صیحه میزند؟

^۷ کمال الدین ص ۳۷۱

آیا حضور حقیقی در آسمان است یا مطلب دیگری پنهان است؟

ابن ابی یعفور گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: هلاک فلانی را با دست داشته، بشمار و خروج سفیانی را و کشته شدن نفس زکیه، و سپاهی را که در زمین فرو می روند، و آن آواز، عرض کردم: آواز چیست؟ آیا همان ندا کننده است؟ پس فرمود: آری و صاحب این امر بدان وسیله شناخته می شود، سپس فرمود: فرج کامل در نابودی فلانی است.^۸

علاوه بر ندا نابودی فلانی هم از نشانه های صاحب الامر میباشد

زرارة قال: قلت لأبي عبد الله ع النداء حق قال إي و الله حتى يسمعه كل قوم بلسانهم و قال ع لا يكون هذا الأمر حتى يذهب تسعة أعشار الناس.

زراره گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که آن آواز حقیقت دارد؟ فرمود: آری به خدا قسم چندان که هر قومی به زبان خودشان آن را می شنوند و فرمود این امر نخواهد شد تا زمانی که نه دهم مردم از بین بروند.^۹
در اینجا سوالی از آقای آیتی دارم

چه طور ندا آسمانی در یک زمان به چند زبان صحبت میکند؟ با توجه به عقیده ی باطل آیتی درباره ی صحیه مطلبی را مطرح میکنم

آقای آیتی میگوید صحیه از جبرایل است و راهی برای شناخت صاحب الامر میباشد و این صحیه در یک زمان به چند زبان صحبت میکند یعنی یک معجزه ی قاهر، یک معجزه ای که هیچ کسی قادر به انجامش نمیباشد ولی چرا کسی ایمان نمیآورد پس در نتیجه هم معجزه و هم صحیه راهی برای ایمان به خلیفه الله نمیباشد

عن هشام بن سالم، قال: (سمعت أبا عبد الله ع) يقول: هما صيحتان صيحة في أول الليل، وصيحة في آخر الليلة الثانية. قال: فقلت: كيف ذلك؟ قال: فقال: واحدة من السماء، وواحدة من إبليس. فقلت: وكيف تعرف هذه من هذه؟ فقال: يعرفها من كان سمع بها قبل أن تكون)

هشام بن سالم میگوید: (از ابا عبدالله ع) شنیدم که فرمودند: آن دو صحیه است صحیه ای در اول شب و صحیه ی دوم در آخر شب است و گفتم: چگونه است. فرمودند: یکی از اسمان و یکی از ابلیس میباشد

^۸ غیبت نعمانی باب ۱۴ ص ۳۶۴

^۹ . غیبت نعمانی باب ۱۴ ص ۳۸۴

گفتیم: چگونه میتوان اولی را از دومی مشخص کرد؟ فرمودند: کسی که آنرا از قبل شنیده باشد آن را به خوبی میشناسد^{۱۰}

سوال بعدی از آقای آیتی: چطور صیحه اولی شناخته میشود؟

مگر اینکه قبلش یک نفر که این امر را بشناسد و مورد امتحان قرار نگیرد ما را با خبر کند و او کسی نیست جز معصوم درسته؟!

الامام الباقر(ع): ... ثم قال (ع) إذا اختلف بنو فلان فيما بينهم فعند ذلك فانتظروا الفرج و ليس فرجكم إلا في اختلاف بني فلان فإذا اختلفوا فتوقعوا الصيحة في شهر رمضان و خروج القائم ع إن الله يفعل ما يشاء و لن يخرج القائم و لا ترون ما تحبون حتى يختلف بنو فلان فيما بينهم فإذا كان كذلك طمع الناس فيهم و اختلفت الكلمة و خرج السفیانی.

در روایتی طولانی از امام باقر (ع): هنگامی که فلان خاندان در میان خودشان به اختلاف پرداختند، پس در آن هنگام منتظر فرج باشید، و فرج شما پدید نمی آید مگر در اختلاف فلان خاندان، و چون آنان اختلاف نمودند پس منتظر برآمدن صیحه در ماه رمضان و خروج قائم (ع) باشید، همانا خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد، و قائم خروج نمی کند و شما آنچه دوست می دارید نمی بینید تا اینکه فلان خاندان در میان خویش اختلاف کنند پس چون چنین شود مردم درباره ایشان به طمع افتند و اختلاف کلمه روی دهد و سفیانی خروج کند.^{۱۱}

تا اینجا صیحه را معرفی کردیم

حالا صیحه به نام چه کسی است؟

روی ربعی بن خراش، عن حذیفه حدیث السفیانی، وقال: (إنه يضرب أعناق من فر إلى بلد الروم بباب دمشق)، فإذا كان كذلك نادی مناد من السماء: ألا أيها الناس إن الله قد قطع عنكم مدة الجبارين والمنافقين وأشياعهم ووليكهم خير أمة محمد فألحقوه بمكة) فإنه المهدي واسمه أحمد بن عبد الله.

ربعی بن خراش از حذیفه حدیث سفیانی روایت میکند ایشان گردن هر کس که بسوی سرزمین روم فرار میکند در دروازه ی دمشق قطع میکند پس اگر چنین شد منادی از آسمان ندا میدهد: ای مردم خداوند

^{۱۰} غیبیه نعمانی ص ۲۷۳

^{۱۱} غیبیه نعمانی باب ۱۴ ص ۳۶۰

جباران و منافقان و پیروانشان را از شما هلاک کرد و ولی شما بهترین امت محمد ص است پس در مکه به او ملحق شوید چرا که او مهدی است و نامش احمد بن عبدالله است^{۱۲}

سوالی مطرح میکنم آقای آیتی

روایت را که مشاهده کردید حضرت مهدی را معرفی میکند و میگوید نامش احمد بن عبدالله است آیا امام محمد بن حسن عسگری (عج) چنین نامی دارند؟

خواننده گرامی اگر دنبال حق هستید خوب توجه کنید

حضرت نامی را مشخص میکند که این نام بر محمد بن حسن عسگری انطباق ندارد پس او کیست؟

پاسخ را بعد از مطلب صحیحه بیان میکنم

روی عبد الله بن عمر، أن رسول الله، قال: (يخرج المهدي، وعلى رأسه غمامة فيها ملك ينادي: هذا خليفة الله المهدي فاتبعوه).

عبدالله بن عمر روایت می کند که رسول الله (ص) می فرمایند: مهدی خروج می کند و بر بالای سر او پاره ابری است که ملک ندا می دهد: این خلیفه خدا مهدی است از او پیروی کنید.^{۱۳}

در تمامی این روایاتی که مشاهده کردید صحیحه از آسمان ندا داده میشود پس اخبار ملکوتی است در ثانی به نام مهدی که احمد بن عبدالله است ندا داده میشود

عن أمير المؤمنين (ع)، قال: (إذا نادى مناد من السماء إنَّ الحق في آل محمد ، فعند ذلك يظهر المهدي على أفواه الناس، ويسرون فلا يكون لهم ذكر غيره).

امیرالمومنین (ع) فرمودند: آن هنگام که منادی از آسمان ندا میدهد که حق در آل محمد ع است پس در آن هنگام مهدی بر افواه مردم خروج میکند و خوشحال میشوند و ذکر او نامش ندارند.^{۱۴}

این چه ندایی است که بر زبان های مردم جاری میشود و به خاطر آن همه خوشحال میشوند؟

وعن ابن عمر أيضاً، أن رسول الله ، قال: (يخرج المهدي وعلى رأسه ملك ينادي: هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه).

^{۱۲} ملاحم و فتن لابن طاووس ص ۲۸۷

^{۱۳} الفصول المهمة ج ۲ ص ۱۱۷

^{۱۴} الملاحم و الفتن ابن طاووس ص ۱۲۹

ابن عمر می گوید: رسول الله فرمودند: مهدی خروج می کند و بر بالای سرش ملکی ندا می دهد که این مهدی خلیفه خدا است پس از او تبعیت کنید.^{۱۵}

در این روایت هم تصریح میکند که ندا به مهدی ای که خلیفه خدا است داده میشود و این خلیفه به چه صورت شناخته میشود؟

این سوال را بعد از بیان صیحه پاسخ میدهم

عن محمد بن علی (علیهما السلام)، قال: (الصوت فی شهر رمضان فی لیلة جمعة، فاسمعوا وأطیعوا، و فی آخر النهار صوت الملعون إبلیس ینادی: ألا إن فلاناً قد قتل مظلوماً، یشکک الناس ویفتنهم، فکم فی ذلک الیوم من شک متحیر، فإذا سمعتم الصوت فی رمضان - یعنی الأول - فلا تشکون أنه صوت جبریل، وعلامة ذلک أنه ینادی باسم المهدی واسم أبیه)

محمد بن علی (ع) می فرمایند: ندایی در ماه رمضان در شب جمعه شنیده می شود پس از آن اطاعت کنید و در آخر روز صوت ملعون ابلیس بر می خیزد که ندا می دهد آگاه باشید که فلان مظلوم کشته شد مردم دچار شک و تردید می شوند و در میان آنان فتنه می افتد تعداد شکاکان و متحیر در آن روز بسیار است، پس هنگامی که صوت و ندای اول در ماه رمضان را شنیدید هرگز در آن شک نکنید زیرا آن صدای جبرئیل است و نشانه آن این است که مهدی را با نامش و نام پدرش ندا می دهد.^{۱۶}

در این روایت به خوبی مشاهده میکنید که میفرماید در شب جمعه ندا داده میشود و میگوید اطاعت کنید ولی در آخر روز ابلیس ملعون ندا میدهد و همه دچار شک میشوند

آیا خداوند در عصر فتن آخرالزمان راهی برای شناختن صاحب الامر قرار نداده؟

نتیجه ی این صیحه ها این است که مردم دچار شک میشوند پس آیا راهی وجود ندارد که همه ی مردم بتوانند به آن تمسک کنند و خلیفه ی خدا را بشناسند تا گمراه نشویم؟

صیحه راهی است که باید قبل از بیان مردم به آن آشنایی داشته باشند تا در هنگام شنیدن به یقین برسند تا اطاعت کنند نه اینکه بعد از شنیدن صیحه دچار شک شوند کما که خود اهل بیت در سخنانشان قبل صیحه امری را بیان کردند

^{۱۵} بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۶۹ و ج ۵۱ ص ۸۱
^{۱۶} شرح احقاق حق ج ۲۹ ص ۵۹۷

در ضمن صیحه امکان مشابه سازی دارد بنا بر دو دلیل: ۱- شک مردم بعد از صیحه دوم ۲- وجود صیحه دوم که دلیل شک است

ابی بصیر از امام باقر (ع) در روایتی طولانی فرمودند: ... پس وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید در آن شک نکنید و بدانید، آن صدای جبرئیل است و علامت حقانیت آن این است که حضرت قائم (ع) را به نامش و نام پدرش ذکر می کند این صدا چنان فرا گیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروید. دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شوند: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند، صدای دوم، صدای شیطان است که به نام فلانی است و می گوید او را مظلوم کشتند و می خواهد مردم را گمراه کند. پس از صدای اول متابعت کنید. اما بترسید از این که صدای دوم شما را به گمراهی کشاند.^{۱۷}

در این کلام نورانی هم مشاهده میکنید که صیحه راه قطعی برای تبعیت از خلیفه الله نمی باشد مگر اینکه از قبل بشناسیم

تا اینجا با روایات ثابت کردیم که صیحه برای خلیفه خدا که نامش احمد بن عبدالله است زده میشود تا مردم ازش تبعیت کنند و در این صورت شک هم برای عده ای ایجاد میشود و حالا مبحث کمی واضح تر شد که صیحه به نام شخصی زده میشود که در آخرالزمان نیست پس او کیست که چنین ویژگی دارد؟ پاسخ این سوال را با دقت مشاهده کنید:

صیحه و نام امام علی(ع)

عن علی بن ابی حمزه، عن ابی عبد الله (ع)، قال: (خروج القائم من المحتوم. قلت: وكيف يكون النداء؟ قال: ينادي من السماء أول النهار: ألا إن الحق في علي وشيعته. ثم ينادي إبليس (لعنه الله) في آخر النهار: ألا إن الحق في عثمان وشيعته، فعند ذلك يرتاب المبطلون).

از علی بن ابی حمزه از امام جعفر صادق(ع) که می فرمایند: خروج قائم از محتومات است عرض کردم: و ندا چگونه اتفاق می افتد؟ فرمودند: منادی در اول روز از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که حق با علی و شیعه اوست پس ابلیس(لع) در آخر روز ندا می دهد آگاه باشید که حق با عثمان و شیعه اوست پس در آن هنگام است که اهل باطل مرتد می شوند.^{۱۸}

روایت را مشاهده کردید که صیحه به نام علی(ع) زده میشود آیا ما به علی ابن ابی طالب ایمان نداریم؟

^{۱۷} غیبت نعمانی ص ۲۶۲

^{۱۸} غیبت طوسی ص ۴۵۴

اگر ایمان داریم پس چرا به نام علی زده میشود؟

در ثانی صحیحه برای شناساندن خلیفه الله است پس چرا به نام فردی که هزاران سال از دنیای مادی رفته زده میشود؟

عن جعفر بن محمد الصادق (ع) أنه قال في رواية طويلة إلى أن يقول: (... ولا يخرج القائم (ع) حتى يقرأ كتابان؛ كتاب بالبصرة، وكتاب بالكوفة بالبراءة من علي (ع).

جعفر بن محمد صادق ع در حدیثی طولانی فرمودند: "... قائم خروج نمیکند تا اینکه دو کتاب خوانده شوند یکی در بصره و دیگری در کوفه که محتوای آن براءت از علی ع میباشد " ۱۹

براءت از علی (ع) باعث میشود که قائم خروج کند

آیا منظور روایت، شخصیت علی ابن ابی طالب است یا شبیه علی (ع) در آخرالزمان؟

عبد الله بن سنان قال: كنت عند أبي عبد الله ع فسمعت رجلا من همدان يقول له إن هؤلاء العامة يعيروننا و يقولون لنا إنكم تزعمون أن مناديا ينادي من السماء باسم صاحب هذا الأمر و كان متكئا فغضب و جلس ثم قال لا ترووه عني و ارووه عن أبي و لا حرج عليكم في ذلك أشهد أني قد سمعت أبي (ع) يقول و الله إن ذلك في كتاب الله عز و جل لبين حيث يقول إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين فلا يبقى في الأرض يومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتة لها فيؤمن أهل الأرض إذا سمعوا الصوت من السماء ألا إن الحق في علي بن أبي طالب في جو السماء ثم ينادي ألا إن عثمان قتل مظلوما فاطلبوا بدمه فيرجع من أراد الله عز و جل به سوءا و يقولون هذا سحر الشيعة و حتى يتناولونا و يقولون هو من سحرهم و هو قول الله عز و جل - و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر.

عبد الله بن سنان که گفت در محضر ابی عبد الله (امام صادق) علیه السلام بودم شنیدم که مردی از همدان به آن حضرت عرض میکند این عامه (سنیان) ما را سرزنش میکنند و بما میگویند شما چنین می پندارید که آواز دهنده ای از آسمان بنام صاحب این امر آواز خواهد داد آن حضرت تکیه داده بود خشمگین شد و بنشست سپس فرمود: این سخن را از من نقل نکنید و از پدرم نقل کنید و هیچ اشکالی برای شما نخواهد داشت، من گواهی میدهم که از پدرم علیه السلام شنیدم که میفرمود: بخدا قسم که این مطلب در کتاب خدا کاملا روشن است آنجا که میفرماید: **إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين** - ۲۰ اگر ما بخواهیم نشانه ای از آسمان برای آنان فرو فرستیم که گردنهایشان در برابر آن خضوع کند. آن روز در

۱۹ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۰

۲۰ الشعراء: ۳

روی زمین کسی نماند مگر آنکه گردن در مقابل آن نشانه کج خواهد کرد همه مردم روی زمین چون بشنوند که صدائی از آسمان بلند است: (توجه کنید که حق در علی بن ابی طالب و شیعیان او است) ایمان آورند. فرمود: چون فردا شود شیطان بر هوا بلند شود تا آن حد که از دیدگاه زمینیان پنهان شود سپس آواز دهد: (توجه کنید که حق در عثمان بن عفان و شیعیان او است زیرا او مظلوم کشته شد خونش را مطالبه کنید). فرمود: خداوند در آن هنگام مردمان با ایمان را بگفتار ثابت بر حق ثابت نگه می‌دارد و گفتار ثابت بر حق همان ندای نخستین است ولی آنان که در دل‌هایشان بیماری هست بشک می‌افتند و بیماری دل بخدا قسم کینه ما است که آن هنگام از ما دوری جویند و ما را ناسزا گویند و می‌گویند که آواز دهنده نخستین سحری بود از سحرهای این خاندان سپس ابو عبد الله علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: **و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر** - ^{۲۱} اگر آیه‌ای را به بینند رو گردان شده و گویند که سحر سابقه داری است. ^{۲۲}

عجب! روایت بیان میکند که صیحه آسمانی موجب شک میشود و این شک ریشه ای دارد که آن کینه از اهل بیت است به همین دلیل است که قائم آل محمد را همراهی نمیکنند

در ثانی صیحه آسمانی در زمان قائم آل محمد اتفاق می‌افتد پس باید صیحه به نام قائم زده شود همان طور که بیان شد ولی به نام علی زده میشود آیا این علی فقط اسم است یا شخصیت؟

عن عبایه الأسدی، قال: (سمعت أمیر المؤمنین) (ع)... لأبنین بمصر منبراً، ولأنقض دمشق حجراً حجراً، ولأخرجن الیهود والنصارى من کل کور العرب، ولأسوقن العرب بعصای هذه، قال: قلت له: یا أمیر المؤمنین، کأنک تخبر أنک تحیی بعد ما تموت؟ فقال: هیهات یا عبایه ذهبت فی غیر مذهب یفعله رجل منی)

عبایه اسدی گوید: از امام علی (ع) شنیدم که می‌فرمود: در مصر منبری می‌سازم و بر زمین دمشق سنگ به سنگ راه می‌دهم و یهود و نصاری را از اعراب خارج می‌کنم و اعراب را با این عصایم چوپانی می‌کنم. عرض کردم یا امیر المومنین گویا خبر می‌دهید بعد از وفاتتان دوباره زنده می‌شوید. فرمودند: هیهات ای عبایه به مذهب دیگری در آمدی! آن کارها را مردی از فرزندان من انجام می‌دهد ^{۲۳}

اینجا تمام شبهاتی که در مورد نام علی در زمان قائم است برطرف میشود که خود علی ابن ابی طالب (ع) می‌گوید که آن کارها را مردی از فرزندانم انجام میدهد پس در نتیجه صیحه به نام آن مردی که از فرزندان حضرت است زده می‌شود

^{۲۱} القمر: ۲

^{۲۲} غیبت نعمانی باب ۱۴ ص ۲۶۸

^{۲۳} بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۹

و حالا کلامی از صاحب این دعوت مبارک نقل میکنم که ایشان این شخصیت عثمان را بیان میکنند توجه فرمایید:

سیداحمدالحسن (ع): ...هرگز همکاری نکرده و در مواجهه با عثمان و تلاش دست برنمی دارم تا او را در ملاء عام رسوا سازم...^{۲۴}

سیداحمدالحسن (ع) میگوید شخصیت عثمان را در ملاء عام رسوا میکنم این عثمان همان عثمانی است که ابلیس در زمین ندا میدهد تا ازش تبعیت کنید

سوالی که مطرح میشود این است که صیحه یا ندا در کجا زده می شود؟

در پاسخ میگوییم که صیحه یا همان ندا آسمانی در ملکوت زده میشود و توسط رویای صادق و مکاشفه دیده میشود

روایات را توجه کنید:

عن أبي بصير، عن أبي جعفر محمد بن علي (عليهما السلام)، أنه قال: (إذا رأيتم ناراً من المشرق شبه الهمردى العظيم تطلع ثلاثة أيام أو سبعة فتوقعوا فرج آل محمد إن شاء الله إن الله عزيز حكيم، ثم قال: الصيحة لا تكون إلا في شهر رمضان؛ لأن شهر رمضان شهر الله، والصيحة فيه هي صيحة جبرائيل إلى هذا الخلق، ثم قال: ينادى مناد من السماء باسم القائم (ع) فيسمع من المشرق ومن المغرب، لا يبقى راقد إلا استيقظ، ولا قائم إلا قعد، ولا قاعد إلا قام على رجله فزعاً من ذلك الصوت، فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فأجاب، فإن الصوت الأول هو صوت جبرئيل الروح الأمين (ع). ثم قال (ع) : يكون الصوت في شهر رمضان في ليلة جمعة ليلة ثلاث وعشرين فلا تشكوا في ذلك، واسمعوا وأطيعوا، وفي آخر النهار صوت الملعون إبليس اللعين ينادى: ألا إن فلاناً قتل مظلوماً ليشكك الناس ويفتنهم، فكم في ذلك اليوم من شاك متحير قد هوى في النار، فإذا سمعتم الصوت في شهر رمضان فلا تشكوا فيه أنه صوت جبرئيل، وعلامة ذلك أنه ينادى باسم القائم واسم أبيه (عليهما السلام) حتى تسمعه العذراء في خدرها فتحرض أباه وأخاها على الخروج، وقال: لا بد من هذين الصوتين قبل خروج القائم (ع) : صوت من السماء وهو صوت جبرئيل باسم صاحب هذا الأمر واسم أبيه، والصوت الثاني من الأرض هو صوت إبليس اللعين ينادى باسم فلان أنه قتل مظلوماً، يريد بذلك الفتنة، فاتبعوا الصوت الأول و إياكم والأخير أن تفتنوا به).

ابی بصیر از ابی جعفر محمد بن علی (ع) نقل میکند که حضرت فرمودند: هنگامیکه شعله ی آتشی در مشرق به مدت سه یا هفت روز پدیدار شود شما فرج آل محمد را انتظار داشته باشید ان شا الله که خداوند

^{۲۴} خطبه حج در تاریخ ذی القعدة/۱۴۲۷.

عزیز و حکیم است سپس فرمودند: صیحه ای نمی شود مگر در ماه رمضان زیرا ماه رمضان ماه خداست و صیحه در آن صیحه ی جبرئیل بر این خلق است سپس فرمودند: منادی از آسمان با نام قائم ندا میدهد که اهل مشرق و مغرب آنرا میشنوند و از شدت آن خوابیده بیدار و نشسته بر دو پای خود می ایستد و ایستاده بر زمین مینشیند پس خداوند رحمت کند کسی که به این ندا پاسخ دهد زیرا صوت و ندای اول ندای جبرئیل روح الامین ع است در شب بیست و سوم ماه رمضان صیحه ای میشود پس از آن شکایت نکنید و هنگامیکه شنیدید آنرا اطاعت کنید و در آخر روز صدای ملعون ابلیس سر داده میشود و میگوید: آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شد تا در میان آنان فتنه اندازد در آن روز بسیاری از مردم دچار شک و حیرت میشوند و در آتش سقوط میکنند پس هنگامیکه صدای اول در ماه رمضان را شنیدید در آن شک نکنید زیرا آن صدای جبرئیل است و نشانه ی آن این است که با نام قائم و نام پدرش ع ندا میدهد و دختر در سرا پرده آنرا میشنود و پدر و برادر خود را از خروج خبر میدهد سپس فرمودند: قبل از خروج قائم دو صیحه ی حتمی هستند، صیحه ی اول از آسمان و به نام صاحب امر و نام پدرش است و صوت دوم صدای ابلیس ملعون است که میگوید: فلانی مظلوم کشته شد و قصد آن فتنه است پس صوت اول را پیروی کنید و از صوت دوم بر حذر باشید مبادا شما را دچار فتنه کند " ۲۵

در این روایت نکاتی ظریف زیادی وجود دارد و بعضی از آنها را بیان میکنم

نکته اول اینکه «منادی از آسمان با نام قائم ندا میدهد»

نکته دوم: «که اهل مشرق و مغرب آنرا می شنوند و از شدت آن خوابیده بیدار و نشسته بر دو پای خود می ایستد و ایستاده بر زمین مینشیند» این صیحه از چه جنسی است که فردی که در خواب رفته را بیدار میکند و فردی که ایستاده را به دو زانو در میارد و فرد نشسته بلند میشود؟

این همان امری است که اهل بیت میفرمایند باید قبل از صیحه مردم با آن آشنا شوند تا دچار شک و شبهه نگردند و در نتیجه قائم را یاری دهند و آن صیحه همان رویا و مکاشفه یا الهامات قوی قلبی میباشد که قائم آل محمد به وسیله ی آنها تایید می گردد و اگر کسی از قبل با این موضوع آشنا نباشد به تحقیق دچار شک میگردد

روایت بعدی:

فقد ورد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، قال: سألت أبا الحسن (ع) علي بن موسى الرضا (ع) عن الرؤيا فأمسك عني ثم قال: لو إنا أعطيناكم ما تريدون كان شراً لكم وأخذ برقبته صاحب هذا الأمر.

۲۰ غيبة النعمانی ص ۲۶۲

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از ابا الحسن علی بن موسی الرضا(ع) در مورد رویا پرسیدم، پس حضرت امتناع ورزید، سپس فرمود: اگر هر چه را می خواهید، به شما بگوئیم و عطا کنیم، موجب شرّ برای شما می شود و گردن صاحب الامر را می گیرند.^{۲۶}

رویا با صاحب الامر چه رابطه ای دارد؟

چرا حضرت درباره ی رویا صحبتی نکرد؟

مگر رویا چه چیزی است؟

آیا همان رویایی است که علما تفسیر به رای کردند؟

عن أمير المؤمنين (ع)، قال: (انتظروا الفرج فی ثلاث. فقیل له: وما هن؟ قال(ع): اختلاف أهل (الشام) بینهم، واختلاف الرايات السود من (خراسان)، والفرجة فی شهر رمضان. فقیل له: وما الفرجة فی شهر رمضان؟ قال: مناد من السماء یوقظ النائم، ویفزع الیقظان، وتخرج الفتاة من خدرها، ویسمع کلهم، فلا یجئ رجل من أفق من الآفاق إلاّ یحدث أنه سمعها).

امام علی(ع): در سه نشانه انتظار فرج داشته باشید. عرض شد: آنها چه هستند فرمودند: اختلاف اهل شام بین خود و اختلاف درفشهای سیاه از خراسان و صیحه در ماه رمضان. عرض شد: صیحه در ماه رمضان چیست؟ فرمودند: ندای منادی از آسمان که خوابیده را بیدار می کند و بیدار برمی خیزد و زن حرم سرا از حرم خود خارج می شود و همه می شنوند و هیچ مردی از هیچ افقی از آفاق نمی آید مگر اینکه از این حادثه سخنی بگوید.^{۲۷}

صیحه ای که خوابیده را بیدار میکند و بیدار را برمیخیزد و زن حرم سرا را از حرم خود خارج میکند پس این ندا همان رویایی است که فرد در رویا میبیند و از ترس از خواب بلند میشود و یا صیحه همان مکاشفه ای است که فرد بیدار را برمیخیزد

ابوبصیر از امام باقر(ع): قائم (ع) در سالهای فرد، نه، یک، سه، پنج قیام می کند و فرمود: هنگامی که با بنی امیه به اختلاف پرداختند و دولت ایشان از میان رفت و سپس اولاد عباس به حکومت رسیدند. پس همواره در فراوانی و طراوت زندگی، به سر خواهند برد تا آنکه در میان خود به اختلاف پرداختند و چون اختلاف کردند دولتشان از میان می رود، و اهل مشرق و مغرب نیز دچار اختلاف شوند، آری همچنین اهل قبله نیز گرفتار اختلاف شوند و ناراحتی و سختی بسیار به مردم خواهد رسید از آنچه برایشان از ترس می گذرد. پس

^{۲۶} مختصر بصائر الدرجات ص ۱۰۴

^{۲۷} عقدالدرر فصل سوم- حدیث ۱۴۳

پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان آواز برآورد و چون ندا بر آمد کوچ کنید! کوچ کنید! به خدا سوگند گوئی به او می نگرم که در میان رکن و مقام از مردم به امری نوین و فرمانی جدید و کتابی جدید و نظامی تازه از آسمان بیعت گیرد، بدانید هیچ پرچمی بدو باز گردانده نشود تا پایان عمر او.^{۲۸}

نکته ای که در این حدیث به صورت واضح بیان شده است این است که حضرت میفرماید: «در میان رکن و مقام از مردم به امری نوین و فرمانی جدید و کتابی جدید و نظامی تازه از آسمان بیعت گیرد» فردی است که در بین رکن و مقام بیعت میگیرد و به امری نوین و فرمانی جدید و کتابی تازه فرمان میدهد چه کسی میتواند باشد که این کار را میکند؟

پس تا اینجا بحث رویا و صیحه روشن شد که صیحه آسمانی در درجه ی اول راه ایمان نمی باشد بلکه صیحه عذاب است نه بشارت و در ثانی فرد در صیحه آسمانی دچار شک و تردید میگردد حالا باید دنبال دلیلی باشیم که ما را به قطع و یقین برساند و خلیفه الله را برای ما روشن سازد و همچنین دچار هیچ گونه شک و تردید نگردیم تا حجت زمانمان را یاری کنیم

پس با دقت به مبنایی که اهل بیت به ما داده اند گوش کنید

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ^{۲۹}

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید

در اینجا خداوند به ملاکه نص میدهد و آدم را معرفی میکند

و در آیه ی بعدی

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۳۰}

و در این آیه هم به وضوح روشن میکند که به خلیفه ای که نص داده شد علم هم داده شده است

و در آیه بعدی

^{۲۸} غیبت نعمانی باب ۱۴ ص ۳۷۰

^{۲۹} بقره ۳۰

^{۳۰} بقره ۳۱

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^{۳۱}

و در این ایه هم خداوند تصریح میکند که از خلیفه ای که هم نص شده و هم دارای علم است ازش تبعیت کنید

این سه تا قانونی است که خداوند به وضوح بیان کرده است حالا وارد ثقل دوم میشویم خوب دقت کنید

در حدیثی از امام باقر (ع) که فرمود: هر چیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند وصیت و پرچم و سلاح پیامبر خدا (ص) جای هیچ گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی‌گذارد... بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می‌دهند. که همانا برای آل محمد و علی (ع) پرچمی (یک پرچم) است و برای دیگران پرچم‌ها. پس در جای خودت ثابت باش و از هیچ کس ابدأً تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین (ع) ببینی که با او وصیت رسول خدا (ص) و پرچم او و سلاح او باشد.^{۳۲}

روایت بعدی

از امام باقر ع در حدیثی طولانی آمده است:..سپس مردی از صلب پدرش قیام می‌کند، و او شدیدترین مردم نسبت به بدن او و شجاعترین آنها به قلب اوست از وقتی که صاحب این امر غیبت نموده، پس به او می‌گویند (با دین خدا) چه می‌کنی که به خدا سوگند همانا تو مردم را می‌پراکنی چنانکه گوسفندان رمیده می‌شوند، آیا پس وصیتی از رسول خدا ص در نزد توست یا چیز دیگر؟ پس مولایی که عهده دار بیعت است می‌گوید: به خدا سوگند یا ساکت می‌شوی یا میان دو چشمت را خواهم کوبید. پس قائم ع می‌فرماید ای فلانی خاموش! بله به خدا سوگند همراه من وصیت پیامبر ص است. پس آن صندوقچه را بده، پس بسوی او می‌آید و وصیت رسول خدا ص را برای او می‌خواند، پس می‌گوید فدایت شوم، اجازه فرمایید سر شما را ببوسم، پس بین دوچشمان او را می‌بوسد، سپس می‌گوید فدایت شوم بیعه خود را برای ما تجدید فرما، پس برای آنها بیعت خود را تجدید می‌فرماید^{۳۳}

خوب دقت کنید و حالا در روایت بعدی:

- امام صادق ع در حدیثی فرمود:....پس با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند و همراه او وصیت رسول خدا ص است که فرزند بعد از فرزند به ارث نهاده است.^{۳۴}

روایت بعدی:

^{۳۱} بقره

^{۳۲} تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲. إلزام الناصب، ج ۲، ص ۹۶.

^{۳۳} العیاشی ج ۲ ص ۵۶. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۳۴۱. بشارة الإسلام ص ۲۲۷. هامش المصدر ج ۲ ص ۵۹

^{۳۴} غیبة النعمانی ص ۲۸۲. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ - ۲۳۹

حرث بن المغیره گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود؟
فرمودند: با آرامش و وقار و علم و وصیت^{۳۵}

و روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود: صاحب این امر با سه خصوصیت شناخته می شود که در هیچ کس جز او نیست. او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از او است می باشد و او وصیش است. با او سلاح رسول الله (ص) است. با او وصیت رسول الله (ص) می باشد^{۳۶}

روایت بعدی:

از عبد الاعلی که گفت به امام صادق ع عرض کردم حجت ما در مدعیان دروغین برای صاحب این امر چیست؟ فرمود: سه نشانه است که در هیچ مردی جز او جمع نمی شود، آنکه او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از اوست می باشد، در نزد او سلاح رسول خدا ص است، و او صاحب وصیت است که (در کتابها) آشکار است.^{۳۷}

روایت بعدی:

امام علی ابن الحسین (ع) فرمودند: امامی از ما نخواهد بود مگر معصوم باشد و عصمت در ظاهر خلقت نیست که با آن شناخته شود و آن نخواهد بود مگر به او وصیت شده - پس به او گفتند ای فرزند رسول خدا معنی معصوم چیست؟ فرمودند: اوست معتصم به حبل یا ریسمان خداوند و ریسمان خداوند همان قران است که جدا نمیشوند تا روز قیامت و امام به سوی قران هدایت می کند و قران به سوی امام هدایت می کند و ان گفتار خداوند تعالی: **{إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ}**^{۳۸}

روایت بعدی:

امام رضا (ع) فرمود: امام باقر (ع) می فرمود: همانا مثل سلاح در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل. یعنی هر کسی تابوت نزدش بود نبوت برای او بود و به همین صورت هر کدام از ما که نزدش سلاح باشد صاحب امر است. از ایشان سؤال شد: آیا سلاح از علم جدا است؟ امام رضا (ع) فرمود: خیر.^{۳۹}

^{۳۵} الغيبة - طوسي ص ۴۷۰. بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۲۹۱.

^{۳۶} بصائر الدرجات ص ۵۰۹

^{۳۷} بصائر الدرجات ص ۲۰۲. الکافی ج ۱ ص ۳۷۹

^{۳۸} (معانی الاخبار ص ۱۳۲. بحار الانوار ج ۲۵، ص ۱۹۴

^{۳۹} کافی ج ۱ ص ۲۳۸

تا اینجا مشاهده میکنید که اهل بیت قانون معرفت حجت را بیان میکنند و حالا روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود: همانا مثل سلاح در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل. یعنی هر کس صاحب تابوت بود صاحب ملک بود. پس هر کس از ما سلاح نزدش باشد عــــلم نزدش است^{۴۰}

این همان قانونی است که خداوند آنرا تنصیب کرده است به نام قانون معرفت حجت که تمامی انبیاء و اوصیاء با همین قانون معرفت حجت میامدند و خود را ثابت میکردند و ما نه در تاریخ و نه در روایات آل محمد(ص) داریم که کسی به دروغ مدعی این قانون شده است و عده ای را فریب داده باشد برای اطلاعا بیشتر در مورد دلایل دعوت مبارک یمانی حتما به آدرس الکترونیکی رجوع کنید و حقیقت را جستجو کنید^{۴۱}

آقای آیتی مطلبی را بیان میکند که باز هم از نزد خود میباشد ایشان ادامه ی مطالبشان میگویند که مشکلاتی در خصوص تطبیق علامات ها است که نباید صد در صد علامتی را تطبیق داد یعنی علامتی که در روایت آل محمد(ص) ذکر شده را به صورت یقینی بر مصداق خارجش تطبیق داد

متن کلام ایشان را نقل میکنم:

۱. ضابطه مند نبودن تطبیق؛
۲. قابلیت انطباق بر مصداق های متعدد و مشکل شناخت مصداقی که علامت است؛
۳. امکان سوء استفاده و جعل و ساختن مصادیق علایم و مشکل شناخت مصادیق جعلی.

ایشان میگوید ضابطه نبودن تطبیق یعنی باید برای تطبیق روایت ها بر مصادیق خارجی آن یک ضابطه ای باشد سوالی که از ایشان دارم این است که این ضابطه را اهل بیت (ع) بیان میکنند یا از جانب خود میگویند؟ دومین مطلبی که ذکر میکنند میگویند علاماتی که اهل بیت بیان فرموده اند قابلیت انطباق بر مصادیق مختلف و فراوانی دارد دوباره سوالی دارم که آیا روایات آل محمد(ص) ما را گمراه میکند؟ آیا اهل بیت

^{۴۰} کافی ج ۱ ص ۲۳۸

^{۴۱} فیسبوک و تویتر امام احمد الحسن علیه السلام <http://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313>

و <https://twitter.com/AhmedAlhasan313> و www.almahdyoon.org یا به ادرس پالتاک lil Ansar Emam Mahdi

10313 lil

نمی‌توانستند روایت و علامتی را بیان کنند که فرد دروغگو نتواند مردم را گمراه سازد تا ما را از ظهور امر دور نکند؟

و مطلب سومی که مطرح میکنم این است که ممکن است علامات جعل شوند در اینجا می‌گوییم که برادرم! اهل بیت گفتند فلان علامت ظاهر میشود نگفته اند به چه شکلی ظاهر میشوند شاید اصلاً جعل روایت از علامات باشد در ثانی اگر فرضاً گفته‌ی شما درست باشد که درست نیست یک مشکل دیگری داریم و آن این است که ما بر احتمالات پیش نمی‌رویم باید مبنایی که به ما میدهد قطعی و یقینی باشد و شما از جانب خودت صحبت میکنی اگر از ثقلین صحبت میکردی به تحقیق احتمالی صحبت نمی‌کردید و ما مبنای یقین آور که از ثقلین باشد را قبول میکنم

ثالثاً مگر اهل بیت حرف بیهوده می‌زنند؟ اهل بیت میخواهند با این علامت ما را برای ظهور امر آماده کنند ولی زمان تعیین نمیکنند بلکه خود این علامات ظهور، فقط قریب و یا بعید بودن ظهور را برای ما روشن میکند نه وقت ظهور را

در ادامه آقای آیتی می‌گوید که علامات ظهور را نباید صددرصد تطبیق دارد چرا که احتمال دارد در آینده همان علامت ظاهر شود متن کلام ایشان را نقل میکنم خوب توجه فرماید:

اما این احتمال نیز وجود دارد که در آینده‌ای نزدیک یا دور مصداق دیگری محقق شود که به همان شفاف‌ی و بلکه شاید بیشتر روایات بر آن انطباق شدنی باشد!

بعید به نظر می‌آید که فردی مثل نصرت الله آیتی در پژوهشکده‌ی مهدویت قم مبنا را بر شاید و گمان بگذارد

در پاسخ می‌گوییم آقای آیتی

در عقائد تابع مبنایی هستیم که ما را به قطع و یقین برساند چرا که نباید ما را حتی یک درصد گمراه کند کما که خودتون بر این گفته‌ی حقیر اقرار کردید ولی چرا الان مبنا را بر شاید می‌گذارید در ثانی علامتی که به وضوح بر یک فرد منطبق میشود و تمام ویژگی‌ها را دارد یا به قول معروف دست به نقد هستیم چرا باید مبنا را بر شاید بگذاریم و بگوییم شاید در آینده دور یا نزدیک همان علامت ظاهر شود؟

فقط مبنای یقین آور مورد قبول می‌باشد پس این گفته‌ی شما به دلیل یقینی نبودن باطل است

در ادامه نصرت الله آیتی موضوعی را بیان میکند که باز هم مبنای ایشان بر امکان و شاید میباشد متن کلام ایشان این چنین است :

مشکل سوم این است که در آن بخش از نشانه‌های ظهور که به شخصیت‌ها و رخداد‌های اجتماعی و امثال آن مربوط است، امکان ساخت مصداق جعلی وجود دارد.

در پاسخ به این کلام عرض میکنم که: روایات آل محمد(ع) میفرمایند که فردی به نام یمانی میاید و هدف آن دعوت به حاکمیت الله میباشد با توجه به توصیفات زیادی که در این خصوص داریم ولی هیچ کجا از اهل بیت نداریم که شخصیت یمانی جعل میشود و اگر آمد قبول نکنید برای جا افتادن بحث متن کلام دیگری از نصرت الله آیتی را ذکر میکنم و بعد توضیحاتم را تکمیل خواهیم کرد

متن کلام ایشان این چنین است :

همچنان که وجود سفیانی‌ها، یمانی‌ها و نفس زکیه‌های تاریخی، خود دلیلی روشن بر امکان مشابه‌سازی و سوءاستفاده از نشانه‌های ظهور است.

این یک دروغ محض است

ما در هیچ جای تاریخ نداریم که یمانی که دعوت به امام مهدی کند به دروغ مدعی شده باشد اگر یک نمونه تاریخی برای مدعی شدن یمانی دروغین داریم باید بیاورید

در ثانی دوباره اینجا تکرار کردید که امکان مشابه‌سازی وجود دارد این امکان را باید به یقین برسانید در غیر این صورت توجه ای به مطلبتان نخواهد شد

و حالا مثال دیگری را برای تکمیل شدن بحث جعل شخصیت‌ها در عصر ظهور ذکر میکنم

از اهل بیت (ع) روایت هایی داریم که شخصیتی به نام یمانی هشت ماه قبل از ظهور حضرت حجت خروج میکند این روایات را اگر کنار هم بگذاریم به نتیجه ی مطلوبی میرسیم و با مبنای یقین صحبت میکنیم روایات را ذکر میکنم به خوبی دقت کنید و مصدر کلامم را بیان میکنم تا بعد از خلاصه بیانم برای تفضیل بحث مراجع کنید و حقیقت را پیدا کنید

مالک جهنی می گوید : می گوید : به ابی جعفر(ع) گفتم : (إنا نصف صاحب هذا الامر بالصفة التي ليس بها أحد من الناس، فقال: لا والله لا يكون ذلك أبدأحتی يكون هو الذي يحتج عليكم بذلك ، ويدعوكم إليه) (صاحب این امر را طوری برای من توصیف کنید که این صفت در هیچ کدام از مردم وجود نداشته باشد ، فرمودند : نه به خدا امکان نخواهد داشت تا اینکه او با آن بر شما احتجاج کند و شما را به سوی آن دعوت می کند)^{۴۲}

این روایت به صورت صریح بیان میکند که صاحب الامر کسی است که هیچ کسی صفات آن را ندارد و آن با چیزی که در دست دارد بر مردم احتجاج میکند و آنها را به صاحبشان دعوت میکند روایت بعدی را ذکر میکنم :

عن الامام الباقر (ع) : (... خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنه واحده ، فی شهر واحد ، فی یوم واحد ، نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا فیکون الباس من کل وجه ، ویل لمن ناوهم ، ولیس فی الرايات رایه اهدی رایه من رایه الیمانی ، هی رایه هدی ، لانه یدعو الی صاحبکم ، فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس وکل مسلم ، واذا خرج الیمانی فانهض الیه فان رایته رایه هدی ، ولایحل لمسلم ان یلتوی علیه ، فمن فعل ذلك فهو من اهل النار ، لانه یدعو الی الحق والی طریق مستقیم...)^{۴۳}

این روایت شریفه بیان میکند که خروج سه شخصیت در یک زمان است چطور میشود فردی بدون اطلاع خروج کند علی الخصوص شخصیت یمانی که قرار است ما را هدایت کند و به صاحبمان برساند این امر در همین روایت و روایت های دیگر بیان شده است دقت کنید:

وعن ابی عبد الله (ع) قال : (خروج الثلاثه : السفیانی والخراسانی والیمانی ، فی سنه واحده فی شهر واحد فی یوم واحد ، ولیس فیها رایه اهدی من رایه الیمانی ، لانه یدعو الی الحق)^{۴۴}

و هیچ پرچمی هدایت کننده نیست مگر یمانی به خاطر اینکه دعوت به حق میکند

^{۴۲} کتاب غیبت نعمانی ص ۳۳۷ :باب ۲۲ ج ۳ .

^{۴۳} غیبة النعمانی ص ۲۶۴

^{۴۴} الغیبة للطوسی ص ۲۷۱ . الارشاد ج ۲ ص ۳۵۷ . الغیبة للنعمانی ص ۲۲۵ . بحار الأنوار ۵۲ ص ۲۱۰

خواننده گرامی:

چه طور میشود یک شخصیت که مقام هدایت دارد جعل گردد و طبق همان توصیفات و قوانینی که از اهل بیت داریم بیاید و مردم را گمراه سازد آیا این با قول و فعل خداوند سازگار است؟

آیا امکان دارد شخصیتی جعلی و دروغی با همان قوانین معرفت حجت بیاید و خود را یمانی اعلام کند و مردم را گمراه سازد؟

اگر دلیلی دارید منتظر شنیدن دلیلتان هستیم

ولی حقیر همین جا اعلام میکنم که در مورد شخصیت یمانی با وجود مقام هدایت هیچ کسی نمیتواند به دروغ مدعی این امر شود

اوصافی که از یمانی در روایات اهل البیت آمده ، اوصافی درخشان و خاص است که جز در حجج الهی و امامان معصوم یافت نمی شوند، و از میان این روایات روشن می شود که قبل از قیام امام مهدی (ع) امت ابتدا بوسیله شخصیت یمانی امتحان می شوند و این شخصیت مَقَسَمِ نار و الجنة است یعنی تقسیم میکند مردم را به دو دسته جهنمی و بهشتی. استناد این کلام به این تیکه از روایت است، "ولایحل لمسلم ان یلتوی علیه ، فمن فعل ذلک فهو من اهل النار" ، حلال نیست بر مسلمانی که از شخصیت یمانی سرپیچی کند که اگر مرتکب بی توجهی به شخصیت یمانی باشد قطعا از اهل نار است پس اگر کسی از یمانی تبعیت کند او از اهل بهشت است.

همان طوری که امام حسین (ع) فرمود:

(... من سمع واعیتنا اهل البیت ثم لم یجینا ، کبه الله علی وجهه فی نار جهنم)

(... هر کسی که دعوت ما را بشنود و اجابت نکند ، خداوند او را با صورت به جهنم می افکند).^{۴۵}

هر کس دعوت ما را نشنود این کلام در سخن امام باقر(ع) در خصوص یمانی وجود دارد که میفرماید "لانه یدعو الی صاحبکم" شخصیت یمانی شما را به صاحبان دعوت میکند حالا سوال اینجا مطرح میشود همان طور که امام حسین (ع) میفرماید اگر دعوت ما را اجابت نکنید در آتش جهنم می افتید و از دو شباهت صحبت میکند یکی دعوت ما و دیگری آتش جهنم و دقیقا برای شخصیت یمانی هم این توصیفات را داریم حالا امکان دارد با وجود این دلایل و توصیفات، شخصی دروغین مدعی این امر شود و مردم را گمراه سازد؟

^{۴۵} الأملی للصدوق: ص ۱۲۹

آیا تا به حال در تاریخ این مورد را درباره ی شخصیت یمانی داشته ایم؟

آن‌شاءالله که بحث در این مورد واضح شده باشد و اگر شخصی اطلاعات بیشتری در مورد شخصیت یمانی می‌خواهد به کتاب برادرم شیخ ناظم العقیلی (حفظه الله) (پژوهشی در مورد شخصیت یمانی) و همچنین به کتاب شیخ حیدر زیادی (یمانی حجة الله) و همچنین به کتاب برادرم شیخ علی ابراهیمی (بیان شافی در ادله یمانی) مراجع کند و حقیقت را پیدا کند

نصرت الله آیتی ادامه می‌دهد و مطلبی را بیان میکند ایشان می‌گوید که علامات ظهور را صددرصد تطبیق ندهیم شاید در آینده یکی دیگه بیاید از کجا معلوم است که این درست است و اگر اشتباه باشد و در آینده همان علامت پیدا شود در دل مومنین شک می‌افتد و ...

متن کلام ایشان این چنین است:

پاک دل را بازیچه هوا و هوس شیادان مدعی می‌کرده است و از سوی دیگر در دل افراد ضعیف الایمان بذر شک می‌کاشته و باعث می‌شده که گاه در اصل اعتقاد به امام مهدی علیه السلام نیز دچار تردید و دودلی شوند.

هیچ وقت علامات ظهور موجب شک و تردید نمیشود

اگر علما و راهبران دین علامات و موضوعات عصر ظهور را به صورت دقیق از آل محمد (ص) نقل کنند و تفسیر و تاویل خود را نگویند و فقط روایات را برای مردم بخوانند هیچ گاه شک و تردید در دل هیچ احدی راه پیدا نمی‌کند چرا که نبی مکرم اسلام فرموده است: « انی تارکم فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا من بعدی ».

پس در نتیجه اگر علما فقط ثقلین را برای مردم بخوانند و هیچ گونه تفسیر و تاویل و منبع غیر روایی را بیان نکنند هیچ گاه دچار شک و تردید نمیشوند در ثانی اهل بیت این موضوع را روشن کرده اند به روایت ذیل توجه فرماید:

در حدیثی از امام باقر (ع) که فرمود: هر چیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند وصیت و پرچم و سلاح پیامبر خدا (ص) جای هیچ گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی‌گذارد ... بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می‌دهند. که همانا برای آل محمد و علی (ع) پرچمی (یک پرچم) است

و برای دیگران پرچم ها . پس در جای خودت ثابت باش و از هیچ کس ابداً تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین (ع) ببینی که با او وصیت رسول خدا (ص) و پرچم او و سلاح او باشد.^{۴۶}

و دیگر روایاتی که در این زمینه موجود است که قبلاً ذکر کردم

نصرت الله آیتی در کتابش معیار های خود ساخته ی خود را ارئه میدهد که برای این معیارها هیچ منبع خاصی از اهل بیت و یا قران نداریم

آقای آیتی، چطور میشود با وجود قرار دادن دو ثقل توسط خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص) شما مبنایی صادر کنید؟ اگر هم مطلبی را ذکر میکنید باید از این دو ثقل باشد نه خارج از آن

اگر شیعه باشید این مطلب را درک میکنید!

ایشان مطلبی را ذکر میکنند که این مطلب را در جایی از اهل بیت یافت نکردیم متن کلام ایشان این چنین است:

یقینی بودن تطبیق

با این گفته ی خود میخواهد ثابت کند که علایمی که تاکنون رخ داده است ممکن است در آینده رخ دهد پس برای تطبیق آن در این زمان باید یقین داشته باشیم

سوالی که مطرح میکنم این است آیا اهل بیت ما را سرگرم علامت کرده اند یا سرگرم مرد هدایت کننده؟

آیا اهل بیت قوانین را برای تطبیق علامت های ظهور داده اند یا برای شناخت خلیفه خدا ؟

متذکر میشوم که علامت های ظهور به ما زمان ظهور حضرت را نمیدهد بلکه نزدیک بودن ظهور را برای ما روشن میکند و وقتی که علامتی را میبینیم در میابیم که ما نزدیک ظهور حضرت حجت هستیم و به همین دلیل شروع بر اصلاح کار خود میکنیم و خیلی از ناهنجاری ها به خاطر این دلیل از بین میروند ولی علامت ها مقصد نیستند بلکه آنها هم هدفی دارند و آن هدف اشاره کردن به صاحب ظهور است یعنی علامت های ظهور نشان دهنده ی شخصیت هدایت کننده است پس چونکه صد آمد نود هم پیش ماست اگر بفهمیم

^{۴۶} تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ . إلزام الناصب، ج ۲، ص ۹۶ .

کدام فرد هدایت کننده است و آیا با خود قوانین معرفت حجت را آورده است دیگر نیازی به علامات نیست چرا که فرد هادی آمده است

این مطلبی که ذکر کردم در خصوص علامات موقوفه میباشد که از اسم آن پیدا است علاماتی که ممکن است دارای وقفه باشند و اگر خواسته باشیم به علامات ظهور نگاه کنیم باید علامت هایی باشند که اصلا دارای وقفه نیستند بهتر عرض کنم منظورم علامات حتمی میباشد که حتما شکل میگیرند و این علامات حتمی مد نظر ما میباشد

در نتیجه : علامات معیار ما نمیباشد و تمسک به فرد هادی معیار و اساس کار ماست پس باید دنبال این فرد هادی بگردیم و ظاهر شدن علامت ها برای ما امید بخش و راه گشا است و در هیچ جای قران و کلام اهل بیت نداریم که دنبال علامت ها باشید بلکه برعکس، گفته شده دنبال هادی زمانتان باشید

در ادامه نصرت الله آیتی مطلبی را ذکر میکند که حقیر را شگفت زده کرد اما نمیدانم به چه دلیل ایشان با این دعوت مبارک مبارزه میکند

کلام ایشان را ذکر میکنم

ایشان میفرماید :

لیکن قیام یمانی نشانه‌ای است که تطبیق آن بر یک مصداق خاص با اثرات فراوانی همراه است. از آن جا که یمانی شخصیتی اصلاح گراست و مؤمنان به فرمان‌بری از او دستور داده شده‌اند، به طور طبیعی اگر قیام کند، بسیاری را با خود همراه خواهد کرد و سرمنشأ حرکتی اجتماعی خواهد شد، بلکه قیام او به دلیل پیوستگی با ظهور، منشأ این اعتقاد خواهد شد که امام مهدی عج به زودی ظهور خواهد فرمود.

چند نکته در این کلام ایشان هست باز گو میکنم شاید فراموش کرده باشد

همانطور که مشاهده می کنید ایشان میگوید که تطبیق یمانی بر یک مصداق خاص اثرات فراوانی دارد سوالی که از ایشان دارم این است که شما چه طور میتوانید تشخیص دهید یمانی حق است و میتوانید تطبیق دهید؟

در ادامه ایشان میگویند که یمانی شخصی اصلاح گر است

پس به این عقیده رسیده اید که یمانی شخصیتی است که جامعه را اصلاح میکند و حالا برای چنین شخصی خداوند قادر نبوده برای شناخت ایشان از مدعیان دروغین قانونی وضع کند؟

و باز در ادامه میفرماید که مومنان به رهبری او دستور داده شده اند. همانطور که مستحضر هستید بی توجهی به یمانی مستوجب آتش جهنم است با این همه توصیفات که خودتان معتقد هستید آیا خداوند برای شناخت یمانی راهی یقینی قرار نداده است تا او را بشناسیم؟

در ثانی به اطاعت از یمانی توسط اهل بیت(ع) دستور داده شده آیا اهل بیت از جانب خود حرفی میزنند؟

اگر بگویید نخیر از جانب خود حرفی نمیزنن میگویم که: پس دستور اطاعت از یمانی از خداوند صادر و در کلام اهل بیت جاری شده است اگر بگویید بله از جانب خود صحبت میکنند که به شما میگویم با وجود کلامی که از اهل بیت در این زمینه (که از خود حرفی نمیزنند) داریم پس شما در اشتباه بزرگی هستید و باز آقای آیتی میگوید که یمانی بسیاری را با خود همراه میکند در صورتی که در روایات آل محمد این کثرت را نداریم و خلاف گفته ی نصرت الله آیتی از اهل بیت داریم

امام باقر(ع): (برای خداوند متعال گنجی است در طالقان که نه طلاست و نه نقره بلکه **دوازده هزار نفر** در خراسان اند که شعارشان « احمد احمد » است و جوانی از بنی هاشم رهبری آنها را بر عهده دارد که پیشانی بندی قرمز رنگ بر پیشانی بسته است ، گویی ایشان را می بینم که از رود فرات می گذرند ..)^{۴۷}

و در روایتی از ابو بصیر گوید که از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: قائم (ع) قیام نمی کند مگر آنکه حلقه (یاران ایشان) تکمیل شود، عرض کردم: تعداد این حلقه (یاران) چند نفر هستند؟ فرمود: ده هزار نفر^{۴۸}

الان آمار جهان در آستانه سال ۲۰۱۵ میلادی بیش از هفت میلیارد نفر جمعیت دارد

آیا این تعدادی که اهل بیت (ع) فرمودند در مقابل این آمار کم نیست؟

پس نصرت الله آیتی بر چه مبنایی این حرف را میزند؟!

در ادامه ی گفته های نصرت الله آیتی موضوعی که برای ایشان روشن نیست و فکر نمیکنم هیچ وقت به کلام اهل بیت رجوع کرده باشد

^{۴۷} منتخب انوار المصیبه ص ۳۴۳

^{۴۸} الغیبة النعمانی ص ۳۲۰، اثبات الهداة: ۳ / ۵۴۵، ح ۵۳۳. حلیة الأبرار: ۲ / ۶۳۳. بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۶۷، ح ۱۵۲

چرا که در بیشتر کتاب هایی خود این موضوع را به عناوین مختلفی بیان کرده است ایشان یک چیز را نمی بیند که اگر آن قانون را بشناسد دیگر از این سوالات به دور است متن کلام ایشان را ذکر میکنم تا حقیقت روشن شود :

محدور گرفتاریم؛ از یک سواگریمانی واقعا ظهور کرده باشد و موفق به شناسایی او نشویم، نمی توانیم او را در حرکتش - که زمینه ساز ظهور است - یاری نماییم و از سوی دیگر اگر در تطبیق اشتباه کنیم در دام دجالی گرفتار شده ایم که جامعه مؤمنان را به پرتگاه انحراف در عقیده

اگر یمانی هادی مردم باشد که مخالفت با او اهل نار است و ظهور هم کرده باشد پس به تحقیق خداوند برای شناخت ایشان قانونی را وضع کرده است چرا که او حجت الهی است و این صفات بر حجج های الهی صدق میکند و چاره ای نداریم جزء تمسک به قوانین معرفت حجت که شما خواننده گرامی را به همراه آقای آیتی دعوت میکنم به مطالعه در مورد قوانین معرفت حجت در کتاب «حوارالقصصی نوشته ی برادرم عبدالعالی منصوری و همچنین به کتاب قانون معرفت حجت نوشته ی برادرم عبدالرزاق دیراوی» مراجع کنید و حقیقت را پیدا کنید

پیش تر عرض کرده بودم که هیچ فردی در زمان عصر غیبت کبری اجازه ی تفسیر و تاویل حدیثی را ندارد حالا نمیدانم از کجا شیخ کورانی و دیگر علما روایت ها را تفسیر کرده اند این نکته ای بود که باید ذکر میکردم و متن کلام را بیان میکنم تا واضح شود

استاد کورانی نیز تفسیری متفاوت از این روایت ارائه کرده است

اول نصی از امام معصوم بیارید جهت تفسیر بعد ذکر تفسیر کنید.

دوباره آقای آیتی مبنای خودساخته خود را بیان میکند مبنای ایشان این چنین است :

دوم. اجتماع تمام معیارهای مذکور در روایات

دومین شرط تطبیق این است که مصداق مورد نظر، تمامی ویژگی‌های ذکر شده در روایات معتبر را داشته باشد. برای مثال، اگر فرض کنیم در روایات معتبر یمانی چنین توصیف شده باشد که او شخصیتی هدایت یافته است، از سرزمین یمن قیام می‌کند، قیام او در ماه رجب آغاز می‌شود، هم‌زمان با قیام او سفیانی و خراسانی خروج می‌کنند و...

شرط اساسی در شناختن شخصیت یمانی همان قانون معرفت حجت است و محل تولد، محل قیام، چگونگی و کیفیت قیام، تعداد و نفرات متفاوت است چرا که احتمال بدا وجود دارد در اصل بدا پذیر می‌باشد اما خود شخصیت ایشان بدا پذیر نیست چرا که یمانی از میعاد است یعنی وعده ی خداوند و در وعده ی خداوند هیچ گونه تغییر و تبدیل نمی‌باشد ولی یمانی اگر با قانون معرفت حجت بیاید هر کجا هم که باشد او یمانی است چرا که قانون مد نظر ماست نه محل ایشان

قانون معرفت حجت همان وصیت، علم و پرچم حاکمیت الله است و ما محل قیام ایشان را در قوانین نداریم در ثانی شما طبق کدام روایت می‌گویید که یمانی از یمن است آیا احتجاج شما به روایت‌هایی که مولف بر آن دست برده و کلمه ی یمن را در پرانتز گذاشته یا اینکه از لفظ کلمه ی یمانی متوجه این موضوع میشوید ؟

پس برای روشن شده این مطلب به همان کتاب‌هایی که در مورد شخصیت یمانی عرض کردم مراجع کنید.

نصرت الله آیتی در ادامه کتاب خود به زعم خود ضابطه ی دیگری را بیان میکند که کلام ایشان را نقل میکنم:

سوم. تطبیق مبتنی بر تأویل نباشد

در پاسخ به ایشان می‌گوییم که تطبیق روایت بر علامات ظهور هیچ وقت تاویل را داخل نمی‌کند بلکه تمام توصیفات اهل بیت بر علامات به صورت واضح در خارج اتفاق می‌افتد و راه تاویل را برای فرد باز نمی‌کند ولی یک بحثی می‌ماند و آن تاویل و تفسیر روایت‌ها و چگونگی ظهور و خروج حضرت حجت (عج) می‌باشد که علما بدون داشتن هیچ نصی از امام این کار را انجام داده‌اند و عقیده‌ی باطلی برای مردم درست کرده‌اند مثل ظهور حضرت به صورت یک دفعه و یا اینکه فقط علما هستند که حضرت را می‌شناسند و تا علما تایید نکنند هیچ کسی نمیتواند امام را بشناسد و راه‌های شناخت حضرت حجت را بیان میکنند از قبیل معجزه یا اینکه امام سایه ندارد یا اگر دستش را بر سنگی سفت بزند آن سنگ نرم میشود و از این قبیل چرندیات که هیچ نصی از طرف آل محمد(ص) نداریم

معاندین دعوت مبارک یمانی آل محمد (ع) یک اسلوبی دارند که در بیشتر کتاب‌ها و صوتی‌ها خودشان این اسلوب کثیف را پیاده میکنند

نصرت الله آیتی هم از این روش به خوبی استفاده میکند ایشان بعد از بیان قوانین خود ساخته چند نمونه تطبیق‌های نادرستی را مثال می‌زند ایشان از کلیپ «ظهور بسیار نزدیک است» استفاده کرده و تطبیق شعیب بن صالح را بر احمدی نژاد باطل میکند و این نوع مثال‌ها را وارد کرده و بلافاصله مبحث سیداحمدالحسن(ع) را بیان میکند او با این کار خود دارد از مطلبی مهم فرار میکند و این طور بیان او نشان دهنده‌ی ترس اوست کار او بیشتر شبیه پناه آوردن به خانه عنکبوت است

و در ادامه ایشان در مورد یمانی آل محمد(ص) صحبت میکند و به زعم خود آنرا باطل میکند و حالا کلام ایشان را نقل میکنم خوب دقت کنید:

نمونه دیگر، احمد بن اسماعیل معروف به احمد حسن است که مدعی است همان یمانی روایات است. وی با این که اهل بصره است یمانی بودن خود را این گونه توجیه می‌کند که وی سید است

در سخن ایشان، یک اشکال اساسی وجود دارد. قبلا عرض کردم که هر کسی که با قانون معرفت حجت (ع) بیاید ثابت میشود و مهم نیست که از کجا بیاید و شما باید برای ما ثابت کنید که یمانی حتما از یمن می‌آید

؟

دلیل سیداحمدالحسن(ع) از بصره آمدنش نیست بلکه دلیلش قانون معرفت حجت است علاوه بر آن روایاتی داریم که میگوید اگر منتظر صاحب الامر از طرفی بودید ولی از طرف دیگری آمد آنرا انکار نکنید به روایت ذیل توجه کنید :

از ابی عبیده حذاء از امام باقر(ع) سوال کرد که این امر چه وقت است؟ امام به او فرمود: هرگاه منتظرش باشید از جهتی بیاید و از سمت و جهتی دیگر آمد او را انکار نکنید.^{۴۹}

یا در روایتی دیگر که فرموده اند

عن ابی جعفر علیه السلام قال : إن كنتم تؤملون أن يجيئكم من وجه ، ثم جاءكم من وجه فلا تنكرونه

امام باقر (ع) فرمود : هرگاه منتظرش باشید از سمتی بیاید و از سمتی دیگر آمد او را انکار نکنید .^{۵۰}

یا در روایتی دیگر

عن ابی حمزة الثمالی، قال أبو جعفر(ع) و أبو عبدالله(ع): (یا أبا حمزة، ان حدثناک بأمر إنه یجئ هیهنا فجاء من هاهنا فإن الله یصنع ما یشاء ، و إن حدثناک الیوم بحدیث و حدثناک غدا بخلافه ، فإن الله یمحو ما یشاء و یثبت)^{۵۱}

روایت دیگر:

از ابی عبیده حذا که گفت : پرسیدم از ابا جعفر (صادق) علیه السلام از این امر: چه وقتی می باشد؟؟؟ فرمودند: اگر امید داشتید که از جانبی (یا به گونه ای) به سوی شما بیاید سپس از جایی (یا به گونه ای) دیگر آمد پس انکارش نکنید.

پس تا اینجا ثابت شد که محل آمدن خلیفه الله مهم نیست که اگر اهمیت داشت حتما اهل بیت آنرا بیان میکردند پس مبنایی که آقای آیتی در کتابش ذکر میکند فاسد است ولی از باب الزام بحث یمانی از یمین را بیان میکنم و به صورت مفصل در کتب انصار موجود میباشد

پس به صرف اینکه ما از ناحیه ای منتظر فردی بودیم، و از سمت دیگری آمد، حق انکار این امر را نداریم. وقتی ما با دلیل و برهان و روایات متواتر از فریقین اثبات کردیم که یمانی، حجت خدا و همان مهدی اول است، و بهترین دلیلی که هیچ شک و شبهه ندارد دلیل قانون معرفت حجت میباشد پس ایشان قطعاً باید

^{۴۹} المعجم الموضوعی ص ۷۶۷

^{۵۰} الامامة والتبصرة ص ۹۴

^{۵۱} تفسیر العیاشی - محمد بن مسعود العیاشی ج ۲ ص ۲۱۷

فرزند امام مهدی(ع) باشند که در برخی از روایات به دلیل اینکه ایشان به خونخواهی امام حسین(ع) قیام می‌کنند، ایشان را به صفت مردی از فرزندان حسین(ع) یاد فرموده‌اند. پس متوجه می‌شویم روایاتی مورد استناد آقای آیتی و استادانش، در خصوص یمانی از صنعا است که غیر از یمانی موعود است. روایات دیگر این شبهه را کاملاً روشن می‌کند.

استناد نصرت الله آیتی به همراه استادانش، روایات ذیل است:

امام صادق (ع) فرمود: ... و خروج مردی از فرزندان عمویم زید از یمن^{۵۲}

و

امام باقر(ع) فرمود: قبل از سفیانی ، مصری و یمانی خروج می‌کنند.^{۵۳}

و این یمانی از صنعا یمن می‌باشد که مردم را بی‌گناه و به شکل جاهلانهای می‌کشد و بویی از هدایت در پرچمش یافت نمی‌شود در صورتی که قبلاً گفتیم که یمانی پرچم هدایت است چرا که دعوت به حق میکند و حتی خود نصرت الله آیتی تصریح کرد که یمانی واجب اطاعت است و هادی مردم میباشد پس چطور این یمانی مردم بی‌گناه را میکشد؟

آیا برای رد دعوت مبارک این تضاد را نگاه نکردید؟

حرف خودتان زیر سوال میرود کمی فکر کنید تعجیل نکنید که تعجیل کنندگان در عذاب هستند

امام باقر (ع) فرمود: ... سپس سفیانی ملعون و کوتاه قد با آنها می‌جنگد و بر آنها پیروز می‌شود. سپس یمانی پیروز شده در صنعا با سپاهیان به سوی آنها می‌رود و با خروش شدید همراه با قتل جاهلی با مردم مواجه می‌شود. پس او با آن کوتاه قد (سفیانی) در برابر هم قرار می‌گیرند. پرچم هایشان زرد و لباس هایشان رنگارنگ است. بین آنها جنگ سختی در می‌افتد. پس سفیانی بر او غلبه می‌کند و پیروز می‌شود.

۵۴

و یمانی صنعا از سفیانی شکست می‌خورد در صورتیکه یمانی موعود، سفیانی را شکست داده و او را خواهند کشت.

^{۵۲} . مستدرک سفینه البحار ج ۷ ص ۴۷.

^{۵۳} الغیبة للطوسی ص ۴۴۷ . اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۸ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ . معجم احادیث الامام المهدي (ع) ج ۳ ص ۲۶۸

^{۵۴} معجم احادیث الامام المهدي (ع) ج ۳ ص ۲۷۶

امام باقر(ع) فرمود: زمانی که سفیانی بر ابقع و یمانی پیروز شده غلبه کند و آنها را شکست دهد، ترک و روم خروج می‌کنند و سفیانی آنها را نیز شکست می‌دهد.^{۵۵}

اما آنچه از سطح کاهن (پیشگو) راجع به نام یمانی (البته یمانی صنعاء و نه یمانی موعود) که حسن یا حسین است وارد شده:

اولا ما مبنای ثقلین را قبول میکنیم و این کلام سطح کاهن از اهل بیت (ع) نیست و از یک پیشگو می‌باشد. حتی اگر درست هم باشد مربوط به ملک صنعاء یا یمانی که قبل از سفیانی قیام می‌کند می‌باشد.

سطح کاهن (پیشگو) گوید: ... سپس پادشاهی از صنعای یمن قیام می‌کند که سفید است و نامش حسین یا حسن است.

حالا وارد لفظ یمانی میشویم تا ببینیم یمانی یعنی از یمن میاید یا خیر

ریشه ی یمانی از یمن میاید که دارای پنج معنا میباشد

معنای اول یمن . [ی م] (ع) سوی راست . یمن . (منتهی الارب) . سوی دست راست . (ازناظم الاطباء). دست راست . ج ، یمینات . (مهذب الاسماء)

معنای دوم: یمن . [ی] (ع مص) مبارک کردن

معنای سوم: یمن . [ی م] (ع مص) از سوی راست کسی آمدن

معنای چهارم: یمن . [ی] (ع مص) مبارک و نیکبخت گردیدن

معنای پنجم: یمن . [ی] (ع امص) نیک بختی . (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). خجستگی^{۵۶}

پس از لفظ برداشت نمیگردد که یمانی از یمن میاید

و حالا وارد روایت میشویم تا ببینیم یمن کجاست؟ آیا یمن همین جا کنونی است؟

رسول الله(ص) فرمود: همانا بهترین مردان اهل یمن هستند و ایمان یمان و من نیز یمانی هستم.^{۵۷}

پس روشن شد که وصف یمانی از کلمه ایمان برمی‌خیزد و برای پیامبر (ص) و بقیه اهل بیت (ع) نیز بکار رفته است.

^{۵۵} معجم احادیث الامام المهدي (ع) ج ۳ ص ۲۷۵

^{۵۶} فرهنگ لغت دهخدا

^{۵۷} بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۳۲

در نتیجه حضرت محمد(ص) و خاندان ایشان همگی یمانی هستند، حضرت محمد(ص) یمانی است و امام علی(ع) یمانی است و امام مهدی(ع) و همه اهل بیت(ع) یمانی است، و این بحث برای علمای گذشته واضح بود:

علامه مجلسی(ره) میگوید: کلام اهل بیت (ع) "حکمت یمانیه" است.^{۵۸}

ولی متاسفانه علمای بعدی و آخر الزمان خود را مشمول این آیه قرآن کرده‌اند:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا،^{۵۹}

آن گاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی [سزای] [گمراهی] [خود] را خواهند دید.

علما تفسیر و تاویل خود را جای کلام اهل بیت(ع) گذاشتند و به جای اینکه اهل بیت را برای مردم روشن کنند خود را بزرگ کرده و تا جایی که، مردم آنها را مورد پرستش قرار دادند

پس بطور خلاصه روشن شد که یمانی از یمن نمی باشد بلکه طبق روایت های دیگر مکان ایشان ثابت میگردد که برادرانم این موضوع را به صورت شفاف روشن کرده اند

در ادامه آقای آیتی مبحثی را بیان میکند که این بحث بسیار مضحک به نظر میاید

متن کلام ایشان این چنین است :

شخصیتی مثبت و هدایت یافته یاد شده است، اما شیوه دعوت، نوع حرکت و شیوه مواجهه‌ای که با موافقان یا مخالفان خود دارد و یا چگونگی استدلال او بر ادعایش و... منطبق با موازین دینی نبود، یا اخلاق و رفتارش با معیارهای دینی هماهنگی نداشت، نمی‌توان ادعای او را پذیرفت، ولو ادعای او با قرآینی همراه باشد که گفته‌اش را تأیید کند.

ایشان در مورد شخصیت یمانی صحبت میکند و میگوید او شخصیتی مثبت و هدایت یافته میباشد ولی ایشان یک حصری را وارد جمله میکند گرچه که حصر درست است اما متاخر از مطلب مهم دیگری میباشد

^{۵۸} مقدمه بحار جلد ۱ ص ۱

^{۵۹} سوره مریم، ۵۹.

در روایت آل محمد (ص) وارد شده است که باید از سه طریق خلیفه الهی را شناخت و آن سه طریق وصیت، علم و پرچم میباشد

برای روشن شدن بحث و همچنین یادآوری بخشی از روایت ها را دوباره مطرح میکنم :

امام باقر (ع) فرمود : بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت میدهند. که همانا برای آل محمد و علی (ع) پرچمی (یک پرچم) است و برای دیگران پرچم ها . پس در جای خودت ثابت باش و از هیچکس ابدأ تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین (ع) ببینی که با او وصیت رسول خدا و پرچم او و سلاح او باشد .^{۶۰}

روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود : صاحب این امر با سه خصوصیت شناخته میشود که در هیچکس جز او نیست . او نزدیکترین مردم به کسی که قبل از او است میباشد و او وصیش است . با او سلاح رسول الله (ص) است . با او وصیت رسول الله (ص) میباشد^{۶۱}

روایت بعدی:

از حرث بن المغیره گفت به ابی عبدالله (ع) گفتم صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود ؟ فرمودند : (با متانت و وقار و علم و وصیت)^{۶۲}

تا اینجا مشخص شد که صاحب الامر توسط همین قوانینی که بیان شد شناخته میشود و همانطور که یمانی واجب الاطاعه است و باید برای شناخت ایشان توسط همین قوانین استفاده شود که هیچ شک و شبهه ندارد.

در ادامه آقای آیتی لحن خود را عوض کند و این لحن در سیره ی اهل بیت نبوده نمیدانم چه طور ایشان این لحن را بیان میکند و از چه کسی یاد گرفته است ایشان میگوید :

^{۶۰} تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۶۴ . بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۲۲ . إلزام الناصب ج ۲ ص ۹۶

^{۶۱} بصائر الدرجات ص ۲۰۲ . الکافی ج ۱ ص ۳۷۹

^{۶۲} بصائر الدرجات ص ۵۰۹

بر اساس معیار یادشده، می‌توانیم به دروغ‌گو بودن احمد حسن پی
ببریم. او با این‌که خود را وصی امام مهدی علیه السلام و یمانی و بلکه یکی از
مهدی‌هایی می‌داند که به امر پیامبر به جانشینی امام مهدی علیه السلام
رسیده است، در مقام استدلال بر مدعای خود به استخاره و خواب

در درجه اول معیارها شما از جانب خود بوده و با ثقلین اثبات نشده پس معیارهای باطل را نمیتوانید جهت
رد دعوت مبارک استفاده کنید

و ایشان بدون هیچ استناد علمی و روایی به سید احمد الحسن (ع) لقب دروغ را می‌گویند و این تهمت بزرگی
است در کجای سیره آل محمد این الفاظ وارد شده است

در ثانی شما از چه چیزی هراس دارید؟

چرا دلایل دعوت مبارک را به صورت کامل بیان نمی‌کنید و به رویا و استخاره اشکال وارد میکنید؟

دلایل دعوت مبارک را قبلاً عرض کردم و حالا به مبحث استخاره و رویا بعد از ذکر کلام ایشان میپردازم
کلام نصرت الله آیتی این چنین است:

در مقام استدلال بر مدعای خود به استخاره و خواب
تمسک می‌کند، در حالی که بر اساس معارف قرآن و اهل بیت استخاره
و خواب گرچه در مواردی راهگشا هستند، اما به هیچ عنوان در مسائل
عقیدتی آن هم در مسئله مهمی همچون شناخت وصی و جانشین
امام نمی‌توان به خواب و استخاره اعتماد کرد و نفس چنین استدلالی
به دلیل ناهمخوانی با ضوابط دینی دلیل بر دروغ‌گو بودن اوست.

شما گفتید که برای شناخت وصی و جانشین نمیتوانیم به خواب اعتماد کنیم

سوالی دارم خدمت شما برادر گرامی

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ٦٣

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [آنها] برای من سجده می کنند.»

این آیه شریفه را برایمان توضیح بدهید

خواننده گرامی :

به صورت شفاف و واضح مشاهده میکنید که این آیه اذعان دارد که نبوت یوسف نبی با رویا شروع شد اگر مبنای نصرت الله آیتی را بگیریم نبوت یوسف نبی را باید کنار بگذاریم

حالا برای اثبات رویا دلایلی از ثقلین بیان میکنم خوب توجه کنید و میناها را در کنار هم بگذارید و خود تصمیم بگیرید و بر هیچ احدی توکل نکنید

قال تعالی: و دخل معه السجن فتیان قال أحدهما إني أراني أعصر خمرا و قال الآخر إني أراني أحمل فوق رأسی خبزا تأكل الطير منه نبئنا بتأويله إنا نراك من المحسنين ٦٤

و دو جوان با او به زندان درآمدند. [روزی] یکی از آن دو گفت: «من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم»؛ و دیگری گفت: «من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم.»

آیه واضح است افراد زندانی رویایی دیده اند و نزد یوسف آمدند و به این دلیل به حضرت یوسف ایمان آوردند که حضرت روپاهایشان را تاویل کرد و آنها با چشم خود دیدند

قال تعالی: قال لا يأتیکما طعام ترزقانه إلا نبأ تکما بتأويله قبل أن يأتیکما ذلكما مما علمنی ربی إني ترکت مله قوم لا يؤمنون بالله و هم بالآخرة هم کافرون ٦٥

گفت: «غذایی را که روزی شماست برای شما نمی آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می دهم پیش از آنکه [تعبیر آن] به شما برسد. این از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده ام،

در این آیه هم امر واضح بیان شده است که رویا و تعبیر آن از نزد خداوند است که به حجتش یاد میدهد

٦٣ سوره یوسف آیه ٤

٦٤ سوره یوسف آیه ٣٦

٦٥ سوره یوسف آیه ٣٧

قال الله سبحانه تعالى: و قال الملك إني أرى سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر يابسات يا أيها الملأ أفتوني في رءيأي إن كنتم للرءيا تعبرون^{٦٦}

و پادشاه [مصر] گفت: «من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر. ای سران قوم، اگر خواب تعبیر می کنید، در باره خواب من، به من نظر دهید.»

در زمان یوسف نبی رویا حرف اول را میزند و طوری که رویا برایشان خیلی مهم است و به تعبیر آن نیازمند بوده اند

و قرآن در هر زمان مانند شب و روز جاری است

اما آنهایی که به رویا اعتقاد ندارند و اخبار ملکوتی را رد می کنند مصداق این آیه شریفه قرار میگیرند که میفرماید:

" قالوا أضغاث أحلام و ما نحن بتأويل الأحلام بعالمين " ^{٦٧}

گفتند: «خوابهایی است پریشان، و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم.»

این کلام معاندینِ رویا است و به رویا خواب های پریشان میگویند

و حالا گریز کوچکی به ثقل دوم بزنیم

امام صادق (ع) فرمود: پس هر وقت دیدید که ما بر مردی جمع شدیم (گرد آمدیم) با اسلحه یاریش بشتابید.^{٦٨}

جمع شدن همه اهل بیت (ع) دور یک نفر در یک زمان و بعد از سال ها مرگ مادی آنها جز در عالم رویا ممکن نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چون زمان (ظهور) نزدیک شود، خواب مؤمن دروغ نمی گوید و خواب مؤمن بخشی از چهل و شش بخش نبوت است.^{٦٩}

روای مومن یکی از بخش های نبوت است با چه دلیلی رویا را رد میکنید؟

^{٦٦} سوره یوسف آیه ٤٣

^{٦٧} سوره یوسف آیه ٤٤

^{٦٨} الغیبة النعمانی ص ١٩٧

^{٦٩} الأملی- الشیخ الطوسی ص ٣٨٦ ، بحار الأنوار ج ٥٨ ص ١٧٢ مستدرک سفینه البحار ج ٤ ص ٣١ ، میزان الحکمة ج ٤ ص ١٠١٢ ، شرح اصول کافی ج ١١ ص ٤٧٦.

آیا از محمد(ص) وعلی (ع) خجالت نمیکشید؟

آیا از امام حسین (ع) و اصحاب ایشان خجالت نمیکشید که رویایی که آنقدر مهم است بدون دلیل از ثقلین رد میکنید؟

رسول الله صلى الله عليه و آله : الدُّنْيَا حُلْمٌ ، وَأَهْلُهَا غَلْبَةٌ مُجَازُونَ مُعَاقِبُونَ .

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : دنیا، خوابی است که خفته ببیند و مردم دنیا برای آن سزا و کیفر ببینند . رؤیا و حُلْم، خواب هایی اند که دیده می شوند. تفاوت رؤیا با حُلْم در این است که در رؤیا ، غلبه با خوبی است و در حُلْم ، غلبه با شرّ و بدی^{۷۰}

و همچنین آیه طهارت اهل بیت بعد از خوابیدن اهل بیت صورت میگیرد این روایت را توجه کنید

الإمام علیّ علیه السلام :

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَامَ وَنَوَّمَنِي وَرَوَّجَتِي فَاطِمَةُ وَابْنَتِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، وَأَلْقَى عَلَيْنَا عَبَاءَةً قَطَوَاتِيَّةً ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيْنَا : «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». وَقَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدٌ ؟ فَكَانَ سَادِسْنَا جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام علی علیه السلام :

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله خوابید و من و همسرم فاطمه و دو پسر حسن و حسین را هم خواباند و عبایی قطوانی بر ما افکند و خداوند این آیه را در حق ما نازل فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». جبرئیل گفت: من هم با شمایم ای محمد. پس جبرئیل، ششمین ما بود.^{۷۱}

این آیه در هنگام خواب اهل بیت نازل شد

و در آخر یک روایت دیگری بیان میکنم که ان شاءالله حق روشن شود و بحث تفضیل را به برادرانم واگذار میکنم

رسول الله صلى الله عليه و آله :

^{۷۰} (النهاية : ج ۱ ص ۴۳۴ «حلم»).
تنبيه الخواطر : ج ۱ ص ۱۴۵ ، روضة الواعظين : ص ۴۹۱ وفيه «حلم المنام» ، بحار الأنوار : ج ۷۳ ص ۱۲۲ ح ۱۱۰ ؛ إحياء علوم الدين : ج ۳ ص ۳۱۵
^{۷۱} الخصال : ۵۸۰ / ۱ عن مكحول

حَقًّا لَمْ يَكُنْ لُقْمَانُ نَبِيًّا ، وَلَكِنْ كَانَ عَبْدًا صَمَامَةً ، كَثِيرَ التَّفَكُّرِ ، حَسَنَ الظَّنِّ ، أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحَبَّهُ ، وَضَمِنَ عَلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ ، كَانَ نَائِمًا نِصْفَ النَّهَارِ إِذْ جَاءَهُ نِدَاءٌ : يَا لُقْمَانُ ، هَلْ لَكَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللَّهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ تَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ؟ فَانْتَبَهَ فَأَجَابَ الصَّوْتَ ، فَقَالَ : إِنْ يُجِبْنِي رَبِّي قَبِلْتُ ، فَإِنِّي أَعْلَمُ إِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِي أَعَانَنِي وَعَلَّمَنِي وَعَصَمَنِي ، وَإِنْ خَيْرَنِي رَبِّي قَبِلْتُ الْعَاقِبَةُ وَلَمْ أَقْبَلِ الْبَلَاءَ . فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بِصَوْتٍ لَا يَرَاهُمْ : لِمَ يَا لُقْمَانُ؟ قَالَ : لِأَنَّ الْحَاكِمَ بِأَشَدِّ الْمَنَازِلِ وَأَكْدَرُهَا يَعْشَاهُ الظُّلْمُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ يَنْجُو وَيُعَانُ وَبِالْحَرِيِّ أَنْ يَنْجُو ، وَإِنْ أَخْطَأَ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ ، وَمَنْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا ذَلِيلًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ شَرِيفًا ، وَمَنْ يَخْتَرِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ تَفْتِنَهُ الدُّنْيَا وَلَا يُصِيبُ مُلْكَ الْآخِرَةِ . فَعَجَبَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ حُسْنِ مَنْطِقِهِ ، فَنَامَ نَوْمَةً فَعَطَّتْ بِالْحِكْمَةِ عَطًّا فَانْتَبَهَ فَتَكَلَّمَ بِهَا ، ثُمَّ نُوذِيَ دَاوُدَ بَعْدَهُ فَقَبِلَهَا وَلَمْ يَشْتَرِطْ شَرْطًا لُقْمَانُ وَكَانَ لُقْمَانُ يُؤَازِرُهُ بِحِكْمَتِهِ وَعِلْمِهِ ، فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ : طُوبَى لَكَ يَا لُقْمَانُ ، أُوتِيَتِ الْحِكْمَةَ وَصَرَفْتَ عَنْكَ الْبَلِيَّةَ ، وَأُوتِيَ دَاوُدُ الْخِلَافَةَ وَأَبْتَلِيَ بِالرِّزْيَةِ أَوْ الْفِتْنَةِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

در حقیقت ، لقمان ، پیامبر نبود ؛ لیکن بنده ای بود مصمم ، اندیشه مند و با حسن ظن . خدا را دوست می داشت . پس خدا نیز او را دوست داشت و حکمت را بر او ضمانت کرد. وسط روز ، خوابیده بود که ناگهان به پذیرش خلافت ، فرا خوانده شد که : «ای لقمان! آیا می خواهی که خداوند ، تو را خلیفه ای در روی زمین قرار دهد تا در میان مردم ، به حق ، داوری کنی ؟» . لقمان ، بیدار شد و در پاسخ گفت : «اگر پروردگارم مرا وادار کند، می پذیرم؛ زیرا می دانم که اگر با من چنین کند . یاری ام می نماید و دانشم می آموزد و از خطا نگاهم می دارد. ولی اگر پروردگارم مرا مخیر سازد، عافیت را می پذیرم و بلا را نمی پذیرم» . فرشتگانی که نمی دیدشان ، با صدایی به او گفتند: ای لقمان! چرا چنین گفتی؟ گفت: «زیرا حکمران ، در سخت ترین و مشکل ترین مقام ، جای گرفته که ظلم از هر طرف ، بر او احاطه دارد؛ [امکان دارد] خوار شود یا یاری گردد . اگر به صواب داوری کند، امید است که نجات یابد و اگر [در داوری] به خطا رود، راه بهشت را به خطا رفته است. هر کس در دنیا حقیر و بی مقام باشد ، بهتر از این است که صاحب مقام باشد ، و هر کس دنیا را در مقابل آخرت بر گزیند، دنیا او را می آزمايد ؛ ولی به پادشاهی آخرت ، دست نمی یابد» . فرشتگان از زیبایی گفتار او ، در شگفت شدند. لقمان ، لحظه ای خوابید و سراسر وجودش آکنده از حکمت شد. پس ، از خواب بیدار شد و [از آن پس] حکیمانه سخن گفت . پس از او، داوود علیه السلام به پذیرش خلافت ، فرا خوانده شد و او آن را پذیرفت و شرط لقمان را مطرح نکرد... . لقمان با دانش و حکمتش ، داوود را یاری می کرد.

داوود گفت: «خوشا به حالت ، ای لقمان! به تو حکمت داده شد و بلا از تو دور گردید ؛ ولی به داوود خلافت داده شد و دچار مصیبت و فتنه گردید». ۷۲

این هم اهمیت رویا از طرف قرآن و اهل بیت (ع)

باز هم کسی هست که رویا را رد کند؟

برای اطلاع بیشتر در بحث رویا میتوانید به کتاب برادرم علاء رزاق الأسدی در کتاب شریف الإفحام فی رؤیا أم الإمام و همچنین به کتاب رویا فی مفهوم آل البیت نوشته ضیاء الانصاری الزیدی و همچنین به کتاب البلاغ المبین الرؤیا حجة نوشته ی برادرانم السید أبو منتظر الصافی و الأستاذ احمد خطاب الکربلائی و دیگر کتب هایی که در این زمینه نگاشته شده است مراجع کنید

و در ادامه نویسنده ی کتاب از تبار دجال بحث استخاره هم ذکر میکند که برای روشن شدن این موضوع مطالبی از تقلین بیان میکنم:

یکی از اموری که در اسلام ، در جایگاه رفیعی قرار دارد، استخاره است که در شیوه زندگی امامان (ع) ، یکی از برنامه های حتمی آنها بوده ، و به آن خو گرفته بودند، برای روشن شدن موضوع باید امور زیر بررسی شود:

حقیقت استخاره چیست ؟ و انواع آن کدام است ؟

چرا امامان (ع) استخاره می کردند؟ (فلسفه استخاره)

آداب استخاره چیست ؟

استخاره را چه کسی باید انجام دهد؟ آیا استخاره ، وکالت بردار است ؟ و مسائل دیگری که در ضمن بحثهای آینده روشن خواهد شد .

دو مرحله ، قبل از استخاره

باید توجه داشت که قبل از استخاره ، باید، از دو موضوع استفاده کرد، و دو مرحله را پشت سر گذاشت که اگر در آن دو مرحله ، نتیجه نگرفتیم ، نوبت به مرحله استخاره می رسد:

مرحله اول : بهره مندی از عقل و اندیشه(نص)

۷۲ تاریخ مدینه دمشق : ج ۱۷ ص ۸۵ ، کنز العمال : ج ۱۴ ص ۳۴ ح ۳۷۸۶۵ ؛ مجمع البیان : ج ۸ ص ۴۹۴ نحوه و راجع : نوادر الاصول : ج ۱ ص ۲۴۷ و تفسیر القمی : ج ۲ ص ۱۶۲ .

در اسلام ، قبل از انجام هر کاری ، روی فکر و شناخت و مسائل کارشناسی ، و تشخیص سود و ضرر آن کار ، تکیه شده است ، و در آیات و روایات اسلامی سفارش زیاد شده که قبل از انجام کار ، درباره آن کار و نتایجش ، از فکر و عقل خود استفاده کنید ، و در مورد سود و زیان آن کار ، بیندیشید .

در اینجا نظر شما را به دو روایت جالب ، جلب می نمایم :

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: اصل السلامة من الزلل ، الفكر قبل الفعل

اساس سالم ماندن از لغزشها ، اندیشیدن قبل از انجام کار است .

نیز فرمود: فکر المرء مرآة تریه حسن عمله من قبحه

اندیشیدن انسان ، آئینه ای ست که نیک و زشت کارش را به او نشان می دهد .

مرحله دوم : بهره مندی از مشورت

پس از فکر ، باید در هر کار مهمی ، با افراد آگاه و پاک و با تجربه ، مشورت کرد در قرآن یک سوره به نام سوره شوری است ، یعنی سوره مشورت کردن ، در آیه ۳۸ این سوره ، خداوند در وصف مؤمنان متوکل می فرماید:

و امرهم شوری بینهم : کارهای آنها بر اساس مشورت در بینشان انجام می گیرد

امام علی (ع) می فرماید: لا ظهیر کالمشاوره ، و الاستشارة عین الهدایة

هیچ پشتیبان و تکیه گاهی همچون مشورت نیست ، و مشورت عین هدایت است .

بنابراین مشورت ، پشتوانه استواری است ، زیرا مشورت باعث می شود که کارها کارشناسی شود و از تجربیات دیگران استفاده گردد ، و پخته شود ، و بی گذار به آب زدن که حرکت بدون مشورت است ، غالباً موجب غرق شدن است ، ولی مشورت موجب هدایت و رشد خواهد بود از این رو امام علی (ع) فرمود: ما شقی عبد قط بمشورة ، و لا سعد باستغناء راءى

هیچکس هرگز با مشورت ، بدبخت نگشته ، و با استبداد راءى خوشبخت نشده است

پس از این دو مرحله ، اگر نتوانست تصمیم بگیرد ، نوبت به استخاره می رسد حقیقت و فلسفه استخاره از دیدگاه اسلام ، و راز استخاره کردن امامان (ع) در آغاز باید بدانیم که استخاره در اسلام ، یک موضوع مهم است ، و باید به آن اهمیت فراوان داد ، تا آنجا که امام صادق (ع) فرمود؛ خداوند می فرماید:

من شقاء عبدی ان يعمل الاعمال و لا يستخربی

از بدبختی بنده من است که کاری از کارهایش را بدون استخاره (طلب خیر از) من، انجام دهد.

نیز فرمود:

كان النبي يعلمنا الاستخاره في الامور كلها پیامبر (ص) همواره استخاره در همه امور را به ما می آموخت اما حقیقت استخاره، بر خلاف آنچه مرسوم شده، که استخاره را برای رفع تحیر و سرگردانی می کنند، حدود ۷۰ درصد، بلکه ۸۰ درصد از روایات ما در مورد استخاره، مربوط به سرگردانی و رفع سرگردانی نیست، بلکه روایات می گویند: بعد از فکر و مشورت، حتما استخاره کن، نه با قرآن و نه با تسبیح، بلکه دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز با حضور قلب و خلوص نیت، بگو: خدایا! من از عقل و مشورت بهره بردم، اینک از تو می خواهم که این کار را برای من، خیر گردانی.

امام باقر (ع) فرمود: پدرم امام سجاد (ع) هرگاه می خواست کاری را انجام دهد، وضو می گرفت و دو رکعت نماز می خواند، بعد از نماز دویست بار از درگاه خدا طلب خیر می کرد، سپس دعا می کرد، و بعد آن کار را انجام می داد.

نیز روایت شده، امیرمؤمنان علی (ع) در کیفیت استخاره فرمود: ابتدا دو رکعت نماز بخوان، بعد صد بار بگو: استخیرالله: از درگاه خدا، طلب خیر می کنم آنگاه دعا کن، و سپس کار خود را انجام بده.

ابو یعفر می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم در کیفیت استخاره چنین فرمود: نخست خدا را تمجید کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و بعد بر محمد (ص) و آلش صلوات بفرست، آنگاه بگو:

اللهم انی استلک بانک عالم الغیب و الشهاده، الرحمن الرحیم، و انت علام الغیوب، استخیر الله برحمته: خدایا از درگاه تو مسئلت می نمایم، ای خدایی که به آشکار و پنهان، آگاه هستی، بخشنده و مهربان می باشی، و بر همه نهانها آگاهی کامل داری، بر اساس رحمتش از درگاهش طلب خیر و صلاح می کنم

آنگاه امام صادق (ع) فرمود: اگر کار مهم و مشکل بود، دعای فوق را صد بار بخوان و اگر آسان بود، سه بار بخوان.

نتیجه اینکه: مطابق اکثر روایات، سخن از استخاره با قرآن و تسبیح و برای رفع سرگردانی، نیست، بلکه برای همه مستحب است در هر حال، قبل از انجام کار، استخاره کنند یعنی از خدا طلب خیر کنند، و اگر این کار بعد از نماز و دعا و با طهارت و حضور قلب باشد، قطعاً بهتر است، نام این استخاره به تعبیر علامه مجلسی در کتاب مفاتیح الغیب، استخاره مطلق است.

امام صادق (ع) در مورد همین استخاره (مطلق) فرمود:

صل رکعتین و استخر الله فو الله ما استخار الله تعالی مسلم الا خار الله له البتته :

دو رکعت نماز بخوان ، و از خدا طلب خیر کن ، سوگند به خدا، هیچ مسلمانی از درگاه خدا طلب خیر نکرد، مگر اینکه قطعاً خداوند خیر او را فراهم سازد.

اما فلسفه استخاره : علاوه بر طلب خیر از خدا، چنانکه از روایات متعدد استفاده می شود، این است که انسان به رایی و نظر خود، استبداد نداشته باشد بلکه متوسل به خدا شود و در تمام امور بر او توکل کند، و در پیشگاه خدا اقرار کند که به مصالح خودش ، ناآگاه است ، و از او بخواهد که راه خیر را برایش فراهم سازد، چنانکه یک بنده مخلص ، در برابر خدای بزرگ باید این گونه متواضع و تسلیم باشد، و خود را در برابر خدای قادر و با عظمت ، درمانده و ناچیز بشمرد، بنابراین ، استخاره بر اساس ، یک عبادت شایسته است ، زیرا روح عبادت ، در تواضع در برابر خدا، خلاصه می شود

قابل توجه اینکه : در استخاره مطلق ، طبق روایات ، نخست باید استخاره کرد (یعنی از خدا طلب خیر نمود) سپس با افراد شایسته مشورت نمود، و چنین استخاره ای در حقیقت ، نخست مشورت با خدا است ، و سپس مشورت با دیگران ، از این رو امام صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما تصمیم بر انجام کاری داشت ، نخست استخاره کند (یعنی از خدا طلب خیر کند) و مشورت با خدا را بر مشورت با دیگران ، مقدم بدارد، سپس با دیگران مشورت نماید ، آنگاه امام صادق (ع) این مطلب را چنین تبیین فرمود:

إذا بدء بالله أجرى الله له الخیر علی لسان من شاء من الخلق : هنگامی که آغاز به خدا نمود، خداوند خیر و صلاح او را بر زبان مشورت شوندهگان دیگر جاری می سازد

امامان (ع) بر همین اساس ، از درگاه خدا طلب خیر می کردند، زیرا آنها بنده خالص خدا بودند و همه چیز را در دست خدا می دانستند و در هر جا پیوند خود را با او برقرار می ساختند .

چهار نوع استخاره ، یا مشهورترین انواع استخاره

اما استخاره های دیگر، که از آنها برای رفع سرگردانی و تحیر استفاده می شود، دارای انواع و اقسام است که از مجموع روایات و گفتار علماء، بدست می آید که مشهورترین آنها، چهار نوع زیر است :

استخاره با قلب

امام جواد (ع) در مورد یکی از شیعیان که در مورد فروش زمینی که داشت ، سؤال کرده بود، در ضمن نامه ای نوشت :

صد بار بگو: استخیر الله خیره فی عافیة : طلب خیر از خداوند می کنم ، بهترین خیری که در عافیت باشد در بین این ذکر، با کسی صحبت نکن ، پس از پایان صد بار، هر چه به قلبت القاء شد، همان را انجام بده .
آنگاه فرمود: سزاوار است که استخاره تو بعد از دو رکعت نماز باشد، و بعد از نماز با هیچ کس صحبت نکن و صد بار ذکر فوق را بگو، هر چه به قلبت شیرین آمد، همان را انجام بده .

و در روایت دیگر آمده ، پیامبر (ص) به انس بن مالک فرمود:

اذا هممت بامر فاستخر ربک فيه سبع مرات ، ثم انظر الی الذی یسبق الی قلبک ، فان الخیره فیہ: هنگامی که به کاری تصمیم گرفتی ، از درگاه پروردگارت ، هفت بار طلب خیر کن ، سپس توجه به قلبت کن آنچه را که به قلبت پیشی گرفته ، خیر در همان است ، همان را انجام بده .

استخاره با قرآن

روایت شده : یسع بن عبدالله قمی به امام صادق (ع) عرض کرد: گاهی می خواهم کاری انجام دهم ، ولی متحیر هستم که آیا انجام دهم یا نه ؟

امام صادق (ع) به او فرمود: هنگام نماز - زیرا در این وقت ، شیطان از هر وقت دیگر، از انسان دورتر است قرآن را بگشا، اول چیزی (از آیه ای که در آغاز صفحه دست راست است) می بینی ، به آن عمل کن .

علامه مجلسی (ره) در کتاب مفاتیح الغیب می فرماید: آیه اول صفحه سمت راست، اگر آیه رحمت و یا امر به خیر باشد، به آن عمل کن ، و اگر آیه غضب و عقوبت و یا نهی از کار زشت باشد، به آن عمل نکن ، و اگر دو پهلو باشد، میانه است

نمونه ای از استخاره امام سجاد (ع) از قرآن

خداوند پسری به امام سجاد (ع) داد، آن حضرت با قرآن استخاره کرد تا نام او را از قرآن به دست آورد، و آن پسر را به آن نام ، نامگذاری کند، با توجه و حضور قلب ، قرآن را گشود، در آغاز صفحه سمت راست این آیه آمد:

و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما: و خداوند مجاهدان را بر نشستگان ، برتری بخشیده است

۷۳

قرآن را بست و بار دیگر استخاره کرد، در آغاز صفحه سمت راست این آیه آمد:

۷۳ (نساء ۹۵)

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة ... : خداوند از مؤمنان ، جانها و اموالشان را خریداری می کند که در برابرش بهشت برای آنها باشد ...

آنگاه فرمود: سوگند به خدا این نوزاد، همان زید است ، سوگند به خدا همان است .

آنگاه نام او را زید گذاشت .

با توجه به اینکه ، امام سجاد (ع) قبلاً از پدرش (با واسطه) از جدش رسول خدا (ص) شنیده بود که فرزندی مجاهد از او به دنیا می آید، نامش زید است که در قیامت همراه یارانش ، بر فراز گردن مردم ، عبور کرده وارد بهشت می شوند .

استخاره با تسبیح

علامه مجلسی از پدرش و او از شیخ بهایی (ره) نقل می کنند که گفت : من از مشایخ و اساتید خود شنیدم که از امام عصر (عج) نقل شده : که استخاره با تسبیح، چنین انجام داده شود:

تسبیح را به دست گرفته ، سه بار صلوات بفرست ، سپس با انگشت ، میان تسبیح را گرفته ، دو تا دو تا رد کن اگر آخری جفت آمد بد است ، و اگر طاق آمد خوب است

علامه مجلسی (ره) می گوید: پدرم ملا محمد تقی مجلسی (ره) اکثر اوقات در اموری که عجله داشتند، این گونه استخاره می کردند

رواست دیگری در این مورد:

جاء رجل إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) ، فقال له : يا أمير المؤمنين ، نبئنا بمهديكم هذا ؟ فقال : إذا درج الدارجون ، وقل المؤمنون ، وذهب المجلبون ، فهناك هناك . فقال : يا أمير المؤمنين ، ممن الرجل ؟ فقال : من بني هاشم ، من ذروة طود العرب و بحر مغيضها إذا وردت ، و مخفر أهلها إذا أتيت ، و معدن صفوتها إذا اكدت ، و لا يجبن إذا المنايا هلعت و لا يخور إذا المنون اكدت ، و لا ينكل إذا الكماء اضطرت ، مشمر مغلوب ، ظفر ضرغامه ، حصد مخدش ذكر ، سيف من سيوف الله ، رأس ، قثم، نشؤ رأسه في باذخ السؤدد ، و عارز مجده في أكرم المحتد ، فلا يصرفنك عن بيعته صارف عارض ، ينوص إلى الفتنة كل مناص ، إن قال فشر قائل ، و إن سكت فذو دعائر . ثم رجع إلى صفة المهدي (عليه السلام) فقال : أوسعكم كهفا ، و أكثركم

علما ، وأوصلكم رحما ، اللهم فاجعل بعثه خروجا من الغمة ، واجمع به شمل الأمة ، فإن خار الله لك فاعزم، ولا تنثن عنه إن وفقت له ، ولا تجوزن عنه إن هديت إليه ، هاه - وأوماً بيده إلى صدره شوقاً إلى رؤيته .^{٧٤}

سلیمان بن بلال گوید: امام صادق علیه السلام از پدر خود و او از پدر خویش و او از حسین بن علیّ علیهم السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان ما را از مهدی خود آگاه کنید، پس آن حضرت فرمود: هنگامی که رفتنی‌ها بروند و منقرض شوند و مؤمنان اندک شوند و آشوبگران از میان بروند پس همان وقت همان وقت است، آن مرد عرض کرد: ای امیر مؤمنان این مرد از کدام قوم است؟ فرمود: از بنی هاشم از بلند مقام‌ترین طوائف عرب است و از دریائی که از هر سو آنها بر آن سرازیر است ، اما نگاهی که پناهگاه پناهجویان است و معدن زلال آن است بدان گاه که همه تیره و ناصفا شوند، هنگامی که مرگ شیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ روی نماید سستی و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و زور آوری آنجا که دلیران پشتشان به خاک آید، عقب‌نشینی نکند، دامن همت به کمر زده و پر جمعیت و پیروزمند و شیر بیشه شجاعت باشد که ریشه‌کن کننده ستمگران، پشتوانه‌ای استوار و مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا باشد، سالار و پرخیری است که بزرگ شده خاندان جلالت و شرف است و ریشه مجد و بزرگواریش در اصیل‌ترین ریشه‌ها باشد، پس تو را هیچ موجب انصرافی - آن کسی که به سوی هر فتنه‌ای شتابان بگریزد و آن کس که اگر سخن بگوید بدترین سخنگو است و اگر خاموش نشیند خباثت‌ها و فسادها در اندرون دارد- از بیعتش منصرف نکند. سپس آن حضرت به توصیف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزونتر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید، پروردگارا برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز، پس اگر خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویش راه یافتی از او در مگذر، (پس از این سخنها) آه برآورد- و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود- و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم .

لازم به ذکر است که معاندین میگویند که روایت صفوان بن یحیی دلیل حجت بر مردم نیست که با آن احتجاج میکنید:

علی بن معاذ: به صفوان بن یحیی گفتم بحسب چه چیزی مطمئن شدی علی الرضا امام است: گفت نماز خوانده و از خدا خواستم و استخاره گرفتم تا یقین کردم بر امامت وی.

^{٧٤} کتاب الغیبة - محمد بن ابراهیم النعمانی - ص ۲۲۱ - ۲۲۲

در پاسخ به او می‌گوییم که ما نگفتیم که استخاره دلیل حجت بر مردم است بلکه یک اطمینان به حقانیت شخص است... و ما تنها با روایت صفوان بن یحیی احتجاج نمی‌کنیم... به روایت و آیات قرآنی زیر توجه کنید:

خواننده گرامی: توجه داشته باشید که معاندین دعوت مبارک یمانی آل محمد (ص) همیشه دلایل و مباحث دعوت را ناقص خدمت عام می‌گذارند و این ترفند کثیف آنها می‌باشد

از آنجا که استخاره نوعی پرسش و درخواست بنده از پروردگار می باشد و خداوند می فرماید: **(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)**، (هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است).^{۷۵}

پس استخاره دلیلی برای تشخیص مصداق (حق) می باشد، پس ما می‌گوییم: قانونی که خداوند برای معرفت و شناخت حجت خویش بر زمین قرار داده، نص (وصیت) و علم و پرچم (بیعت برای خدا) است. و آل محمد (ع) این قانون را برای ما آشکار کردند و آن شیوه و روش شناخت حجت خدا در هر زمان می باشد. و آگاه باشید که خداوند تبارک و تعالی، مؤید صاحب حق در عالم غیب همچون مکاشفه و شهود، الهام به قلب، شنیدن ندا و دیدن رؤیای صادقه می باشد، و حقانیت او را بواسطه ی قرآن یا استخاره تأیید می کند؛ زیرا قرآن و خلیفه ی الهی تا روز قیامت، هرگز از هم جدا نمی شوند، پس قرآن به خلیفه ی الهی هدایت می کند و خلیفه ی الهی به قرآن؛ و خداوند می فرماید: **(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا)**، (قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود).^{۷۶}

توجه داشته باشید که یکی از راه های صحیح بودن استخاره رجوع به نص می‌باشد

و آنچه از اهل بیت (ع) روایت شده این است که هر کس خواهان تکلم و صحبت با پروردگار باشد، دعا کند و هر کس می خواهد که خداوند با او صحبت کند، استخاره کند و استخاره از امور غیبی می باشد. و خداوند سبحان در کتاب کریم خویش روایات سیاری را ذکر می کند که بر ایمان به غیب تأکید می کند از جمله فرموده های او: **(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)**، (و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان می آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند).^{۷۷}

و متعال فرمود: **(الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ)**، (همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند و از قیامت هراسناکند).^{۷۸}

۷۵ الطلاق: ۳

۷۶ الإسراء: ۹

۷۷ البقره: ۳

۷۸ الأنبياء: ۴۹

و می فرماید: (إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ)، (تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می ترسند و نماز برپا می دارند هشدار می دهی).^{۷۹}

و می فرماید: (إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ)، (بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده).^{۸۰}

و فرمود: (مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ)، (آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه کار [باز] آید).^{۸۱}

و فرمود: (إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ)، (کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند برایشان مغفرت و پاداش بزرگی است).^{۸۲}

پس تمام این آیات قرآنی بر ایمان به غیب و رضایت و خشنودی خداوند سبحان در مورد کسانی که به آنچه که بر زبان رسولش نازل کرده، ایمان می آورند دلالت می کند، و در آنچه که اهل بیت (ع) ذکر کرده اند، آمده که هر کس خواستار رضا و خشنودی الهی باشد پس بر اوست که به فرموده ها و اعمال و اقرارشان، تمسک جوید و از جمله ی این اعمال و فرموده ها و اقرار بسیار، ما تنها به بر گرفتن طرفی از آنها بسنده خواهیم کرد و آن از جانب استخاره می باشد: جائیکه استخاره، نوعی درخواست بنده از خداوند می باشد پس این امر مستلزم توکل بنده بر خالق خویش است و حُسن ختام و ظن را در آنچه که خداوند برای او رقم زده، مقدم می دارد و در دعایی از امام صادق (ع) آمده است: (اللهم اجعلني اخشاك كَأني اراك، واسعدني بتقواك، ولا تشقني بمعاصيك، وخر لي في قضاءك، حتى لا احب تعجيل ما اخرت، ولا تأخير ما عجلت).

(بار خدایا مرا از خود ترسان کن چنانکه گویا تو را به چشم ببینم و با تقوای نسبت به خودت مرا سعادت مند گردان، و بوسیله ی نشاط در نافرمانیت مرا بدبخت مکن، و خیر و سعادت مرا در حکم خود بخواه، و قضا و قدر خود را بر من مبارک گردان تا بدانجا که پس افتادن آنچه را در آن شتاب داری دوست نداشته باشم، و شتاب در آنچه پس افتادنش را خواهی نخواهم).^{۸۳}

^{۷۹} فاطر: ۱۸

^{۸۰} یس: ۱۱

^{۸۱} ق: ۳۳

^{۸۲} ملک: ۱۲

^{۸۳} اصول کافی ج ۴ ص ۳۶۸ روایت ۱

امام صادق (ع) می فرماید: (همانگونه که سوره های قرآن را یاد می گرفتیم استخاره را همانگونه یاد می گرفتیم. و برای من فرقی نمی کرد اگر استخاره گرفتم بر چه وجهی قرار می گرفت).^{۸۴}

و نیز می فرماید: (هر کس استخاره خدا را قبول کند و به آنچه خدا برای او خواسته راضی باشد، خداوند برای او خیر خواهد).^{۸۵}

استخاره به قرآن از روشهای امداد غیب خداوند نسبت به بندگان می باشد که خداوند متعال هر بنده ای را که بخواهد با آن تأیید می کند، و ما ورای قدرت بشر می باشد، و شما ای بندگان مسلمان به قرآن پناه ببرید و از خداوند نصیحت بخواهید چونکه قرآن ناصح امین می باشد، و عجیب است که انسان از خداوند خواستار نصیحت باشد و سپس به خداوند تهمت بزند، وحاشا از این کلام

از امام صادق سؤال شد: (گرامی ترین بندگان در نزد خداوند متعال کیست؟ حضرت فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا بوده و بیشتر از همه مطیع او باشد. سؤال شد پس مبعوض ترین و منفور ترین بندگان نزد خداوند کیست؟ آن حضرت فرمود: کسی که خدا را متهم می کند! راوی سؤال کرد: آیا امکان دارد کسی خدای خود را متهم کند؟! امام فرمود بله؛ کسی که استخاره کرده و آنچه خیرش بوده پیش آمده ولی او اکراه دارد از آنچه پیش آمده و از نتیجه ی استخاره عصبانی و غضبناک است این چنین فردی است که خدای خود را متهم می کند).^{۸۶}

بنابراین، این روش اثبات از ساده ترین و محکم ترین دلایل تأیید حقانیت امام احمد الحسن (ع) می باشد.

آیا تا الان کسی را دیده اید که بگوید درباره ی من از خدا بوسیله ی شهادت عالم ملکوت و شهادت قرآن سؤال کنید؟؟؟ آیا این خود بالاترین دلیل بر حقانیت ایشان (ع) نمی باشد؟؟؟

حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - فرموده: هنگامیکه پیغمبر - صلی الله علیه و آله - مرا والی و حاکم یمن گردانید، در حالیکه بمن وصیت و سفارش مینمود فرمود: یا علی (کسیکه استخاره کند سرگردان نمیشود

و تا اینجا بحث را در مورد استخاره تمام میکنم

در ادامه ی بحث نویسنده ی کتاب از تبار دجال موضوع دیگری را بیان میکند ایشان میگوید که باید امام دارای علامتی باشد که مشابه سازی نشود یعنی آن علامت توسط افراد دروغین جعل نگردد کلام ایشان این چنین است:

^{۸۴} وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۷ / بحار الأنوار ص ۲۲۵ ج ۸۸ / فتح الأبواب ص ۱۵۹
^{۸۵} وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۳ / وسائل الشیعه ج ۷ ص ۸۰ / الکافی ص ۲۴۱ ج ۸ / بحار الأنوار ص ۲۵۶ ج ۸۸
^{۸۶} وسائل الشیعه ج: ۸ ص: ۸۰

یکی از ویژگی‌های امام عصمت است و عصمت یک ویژگی درونی است؛ به همین دلیل مردم توانایی تشخیص آن را ندارند.

بله یکی از ویژگی‌های امام عصمت ایشان است و عصمت هم در ظاهر خلقت او نیست ولی گفته‌ی شما که می‌گوید مردم توانایی تشخیص امام را ندارند به دلیل ویژگی درونی امام که همان عصمت است صحیح نمی‌باشد چرا که گفته‌ی شما مخالف روایات است:

امام علی ابن الحسین (ع) فرمودند: امامی از ما نخواهد بود مگر معصوم باشد و عصمت در ظاهر خلقت نیست که با آن شناخته شود و آن نخواهد بود مگر به او وصیت شده - پس به او گفتند ای فرزند رسول خدا معنی معصوم چیست؟ فرمودند: اوست معتصم به حبل یا ریسمان خداوند و ریسمان خداوند همان قران است که جدا نمی‌شوند تا روز قیامت و امام به سوی قران هدایت می‌کند و قران به سوی امام هدایت می‌کند و ان گفتار خداوند تعالی: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^{۸۷}

پس معصوم کسی است که به او وصیت شده باشد و این دلیلی است که مردم توسط این وصیت به امام ایمان می‌آورند پس کلام شما در رابط با ایمان نیاوردن مردم به دلیل ویژگی درونی امام باطل است

اما در ادامه ایشان مطلبی بی ارزش و بی اساس را بیان میکنند

یعنی آن دسته از نشانه‌های ظهور که مؤمنان در برابرشان تکلیف خاصی به عهده دارند و با تحققشان باید دست به اقدامی ویژه زنند، یا نشانه‌های ظهوری که راه شناخت امام مهدی هستند، اگر معجزه‌گونه و منحصر به فرد باشند مانند خسف پیدا و صیحه آسمانی، از آن جا که نمی‌توان مصداقی برایشان جعل کرد، در تشخیص مصادیق واقعی اش با مشکلی روبه‌رو نخواهیم بود

اهل بیت (ع) تکلیف مومنان را روشن کرده اند و راه ایمان آوردن به حجت‌های الهی را بیان کرده اند که قبلا در مورد قانون معرفت حجت صحبت کردیم ولی الان چند تا روایت را بیان میکنم شاید بحث بیشتر روشن شود

^{۸۷} (معانی الاخبار ص ۱۳۲ . بحار الانوار ج ۲۵، ص ۱۹۴)

امام صادق (ع) فرمود: صاحب این امر با سه خصوصیت شناخته می‌شود که در هیچ‌کس جز او نیست. او نزدیک‌ترین مردم به کسی که قبل از او است می‌باشد و او وصیش است. با او سلاح رسول الله (ص) است. با او وصیت رسول الله (ص) می‌باشد.^{۸۸}

یعنی این موارد امکان مشابه سازی ندارد

از عبد الاعلی که گفت به امام صادق ع عرض کردم حجت ما در مدعیان دروغین برای صاحب این امر چیست؟ فرمود: سه نشانه است که در هیچ مردی جز او جمع نمی‌شود، آنکه او نزدیک‌ترین مردم به کسی که قبل از اوست می‌باشد، در نزد او سلاح رسول خدا ص است، و او صاحب وصیتی است که (در کتابها) آشکار است.^{۸۹}

همچنین در این روایت هم این امر را بیان کرده اند و مثالی که آقای آیتی میزند کاملا اشتباه است و او به زعم خود میگوید ندا معجزه گونه است و امکان جعل آن نیست ولی اینجا به او میگوییم که سخت در اشتباه هستید آیا روایت را نخوانده اید که میگوید در اول روز جبرائیل ندا سر میدهد و در آخر روز ابلیس ندا سر میدهد و مردم از ایمانشان برمیگردند پس قطعاً صیحه راه شناخت خلیفه الله نیست و این مورد را در گذشته بحث کردیم

در ادامه نصرت الله آیتی حرفی را میزند که هر انسان عاقلی به این حرف شک میکند حرف ایشان این چنین است:

اکنون نتیجه می‌گیریم که تطبیق قطعی فقط در نشانه‌های معجزه‌آسا و هرچیز مرتبط به آن‌ها امکان پذیر است و شاید به همین دلیل باشد که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برای شناسایی امام مهدی علیه‌السلام تنها بر صیحه که نشانه‌ای اعجاز‌آمیز و نمونه‌ای منحصر به فرد و غیرقابل مشابه سازی است تأکید کرده‌اند.

ما همچنین چیزی را ندیدیم که اهل بیت برای شناخت امام مهدی تنها بر صیحه تأکید کرده باشند باید با دلیل تکیه بر ثقلین ثابت شود که آقای آیتی اینکار را نمیکند ولی خلاف حرف ایتی مبنای قانون معرفت حجت که هم قران و هم روایات تأکید فراوانی کرده اند داریم

^{۸۸} بصائر الدرجات ص ۲۰۲ . الکافی ج ۱ ص ۳۷۹

^{۸۹} الخصال: ۱ / ۱۱۷ ح ۹۹ ، بحار الانوار: ج ۲۵ / ۱۳۸ ح ۸ ، الکافی: ج ۱ / ۲۸۴ ح ۲

در آخر این بخش از آقای آیتی سوالی دارم

آقای آیتی معنا و مفهوم معجزه را برای ما بیان کنید؟

آقای نصرت الله آیتی چگونگی تمیز بین معجزه و سحر را بیان کنید؟

رسول الله (ص) که شق القمر کرد و این معجزه برای همگان در این زمان ثابت شده است ولی در آن زمان به پیامبر گفتند تو ساحر بزرگی هستی

ان شاء الله حق برایت روشن شود گرچه که بعید میدانم روشن نشده باشد!

در ادامه صحبت های آقای آیتی در کتاب خود سر فصل جدیدی را باز میکند و موضوعاتی را ذیل این سرفصل بیان میکند که ان شاء الله به این موضوعات میپردازیم و صحت و سقم کلام را بیان میکنیم سرفصل از این قرار است :

نقد و بررسی دیدگاه احمد حسن درباره رجعت

این موضوع جدیدی است که در کتاب *از تبار دجال* بیان میکند

جالب است در این بخش لحن صحبت وی کاملاً تغییر میکند اگر کتاب را مطالعه کرده باشید به این موضوع دست پیدا خواهید کرد به طور مثال در بخش قبلی ایشان میگفتند احمد حسن حالا شاید هم غلط املایی داشته باشند یا اسم صاحب دعوت را به صورت کامل یاد ندارد و در بخش دوم از این اسم نام دیگری را بیان میکند و میگوید احمد بصری!

کسانی که اسلوب های معاندین را یاد داشته باشند به این تغییر لحن های یک دفعه ای دست پیدا میکنند و حالا ایشان مطلبی را بیان میکند که متأسفانه نشان میدهد که هیچ سواد علمی در این موضوع ندارد ایشان میگوید:

احمد بصری مشی اخباری دارد و به هر روایتی در هر کتاب و با هر سند استدلال می کند

در پاسخ به این گفته ی ایشان سوالی را مطرح میکنم

آقای نصرت الله آیتی در کدام سخن، سید احمدالحسن (ع) گفته اند تمام روایت ها را قبول میکنیم؟

در ثانی در کجای دعوت مبارک ما به هر روایتی استدلال کردیم؟

آیا این دروغ نیست و آیا دروغ از گناهان کبیره نیست؟

فقط مبنای ما به ثقلین میباشد و سخن ما سخن اهل بیت (ع) است به روایت ذیل توجه کنید:

محمد بن حسین از محمد بن اسماعیل از حمزه بن بزيع از علی سائی از ابی حسن (ع) نقل کرده اند که حضرت در نامه خویش به او نوشتند: (ولا تقل لما بلغک عنا أو نسب إلینا هذا باطل وإن کنت تعرف خلافه، فإنک لا تدری لم قلنا، وعلی أی وجه وصفه). (درمورد چیزی که از ما ابلاغ شده و یا به ما نسبت داده شده نگو: این باطل است حتی اگر خلاف آن را فهمیدی زیرا نمی دانی چرا این سخن را گفتیم و بر چه نحوی وصف نموده ایم).^{۹۰}

و همچنین در روایت دیگری بیان شده است که:

از ابی عبیده حذاء از ابی جعفر (ع) نقل می کند که فرمودند: (أما والله إن أحب أصحابی إلى أوعهم وأفقههم وأکتمهم لحديثنا، وإن أسوأهم عندی حالا وامقتهم إلى الذی إذا سمع الحدیث ینسب إلینا ویروی عنا فلم یعقله ولم یقبله قلبه، اشمأز منه وجحده، وکفر بمن دان به، وهو لا یدری لعل الحدیث من عندنا خرج، و إلینا أسند، فیکون بذلک خارجا من ولایتنا)

(به خداوند سوگند دوستدارترین اصحاب من زد من کسانی هستند که نسبت به حدیث ما صبورترین، فقیه ترین و رازدارترین باشند و بدترین آنان نزد من کسانی هستند که هرگاه حدیثی بشنوند که به ما نسبت می دهند و از طرف ما روایت می کنند هرگز در مورد آن تعقل نمی کند و قلبش آن را نمی پذیرد و از آن

^{۹۰} بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۸۶ و بصائر الدرجات ص ۵۵۸

متنفرمی شود و انکارش می کند و به صدق آن کفر می ورزد و او نمی داند که شاید حدیث از ما باشد و سند آن از ماست پس به همین سبب از ولایت ما خارج می شود).^{۹۱}

روایت بعدی:

وسفیان بن سمط می گوید: از ابی عبد الله (ع) پرسیدم: فدایتان شوم، مردی از سوی شما با امر عظیمی بر ما وارد میشود و ما را با خبر می سازد تا جایی که سینه هایمان به تنگ می آید و او را تکذیب می کنیم، گفت: ابو عبدالله (ع) فرمودند: (ألیس عنی یحدثکم؟) آیا از جانب من به شما خبر می دهد؟ گفتم آری، فرمودند: فیقول للیل: إنه نهار، وللنهار: إنه لیل؟) قال: فقلت له: لا، قال: فقال: (رده إلینا، فإنک إن کذبت فإنما تکذبن) به شب، روز، و به روز، شب می گوید؟ گفتم: خیر فرمودند: آن را به ما رجوع دهید، زیرا اگر آن را تکذیب کردی (در حقیقت) ما را تکذیب کرده ای).^{۹۲}

و دیگر روایت هایی که در این زمینه به وفور دیده میشود و این مبناء اهل بیت میباشد که هیچ روایتی را رد نمیکنیم اما برای عمل کردن به آن نیازمند تاییده یا همان تواتر حدیث هستیم و آقای آیتی گفته ی خود را به این شکل برای مردم بیان میکند تا دعوت را خدشه دار کند ولی زهی خیال باطل جالب است اینکه مبنای اصولیون زیر سوال است اول بیاید اصول را اثبات کنید بعد این گفته ها را بیان کنید

در ادامه آقای آیتی میگوید:

ادعای احمد بصری

احمد بصری چنین می پندارد که پس از امام مهدی علیه السلام دوازده فرزند از نسل ایشان به ترتیب جانشین آن حضرت خواهند شد

حالا به صورت کامل مطالبی را در این زمینه مینویسم

مطلب رجعت یک بحث مفصلی دارد و در اینجا به صورت خلاصه و مفید بحث رجعت را بیان میکنم و در حین بحث اشتباهات نصرت الله آیتی را مطرح میکنم

موضوع بحث از وصیت مکتوب رسول الله (ص) در شب وفات شروع میشود وصیت این چنین است:

^{۹۱} بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۸۶ و بصائر الدرجات ص ۵۵۷

^{۹۲} بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۸۷ و بصائر الدرجات ص ۵۵۷

عن جماعة عن أبي عبد الله الحسين بن علي بن سفيان البزوفري عن علي بن سنان الموصلي العدل عن علي بن الحسين عن أحمد بن محمد بن الخليل عن جعفر بن أحمد المصري عن عمه الحسن بن علي عن أبيه عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عن أبيه الباقر عن أبيه ذي الثنات سيّد العابدين عن أبيه الحسين الزكيّ الشهيد عن أبيه أمير المؤمنين قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي عليه السلام : يا أبا الحسن أحضر صحيفة و دواة فأملئ رسول الله صلى الله عليه و آله وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضوع فقال : يا عليّ إنّه سيكون بعدى إثنا عشر إماما ، و من بعدهم إثنا عشر مهديا و أنت يا عليّ أوّل الإثني عشر الإمام ؛ سَمّاك في سمائه عليّا المرتضى و أمير المؤمنين و الصّدّيق الأكبر و الفاروق الأعظم و المأمون المهديّ ، فلا تصلح هذه الأسماء لأحد غيرك ، يا عليّ أنت وصيّتي على أهل بيتي حيّهم و ميّتهم و على نسائي ؛ فمن ثبتّها لقيتني غدا ، و من طلقّتها فأنا منها برىء لم ترني و لم أرها في عرصة يوم القيامة ، و أنت خليفتي على أمّتي من بعدى ، فإذا حضرتك الوفاء فسلّمها إلى ابني الحسن البرّ الوصول ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني الحسين الزكيّ الشهيد المقتول ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني سيّد العابدين ذي الثنات عليّ فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني محمّد باقر العلم ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني جعفر الصّدّاق ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني موسى بن جعفر الكاظم ؛ فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني عليّ الرضا ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني محمّد التقيّ ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني عليّ النّاصح ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني الحسن الفاضل ، فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني محمّد المستحفظ من آل محمّد عليهم السّلام فذلك إثنا عشر إماما ، ثمّ يكون من بعده إثنا عشر مهديا ؛ فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابني أوّل المقربين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي و اسم أبي ، و هو عبد الله و أحمد و الاسم الثّالث المهديّ و هو أوّل المؤمنين .

از حسن بن علی از پدرش از حضرت صادق از پدرش حضرت باقر از پدرش زین العابدین از پدرش سید الشهداء از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت در همان شبی که رحلتش در آن شب واقع شد به علی علیه السلام فرمود : ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور و حضرت وصیت خود را املاء می فرمود و علی می نوشت تا بدین جا رسید که فرمود : یا علی ! بعد از من دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی . پس تو یا علی اولین دوازده امام می باشی . خدای تعالی تو را در آسمان علی مرتضی ، و امیر المؤمنین ، صدیق اکبر ، و فاروق اعظم ، و مأمون و مهدی نامیده و این نامها برای غیر تو شایسته نیست ، ای علی تو وصی من بر خاندانم زنده و مرده ایشان هستی ، و نیز وصی بر زنانم هستی ، هر یک را که تو به همسری من باقی گذاری فردای قیامت مرا دیدار کند و هر یک را تو طلاق دادی من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید ، و تو پس از من خلیفه و جانشین من بر امتم هستی ، هر گاه مرگت رسید (خلافت را) به فرزندم حسن واگذار کن ، که او بر

وصول است (برّ به معنی نیکوکار، و وصول، به معنی بسیار پیوندکننده بین خویشان) چون او وفاتش رسید آن را به فرزندم حسین زکیّ شهید مقتول بسپارد، چون هنگام شهادت حسین رسید آن را به فرزندش سید العابدین ذی الثّفات علیّ (ثّفنه به معنای پینه ای است که سر زانو می بندد و آن حضرت را به واسطه پینه زیادی که از کثرت سجده در اعضای سجده اش می بست ذی الثّفات می گفتند) بسپارد ، چون هنگام وفات او رسد آن را به فرزندش محمد باقر العلم بسپارد ، و چون مرگ او رسد آن را به فرزندش جعفر صادق واگذار کند و چون مرگ او فرا رسد ، به فرزندش موسی بن جعفر کاظم باید بسپارد ، و چون وفات او فرا رسد به فرزندش علی بسپارد ؛ و چون مرگ او فرا رسد به فرزندش محمد تقی واگذار ، و چون هنگام وفات او شود به فرزندش علی ناصح بسپارد ؛ و چون مرگ او در رسد به فرزندش حسن فاضل واگذار ، و چون وفات او برسد آن را به فرزندش محمد که مستحفظ شریعت و از جمله آل محمّد (ص) است ، تسلیم می کند ، و ایشان دوازده امامند . بعد از آن دوازده مهدی می باشند . پس وقتی که قائم (ع) را اجل دریافت ، آنگاه امر را به فرزندش که اولین مهیدیان است می سپارد ، و برای او سه نام است . یک نامش مانند نام من ، و نام دیگرش نام پدر من است و آنها عبد الله و احمد اند ، و نام سومین مهدی است و او اولین مؤمنان است.^{۹۳}

وصیت را مشاهده کردید

در وصیت بیان میشود که دوازده امام بعد نبی (ص) و دوازده مهدی بعد امام مهدی(عج) میباشد عده ای میگویند که دوازده مهدی همان دوازده امام میباشدند

نصرت الله آیتی اشتباه بزرگی را میکند کلام ایشان را نقل میکنم:

عصر رجعت در دوران حاکمیت امام مهدی علیه السلام آغاز گردد
و امامان معصوم علیهم السلام دیگر بار به دنیا بازگردند،

^{۹۳} واما اصل وصیت در کتاب غیبة الطوسی چاپ سوم ۱۳۸۳ ، صفحه ۱۵۰ و ۱۵۱ فصل روایات الخاصة فی أنّ الأئمة علیهم السلام اثنا عشر ، المصادر اول الغیبة للطوسی صفحه ۱۵۱ طبعة مؤسسة المعارف الإسلامية ، النجم الثاقب ج ۲ ص ۴۱ ، الشیخ الحر العاملی فی إثبات الهداة ج ۱ ص ۵۴۹ ح ۳۷۶ ، الشیخ الحر العاملی کتاب الايقاظ من الهجعة ص ۳۹۳ ، الشیخ حسن بن سلیمان الحلّی فی کتابه مختصر البصائر ص ۱۵۹ ، العلامة المجلسی فی بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۷ مختصراً و فی ج ۳۶ ص ۲۶۰ كاملاً ، الشیخ عبدالله البحرانی فی کتابه العوالم ج ۳ ص ۲۳۶ ، غایة المرام ج ۲ ص ۲۴۱ ، السید هاشم البحرانی فی کتابه غایة المرام ج ۱ ص ۳۷۰ ، الانصاف ص ۲۲۲ للسید هاشم البحرانی ، نوادر الاخبار للفیض الكاشانی ص ۲۹۴ ، کتاب مکاتیب الرسول للشیخ المیناجی ج ۲ ص ۹۶ ، مختصر معجم احادیث الامام المهدي للشیخ الکورانی صفحه ۳۰۱ ، بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۷ ، الشیخ المیرزا النوری فی کتابه النجم الثاقب ج ۲ ص ۱۷۱ و اشار بأن الوصیة معتبرة السند وهذا نص مانكره الشیخ المیرزا النوری قال : روى الشیخ الطوسی بسند معتبر عن الامام الصادق (ع) خبراً ذكرت فيه بعض وصایا رسول الله (ص) لإمیر المؤمنین (ع) فی اللیلة التي كانت فیها وفاته . السید محمد صادق الصدر فقد حقق سند الوصیة وذكرها فی کتابه تاریخ مابعدالظهور ص ۶۴۱ .

به آقای آیتی متذکر میشوم که آیا روایات رجعت و روایات مهدیین را دیده اید؟

روایات رجعت با روایات مهدیین جدا هستند و بهترین کار جمع این دو دسته هستند نه رد یکی از آنها بنابر قانون الجمع مهما امکن اولی من الطرح

توضیح قانون را خدمتتون عرض کنم شاید نصرت الله آیتی فراموش کرده باشد

قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» چیست؟ و در چه مواردی کاربرد دارد؟

معنای «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» چیست؟ و کجا کاربرد دارد؟

پاسخ اجمالی

«الجمع مهما امکن اولی من الطرح»

یک قاعده اصولی است^{۹۴}. معنای این قاعده این است؛ تا زمانی که بین دلالت دو دلیل امکان جمع عرفی باشد، لازم است آن جمع صورت گیرد؛ یعنی اگر میان دو روایت، در نگاه اولیه تعارض و تفاوت‌هایی مشاهده شود، اگر بتوانیم بین آنها جمعی عرفی ایجاد می‌کنیم، و این بهتر از آن است که یکی از آن دو و یا هر دویشان را از مقام استناد خارج کنیم.

بحث در دو مقام است:

^{۹۵}الف. دلیل قاعده؛ ب. شمول و عدم شمول آن نسبت به جمع تبرعی.

الف. قاعده مزبور دلیلی غیر از حکم عقل ندارد؛ زیرا زمانی دو دلیل با هم تعارض خواهند کرد که شرایط حجیت در هر دو (از نظر سند و دلالت) کامل باشد. بنابراین، در فرض تعارض تنها مانعی که متصور است تکاذب دو دلیل نسبت به همدیگر است، و با فرض امکان جمع دلالتی، بین دو دلیل تکاذبی در کار نخواهد بود. پس مقتضی بدون مانع است. در نتیجه راهی برای حکم به تساقط هر دو یا یکی از آن دو باقی نمی‌ماند.^{۹۶}

^{۹۴} ر.ک: مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۲۰۰، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق.

^{۹۵} همان ص ۲۰۱

^{۹۶} همان

ب. قاعده مذکور شامل جمع تبرّعی^{۹۷} نمی‌شود: به دلیل آن که برگشت جمع تبرّعی به تأویل کیفی است، که نه عرف اهل محاوره با آن مساعد است، و نه شاهی از دلیل سوم بر آن وجود دارد، طبعاً باید گفت: قاعده مزبور شامل جمع تبرّعی نمی‌شود. و گرنه موردی برای دو دلیل متعارض باقی نمی‌ماند.

بنابراین قدر متیقن از این قاعده، جمع عرفی است؛ زیرا تعبد به دو امر متنافی محال است. در نتیجه باید یا هر دو را رها کرد، یا در انتخاب یکی از آن دو مخیر بود، یا به مرجحات سندی و غیر آن متوسل شد، و چون در مورد جمع عرفی دو دلیل متنافی وجود ندارد، بنابراین عمل به هر دو دلیل محال نخواهد بود.

مثال جمع عرفی:

مانند این که در دلیلی آمده: سود گرفتن در قرض صحیح نیست و در دلیل دیگر آمده قرضی که دارای منفعت و سود باشد اشکالی ندارد. در نگاه اولیه بین این دو روایت تعارض وجود دارد ولی برای این که یکی از آن دو یا هر دو را کنار نگذاریم، بلکه بتوانیم به هر دو روایت عمل کنیم بین آنها جمع عرفی می‌کنیم و می‌گوییم: روایتی که می‌گوید سود گرفتن در قرض جایز نیست ناظر به جایی است که قرض دهنده شرط سود گرفتن نماید و اما روایتی که می‌گوید منفعت و سود در قرض اشکالی ندارد ناظر به جایی است که بدهکار با رضایت خود و بدون پیش شرط از سوی قرض دهنده مبلغی را هنگام پرداخت اصل قرض به طلبکار بپردازد. بنابراین به هر دو روایت عمل نمودیم.

برخی از موارد کاربرد جمع عرفی عبارت است از:

۱. وقتی یکی از دو دلیل نص، و دلیل دیگر ظاهر باشد؛ مثلاً یکی خاص یا مقید، و دیگری عام یا مطلق باشد. جمع بین آن دو این است که به خاص یا مقید عمل کنیم.

۲. جایی که یکی از دو دلیل ظاهر و دیگری اظهر باشد، اظهر بر ظاهر مقدم است؛ مثل این که یکی عام و دیگری خاص با دلالت ظنی باشد. مثلاً در یک مورد می‌گوید: اساتید را احترام کن (اکرم) و در مورد دیگر می‌گوید: سزاوار است (ینبغی) احترام اساتید مبتدی؛ چون ظهور «ینبغی» در استحباب قوی‌تر از ظهور «اکرم» در وجوب است، پس ینبغی بر اکرم مقدم می‌شود، و جمع بین این دو، وجوب احترام علمای عادل و استحباب احترام علمای فاسق است.

۳. در جایی که یکی از دو دلیل «حاکم» و دیگری محکوم، یا یکی وارد و دیگری مورد باشد، «حاکم» و «وارد» مقدم بر محکوم و مورد است.^{۹۸}

^{۹۷} جمع تبرّعی در موردی است که دو دلیل از هر جهت مساوی باشند و امکان جمع بین آن دو نباشد مگر آن که یک از آن دو را بر خلاف ظاهرش حمل کنیم.

۴. هرگاه دو دلیل از نظر ظهور مساوی باشند، اما از نظر عرف هریک از دو دلیل قرینه بر تصرف در دلیل دیگر باشد. جمع بین آن دو در این است که در هر دو دلیل تصرف کنیم. به تعبیر دیگر هرگاه در یک یا هر دو دلیل قدر متیقن وجود داشته باشد و لکن فهم قدر متیقن از لفظ نبوده بلکه از خارج باشد.

مثال: در جایی می‌گوید: پول گرفتن برای مدفوع باطل است، و در جای دیگر آمده فروش مدفوع ایرادی ندارد.^{۹۹} قدر متیقن دلیل اول مدفوع انسان است، همان‌گونه که قدر متیقن دلیل دوم مدفوع حیوان حلال گوشت است. طبعاً با حمل هر دلیل بر قدر متیقن خودش رفع تعارض خواهد شد.^{۱۰۰}

حالا از باب الزام بنا بر قانون پیش می‌رویم

روایت را توجه کنید:

امام صادق(ع) فرمود: از ما بعد از قائم(ع) دوازده مهدی از فرزندان حسین(ع) می‌باشند.^{۱۰۱}

آیا سخن آیتی بر این حدیث اطلاق دارد که می‌گوید مهدیین همان امامان گذشته هستند؟

آقای آیتی شما که ادعا می‌کنید مهدیین همان امامان هستند پس چرا در این حدیث می‌گوید دوازده مهدی از فرزندان حسین(ع) آیا امیرالمومنین(ع) و حسن بن علی(ع) و خود حسین بن علی(ع) فرزند امام حسین(ع) هستند؟

پس قطعاً روایات را مطالعه نکردید

امام سجّاد(ع) فرمود: قائم ما قیام می‌کند سپس بعد از او دوازده مهدی خواهند بود.^{۱۰۲}

در این روایت حضرت می‌گوید سپس دوازده مهدی می‌آیند اگر همان دوازده امام بود که حضرت می‌گفتند دوباره دوازده مهدی می‌آیند و یا کلام دیگری غیر از این کلام را بیان میکردند

و روایت دیگر

ابی بصیر گوید: به امام صادق جعفر بن محمد(ع) گفتم: ای پسر رسول خدا از پدرتان امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: پس از قائم دوازده امام می‌باشند. امام صادق(ع) فرمود: بلکه ایشان فرمود دوازده مهدی و

^{۹۸} «اکرم العلماء، ینبغی اکرام فساق العلماء».

^{۹۹} عن ابی عبد الله(ع) قال: «ثمن العذرة من السحت»، طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، محقق، مصحح، خراسان، حسن الموسوی، ج ۶، ص ۳۷۲، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق. عن ابی عبد الله(ع) قال: «لا بأس ببيع العذرة»، همان.

^{۱۰۰} ر. ک: ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۷۴-۱۷۵، تهران، نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش

^{۱۰۱} مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸

^{۱۰۲} شرح الاخبار ج ۳ ص ۴۰۰

نگفت دوازده امام و ایشان از شیعیان ما می باشند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می کنند.^{۱۰۳}

اینجا این شبهه برطرف میشود که دوازده امام نمیباشند بلکه دوازده مهدی میباشند و این تمیز بین دوازده امام و دوازده مهدی میباشد

امام علی (ع) فرمود: در حیره مسجدی بنا خواهد شد که پانصد در خواهد داشت در آن خلیفه و جانشین قائم عجل الله تعالی فرجه نماز خواهد خواند. زیرا مسجد کوفه برای آنان کوچک و تنگ است. در آن دوازده امام عدل نماز خواهند خواند.^{۱۰۴}

آیا علی ابن ابی طالب بعد از مرگ خود زنده میشود؟ استناد بر آن حدیثی که قبلا بیان کردم که حضرت میفرماید فردی از فرزندانم میاید و این کار را انجام میدهد

رسول الله (ص) فرمود: اجل این امت نمی رسد تا دوازده خلیفه بیایند که همه آنها از اهل نبی (ص) هستند. همه آنها عاملان به حق و دین هدایت هستند. در آنها دو نفر هستند که یکی از آنان چهل سال و دیگری سی سال حکومت می کند.^{۱۰۵}

و روایت بعدی

امام باقر (ع) فرمود: کوفه پاک و طاهر است ... در آن مسجد سهیل است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن مسجد نماز خواند، و از آنجا عدل خدا پدیدار می شود، و در آن است قائمش و قوام (قائم های) بعد از او.^{۱۰۶}

قوام (قائم ها) چه کسی هستند؟ که بعد از قائم میاد؟

در ضمن اینجا متذکر میشوم:

نصرت الله آیتی، الفاظ متحد هستند اما شخصیت ها فرق میکند اگر مشاهده کنید در روایت بالا قائم جمع بسته شده است یعنی تعداد قائم از سه به بالا است که در عربی اسم جمع بر ۳ یا بیشتر از ۳ تا دلالت میکند.

روایت بعدی:

^{۱۰۳} کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۳۵۸. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۵

^{۱۰۴} تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۳. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۷۴

^{۱۰۵} شرح الأخبار ج ۳ ص ۴۰۰

^{۱۰۶} کامل الزیارات ص ۷۶. وسائل الشیعة ج ۳ ص ۵۲۴

امام رضا (ع) فرمود: برای صاحب الامر اینگونه دعا کنید: ... خداوندا بر والیان عهد او (امام مهدی ع) و امامان بعد از او (امام مهدی ع) درود فرست و آرزوهایشان را بر آور و بر عمرهایشان بیافزای ... که آنها معادن کلمات و خزانه داران علمت و ارکان توحیدت و ستون های دینت و والیان امر تو هستند ...^{۱۰۷}

امامانی هستند که بعد از امام مهدی (ع) می آیند و اگر این روایت را کنار روایت های مهدیین بگذاریم حقیقت پیدا میشود

امام مهدی (ع) فرمود: بر محمد و آل محمد (ص) اینگونه صلوات بفرستید: ... خداوندا بر ولایت (امام مهدی ع) و والیان عهد او (امام مهدی ع) و امامان از فرزندان او (امام مهدی ع) درود فرست و عمرشان را زیاد کن و زندگی شان را طولانی گردان ...^{۱۰۸}

روایت بعدی:

امام حسن عسکری (ع) فرمود: در روز سوم شعبان تولد امام حسین (ع) است. پس این دعا را بخوانید: خدایا از تو می خواهم به حق کسی که در این روز به دنیا آمده همانا که امامان از نسل او هستند و اوصیاء بعد از قائم و غیبتش نیز از عترت و فرزندان او هستند^{۱۰۹}

بنابر روایت های مهدیین اوصیاء بعد قائم همان مهدیین هستند

در ادامه نصرت الله آیتی میگوید که مهدی و قائم همان امامان قبلی هستند چرا که به آنها هم این وصف اطلاق داده میشود در پاسخ به ایشان میگویم بله به امامان گذشته هم لفظ مهدی اطلاق داده میشود و کسی منکر آن نیست

اما متأسفانه آقای آیتی در اشتباه بزرگی افتاده است و به روایت های گذشته ای که مطرح کردم حتی نگاهی نکرده است

^{۱۰۷} جمال الاسبوع السید بن طاووس ص ۳۰۷ . مصباح المتجهد الطوسی ص ۴۰۹ . المصباح الکفعمی ص ۵۴۸ . مفاتیح الجنان دعا برای امام زمان (ع) دعای بعد از دعای عهد

^{۱۰۸} . الغیبة الطوسی ص ۲۷۳ . بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۷ . دلائل الامامة ص ۳۰۰ . مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۸۹ . إثبات الهداة ج ۳ ص ۶۸۵ . بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۷۸ . جمال الاسبوع السید بن طاووس ص ۴۹۴ . المصباح الکفعمی ص ۵۴۶ . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه در صلوات ضراب اصفهانی

^{۱۰۹} المصباح الکفعمی ص ۵۴۳ . مصباح المتجهد الطوسی ص ۸۲۶ . مفاتیح الجنان اعمال روز سوم شعبان

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام أنه سئل عن القائم فقال: كلنا قائم بأمر الله، واحد بعد واحد حتى يجيء صاحب السيف، فإذا جاء صاحب السيف جاء بأمر غير الذي كان؛^۱
 از امام صادق عليه السلام درباره قائم سؤال شد؛ فرمود: همه ما قائم به امر خداوند هستیم، یکی پس از دیگری، تا این که صاحب شمشیر بیاید. وقتی او آمد چیزی متفاوت با آن چه بوده خواهد آورد.

آقای آیتی، از این روایت استفاده میکند و میگوید ببینید لفظ مهدی هم بر امامان اطلاق میشود

در پاسخ به او و طرفدارانش میگویم آقای آیتی کسی منکر این نیست که لفظ مهدی بر امامان اطلاق پیدا نمیکند ولی بحث ما در بحث رجعت است با این توصیف که مهدیین بعد امام مهدی (عج) از فرزندان حسین (ع) هستند چه طور این روایات را نمی بینید؟

آیا دنبال حق هستید؟ به والله اگر دنبال حق بودید برای شما روشن میشود

صاحب کتاب *از تبار دجال* چنگ به بعضی از روایت ها میزند و یک طوری میخواهد اثبات کند که مهدیین همان امامان گذشته هستند و در بیان بالا تضاد و اشتباه ایشان روشن شد و در ادامه دو روایت از امام موسی بن جعفر (ع) نقل میکند و میگوید ببینید امام (ع) خود را مهدی مینامد پس مهدیین همان امامان گذشته هستند در پاسخ میگویم بله درست است اما امام (ع) مهدی در آخرالزمان هم توصیف میکند و حالا:

اقوال علمای سلف بر حکومت مهدیین (فرزندان) بعد از امام مهدی عج...

اقوال علمای سلف رحمهم الله در مورد وصیت و حکومت مهدیین علیهم السلام فراوان می باشند لذا برای حق جویان نهان نمی باشد، طالب حق را روایتی کافیت.

السید المرتضی (رحمه الله) قال تعليقاً علی روایة (... القائم والقوام من بعده ...) قال: (إنا لا نقطع بزوال التكليف عند موت المهدي (ع) بل يجوز أن يبقى بعده أئمة يقومون بحفظ الدين ومصالح أهله ولا يخرجنا ذلك عن التسمية بالإثني عشرى لأننا كلفنا أن نعلم إمامتهم وقد بينا ذلك بياناً شافياً فانفردنا بذلك عن غيرنا)^{۱۱۰}

^{۱۱۰} بحار الأنوار ۵۳ / ۱۴۸

سید مرتضی قزوینی رحمه الله بر روایت تعلیقی کرد و تصریح فرمود: (... قائم و قائمان بعد از وی ..) گفت: ما نمی توانیم زوال تکلیف امر بعد از شهادت امام مهدی عج را به قاطعیت بشماریم، بلکه جایز است بعد از وی امامانی برای حفظ دین و مصالح اهلش قائم باشند و این امر ما را از نامگذاری دوازده امامی خارج نمی کند، چون که ما امامت آنها را می دانیم و آن را با بیان شافی بیان کردیم و از غیر از ما بدان منفرد شدیم.

ملاحظه: سید مرتضی قزوینی یکی از علمای سلف صالح بود، و بر ادامه دوره مهدیین و ادامه خلافت امام مهدی (عج) توسط اشخاصی اشاره می کند که از فرزندان امام علیه السلام می باشند.

ولی نصرت الله آیتی نظر دیگری دارد

وقد استدلال الشهدید الصدر (رحمه الله) علی مباشرة المهديين للحكم بعد الإمام المهدي (ع) بقوله: (وأوضح ما یرد علی هذا الوجه هو ان روایات الأولیاء صریحاً بمباشرتهم للحكم علی أعلى مستوی بحيث یكون التنازل عن هذه الدلالة تأویلاً باطلاً . كقوله: (لیملکن منا أهل البيت رجل) وقوله: (فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها یعنی الإمامة أو الخلافة إلی ابنه أول المهديين) وقوله (اللهم صل علی ولاة عهده والأئمة من بعده) ونحوه فی الدعاء الآخر)^{۱۱۱}

و شهید صدر (رح) بر به خلافت مستقیم مهدیین و حکومت آنها استدلال فرمود و آن هم بعد از امام مهدی عج تا اینکه گفت: همانا روایتهای اولیا و حکومت مستقیم آنان در بهترین شرایط صریح است، به حدی که تنازل در این مساله تاویل باطل را به همراه دارد. مانند فرموده: (قطعاً مردی از ما اهل بیت حکومت می کند) و فرموده (پس اگر مرگ به سراغش آمد امامت و خلافت را تسلیم اول مهدیین از فرزندانش بنماید) ، و فرموده (خداوند ا درود بفرست بر موالین عهدهش و ائمه بعد از او را) و مانند این در دعاها..

سید صدر رحمه الله اشاره بر این امر دارد که خلافت مهدیین از فرزندان امام مهدی ع به طور مستقیم است. و ایشان به گونه ای بیان میفرماید که اگر شخصی با مقوله ای غیر از این امر تصریح کند تصریحاتش باطل است.

الشهدید السید محمد صادق الصدر (ره) فقد استدلال فی کتابه تاریخ ما بعد الظهور علی ثبوت حکم ذریه الإمام المهدي (ع) بعده ورجح روایات حکم ذریه الإمام المهدي (ع) علی روایات الرجعة ولكننا نقول بعدم التعارض لأنه لا مانع من حکم المهديين بعد الإمام المهدي (ع) وبعدهم تكون الرجعة .

.... ولی ما به عدم تعارض و اینکه مانعی ندارد حکومت مهدیین بعد از امام مهدی عج و بعد از آنها رجعت باشد

^{۱۱۱} تاریخ ما بعد الظهور ص ۶۴۲

وبالرغم من أن هذا الحاكم الأول قد يكون هو أفضل من الأحد عشر الآتين بعده بإعتبار انه نتيجة تربية الإمام المهدي (ع) شخصياً والمعاصر لأقواله وأفعاله وأساليبه بخلاف من يأتي بعده من الحاكمين . بالرغم من ذلك فإنه سيفرق فرقا كبيرا عن المهدي (ع) نفسه إلى حد يصدق (إنه لا خير في الحياة بعده) ... إلى أن يقول: ... نعم لاشك أن الإمام المهدي (ع) قبل وفاته قد أكد وشدد بإعلانات عالمية متكررة على ضرورة إطاعة خليفته وعلى ترسيخ (حكم الأولياء الصالحين) في الأذهان ترسيخاً عميقاً إلا أن البشرية حيث لا تكون بالغه درجة الكمال المطلوب فإنها ستكون مظنة العصيان والتمرد في أكثر من مجال ...^{١١٢}

عليرغم اینکه حاکم اول افضل از يازده حاکم ديگر می باشد، به اعتبار اینکه وی نتیجه تربیت و معاصر فرموده ها و کردار و رفتار امام مهدی علیه السلام میباشد، بر خلاف آن یازده نفر حاکم که بعد از او می آیند... تا اینکه فرمود... امام مهدی بر اطاعت خلیفه اش تاکید و ترسیخ نموده است و آن حکومت اولیاء صالحین میباشد.

الشیخ علی النمازی صاحب کتاب مستدرک سفینه البحار: قال معلقاً علی أحد الروایات التي تنص علی ذریة الإمام المهدي (ع) : (هذا مبين للمراد من رواية أبي حمزة ورواية منتخب البصائر ولا إشكال فيه وغيرها مما دل علی ان بعد الإمام القائم (ع) إثني عشر مهدياً وإنهم المهديون من أوصياء القائم والقوام بأمره كي لا يخلو الزمان من حجة)^{١١٣}

شیخ نمازی صاحب کتاب مستدرک سفینه البحار گفت: روایتهایی که دلالت بر وجود فرزند دارد تا اینکه گفت: و غیر از آن که دلالت بر وجود دوازده مهدی و آنها مهدیون از اوصیای قائم و قائمان به امرش می باشند تا زمین از حجت خالی نگردد.

اقوال علما به صراحت بیان می نماید، که برای امام مهدی (ع) فرزندان می باشد، که فرزندان وی حکومت عدل الهی را ادامه میدهند و قائمان به امر امام مهدی (علیه السلام) میباشد.

متأسفانه آقای آیتی اشتباه بزرگی مرتکب شده است و یکی از آجرهای عقاید رجعت او محکم نیست و ما این آجر او را برایش نمایان کردیم که آقای نصرت الله آیتی: مهدیین از فرزندان حسین(ع) هستند و جانشینان حضرت مهدی (عج) میباشند در ثانی حضرت مهدی (ع) در روایت های متواتر بیان شده است که ایشان دارای فرزندان میباشند و ثالث امام حسین (ع) رجعت میکند بر مهدی ای که فرزند ندارد و ما در روایات مشاهده میکنیم که مهدی آخر یعنی مهدی دوازدهم بعد از حضرت حجت (عج) فرزند ندارد و حضرت سیدالشهدا(ع) بر ایشان وارد میشود و غسل و کفن میکند رابعاً شما عقیده دارید که رجعت در این

^{١١٢} تاریخ مابعد الظهور ص ٦٤٦

^{١١٣} مستدرک سفینه البحار ١٠ / ٥١٧

عالم دنیا است اما هیچ دلیلی بر این مبنای پوچتان ندارید در حالی که یمانی آل محمد سید احمدالحسن (ع) دلیل محکمی از ثقلین در خصوص عالم دیگر رجعت بیان میکند یعنی رجعت در عالم دیگری است نه در کره ی خاکی

حالا روایاتی را از آل محمد(ع) برای اثبات فرزندان حضرت حجت(عج) ذکر میکنم

پنج دلیل بیان میکنم در اثبات ذریه حضرت حجت و برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانید به کتبهای برادرانم در این زمینه مراجع کنید «کتاب شیخ ناظم عقیلی در پاسخ قطعی به منکران ذریه امام مهدی(ع) و...»

و اما دلایل

روایات بسیاری در مورد مهدیین ذکر کردیم اما می خواهیم در مورد این موضوع نیز روایاتی را ذکر کنیم که بر وجود مهدیین و ذریه برای امام مهدی (ع) دلالت می کند .

دلیل اول : ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی و اولین امامان تو هستی که ^{۱۱۴} - شیخ طوسی در کتاب خود (غیبه الطوسی) گفته است ؛ ، جماعتی به ما خبر داده اند ، از حسین بن علی بن سفیان البزوفری ، از علی بن سنان الموصلی العدل ، از علی بن الحسین ، از احمد بن محمد بن خلیل ، از جعفر بن احمد مصری ، از عمویش حسن بن علی ، از پدرش ، از امام جعفر صادق (ع) ، از امام باقر (ع) ، از امام سجاد (ع) ، از امام حسین (ع) ، از امیر مومنان علی (ع) فرمودند : در شب وفات رسول خدا (ص) به من فرمودند : { ای ابو الحسن قلم و صحیفه ای بیاور و رسول خدا (ص) شروع به املا کردن وصیت و امام علی (ع) آن را با دست خود می نوشت تا به این موضوع از وصیت رسید و فرمودند (ص) : خداوند در آسمان تو را با این نامها ؛ علی مرتضی ، و امیر مومنان ، صدیق بزرگ ، فاروق اعظم ، مأمون و مهدی قرار داده است . و این اَسْمَاء مخصوص تو است و کسی جز تو ادعای آن را نخواهد کرد . ای علی تو وصی من بر اهل بیتم هم زنده و مرده ی آنها هستی و نیز بر زنانم : که هر یک از آنها از تو پیروی کرد مرا در آخرت خواهد دید و هر یک از آنها از تو پیروی نکرد مرا در عرصه ی قیامت نخواهد دید و من او را نیز نخواهم دید . و تو خلیفه و جانشین بعد از من بر امتم هستی . و اگر وفاتت رسید آن را به فرزندم حسن (ع) و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندم حسین شهید مقتول و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش سید عابدان علی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد باقر و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش جعفر صادق و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش موسی کاظم و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی رضا و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد تقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی نقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش حسن

^{۱۱۴} الشیخ الطوسی ص ۱۵۰ - ۱۵۱ :

عسکری و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد مستحفظ از آل محمد تسلیم کند . و آنها دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی می باشد (و اگر وفاتش رسید) آن را به فرزندش اولین مقربین که سه اسم دارد اسمی همانند اسم من و پدرم و او احمد و عبدالله و اسم سوم او مهدی می باشد تسلیم کند و او اولین مومنان است .

دلیل دوم : الفضل بن شاذان، از معمر بن خلاد، از ابی الحسن، نقل می کند که حضرت فرمودند: گویا می بینم درفش های سبز رنگی از سوی مصر برافراشته شده و بسوی شامات رفته و به فرزند صاحب وصایا هدایت می شوند^{۱۱۵}. تعلیق شیخ ناظم عقیلی: دلیل این روایت بسیار واضح و آشکار است که قبل از قیام قائم ، درفش ها به فرزند صاحب وصایا هدایت می شوند و صاحب وصایا همان وارث ائمه معصومین(ع) و خاتم اوصیا است که وصیت به دست ایشان (ع) رسیده و او محمد بن حسن عسگری (ع) است که مستحفظ از آل محمد (ع) می باشند و روایت می گویند که درفش ها به فرزند صاحب وصیت یعنی بسوی سیداحمدالحسن (ع) فرزند امام مهدی (ع) هدایت می شوند یعنی باایشان بیعت می کنند

دلیل سوم : عبد الله بن محمد بن خالد الکوفی، از منذر بن محمد بن قابوس، از نصر بن السندی، از ابی داود سلیمان بن سفیان المسترق، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الحارث بن المغیره، از الأصبع بن نباته و سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از الحسن بن علی بن فضال، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الأصبع بن نباته روایت می کنند که اصبع گفته است : روزی بسوی امیرالمومنین(ع) آمدم ایشان را دیدم که به خاک زمین خیره شده بود، گفتم : یا امیرالمومنین چه شده شما را مشغول تفکر می بینم آیا به زمین مشتاق شده اید ؟ فرمودند: خیر به خدا سوگند که لحظه ای به آن مشتاق نیستم اما به مولودی می اندیشم که در آخرالزمان می آید ، او از نسل فرزند یازدهم من می باشد ، او همن مهدی است که زمین را پراز قسط عدل می کند همانطور که پراز ظلم وستم گشته برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه واندکی هدایت می شوند . گفتم ای مولای من غیبت و حیرت او چه قدر طول می کشد ؟ فرمودند: شش روز ، شش ماه ویا شش سال . گفتم : آیا این امر از حتمیات است ؟ فرمودند : آری انقدر حتمی است که گویا صاحب آن ، اکنون آفریده شده . ای اصبع آنان برگزیدگان این امت و همراه نیکان این عترت هستند . گفتم : بعداز آن چه خواهد شد ؟ فرمودند: هرچه خداوند اراده کند ، انجام می دهد زیرا تمام غایات و نهایات و اراده ها از آن اوست " ^{۱۱۶} . و این روایت را نمی توان به امام مهدی(ع) منطبق ساخت زیرا مخصوص فرزند یازدهم از نسل امام علی(ع) می باشد و فرزند یازدهم امام علی (ع) همان امام مهدی (ع) است پس آن مولود از نسل فرزند یازدهم امام علی (ع) یعنی امام مهدی (ع) می باشد و همچنین برای او

^{۱۱۵} الإرشاد - الشيخ المفید ج ۲ ص ۳۷۶ ، بشارة الإسلام ص ۱۵۸ ، كشف الغمة ابن أبي الفتح الاربلي ج ۳ ص ۲۵۹
^{۱۱۶} الغيبة - الشيخ الطوسي ص ۱۶۴ - ۱۶۶ ، و ص ۳۳۶ :

غیبتی است که شش روز یا شش ماه و یا شش سال طول می کشد و این غیبت نمی تواند غیبت امام مهدی (ع) زیرا امام مهدی (ع) تنها دو غیبت دراند که غیبت اول ۶۹ سال و دومین غیبت بیش از هزار و صد سال است، برخی ها با اضافه کردن حرف "ی" به کلمه "ی" "ظهر" یعنی نسل می خواستند این معنی را القا کنند که حضرت فرمودند از نسلم فرزند یازدهم من تا اینکه این روایت را به امام مهدی (ع) اختصاص دهند و این کار معاندان این زمان است اما برخی از علما روایت را به حال خود ترک کردند و به آن دست نزدند زیرا می دانستند که کلام اهل بیت (ع) صعب، مستصعب می باشد و امکان فهمیدن آن برایشان وجود نداشته پس آن را رها کردند اما آن مهدی که امام علی (ع) از ایشان سخن فرمودند در آخرالزمان می آید و برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه می شوند همانطور که در روایت دیگر آمده است "محمد بن مسعود، از نصر بن الصباح، از جعفر بن - سهیل، از ابو عبد الله أخو أبي علي الكابلي، از القابوسی، از نصر بن - السندی، از الخلیل بن عمرو، از علی بن الحسین الفزاری، از ابراهیم بن عطیة، از أم هانئ الثقفیة، می گوید: (بسوی مولایم محمد بن علی الباقر (علیهما السلام) رفتم و گفتم: ای مولای من آیه ای از قول پروردگار (فَلَمَّا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ) بر من عرضه شد که باعث پریشان حالی و بی خوابی من شده است. فرمودند: ای ام هانی بپرس، در مورد مولودی در آخرالزمان است او مهدی از این عترت می باشد که برای او حیرت و غیبتی است که اقوام در آن گمراه شده و اندکی هدایت می یابند، پس خوشا بحال تو که آن رادارک کردی و خوشابه حال کسی که آن رادارک کند^{۱۱۷}

دلیل چهارم: أحمد بن إدريس، از علی بن محمد، از الفضل بن شاذان، از عبد الله بن جبلة، از عبد الله بن المستنیر، از المفضل بن عمر می گوید: از ابا عبد الله (ع) شنیدم که فرمودند: برای صاحب این امر دو غیبت است، یکی از آنها آنقدر طول می کشد که برخی می گویند: مرده و برخی می گویند: کشته شده و برخی می گویند: رفته.. تا آنجا که کسی از اصحابش باقی نمی ماند و هیچ کس از موضع ایشان اطلاعی ندارد جز فرزند و مولی که عهده دار امر او می شود " ^{۱۱۸}

دلیل پنجم: ابن غسان، باسناد، از علی (ع) نقل می کن که حضرت فرمودند: "از ما دو مرد خرج می کند که یکی از دیگری است، به یکی از آنان مهدی و به دیگری مرضی گفته می شود" ^{۱۱۹}

دلایل زیاد هستند که ان شاء الله سر فرصت آنرا بیان خواهم کرد

^{۱۱۷} کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق ص ۳۳۰

^{۱۱۸} الغيبة - الشيخ الطوسي ص ۱۶۱ - ۱۶۲

^{۱۱۹} شرح الأخبار - القاضي النعمان المغربي ج ۳ ص ۳۹۳:

متأسفانه نصرت الله آیتی بدون توجهی به روایت ها به راحتی از آنها میگذرد و اصلاً توجهی به آنها ندارد و حقیر متوجه شدم که وی اصلاً در راه دیگری سیر میکند و از راه اصلی فاصله گرفته است تمام مباحث بعدی او به خاطر دلایلی که بنده ارائه دادم باطل شد

در طول این بحثمان مشاهده کردید که نصرت الله آیتی اصلاً در مورد دلایل دعوت مبارک یمانی آل محمد(ص) صحبت نکرده است و به مباحث حاشیه دعوت گرویده است و نمیدانم از چه موضوعی هراس دارد که ان شاء الله هدایت شود

و حالا ادامه مطلب:

احمد بن اسماعیل معروف به احمد حسن، یکی از مدعیانی است که در سال های اخیر به ادعای این که امام مفترض الطاعه، مهدی، قائم، وصی امام مهدی، نوه آن حضرت و یمانی است، برای خود شهرتی به هم زده و در گوشه و کنار عده ای را فریفته و با خود همراه کرده است. وی و طرف دارانش برای اثبات ادعاهای خود به برخی از روایات تمسک جسته اند. در این نوشتار، تلاش شده است به اختصار برخی از مستندات وی به نقد کشیده شود و خبط و خطاهای نهفته در آن گوشزد شود. تقطیع روایات، تحریف نظر دانشمندان شیعه، ناتوانی در فهم معنای روایات، استناد به نقل های شاذ، استناد به نسخه بدل ها، برداشت سطحی از روایات، استناد به روایات اهل سنت، حذف روایات مخالف، تعارض درونی و بیرونی برخی از نقدهایی هستند که می توان برای مستندات آن ها برشمرد.

ایشان در مقدمه ی بحث جدیدشان میگویند وی و طرفدارانش برای اثبات خود به برخی از روایات تمسک جسته اند در این خصوص اعلام میکنم که سید احمدالحسن (ع) برخی از روایات را برای اثبات حقانیت خود ارائه نداده، بلکه ایشان با قانون معرفت حجت الهی خود را اثبات میکنند که این قانون کل قران و روایات را داخل میکند علاوه بر آن، تمام حجت های خداوند با این قانون شناخته شده اند پس این کلام شما باطل است و حالا به صورت مختصر و مفید قوانین و دلایلی که وصی و رسول امام مهدی سید احمدالحسن (ع) آورده اند را بیان میکنم خوب توجه فرماید و خود حقیقت را پیدا کنید

طبق کلام خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) که فرموده است انی تارکم فیکم ثقلین کتاب الله و عترتی اول از قران که لاریب فیه است شروع میکنم در قران سوره مبارکه بقره آیه ۳۰ خداوند میفرماید:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝۱۲۰

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید

در اینجا خداوند به ملاکه نص میدهد و آدم را معرفی میکند

و در آیه ی بعدی

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۲۱}

و در این آیه هم به وضوح روشن میکند که به خلیفه ای که نص داده شد علم هم داده شده است

و در آیه بعدی

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^{۱۲۲}

و در این آیه هم خداوند تصریح میکند که از خلیفه ای که هم نص شده و هم دارای علم است ازش تبعیت کنید

این سه تا قانونی است که خداوند به وضوح بیان کرده است حالا وارد ثقل دوم میشویم خوب دقت کنید

در حدیثی از امام باقر (ع) که فرمود: هر چیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند **وصیت** و **پرچم** و **سلاح پیامبر خدا (ص)** جای هیچ گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی‌گذارد... بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می‌دهند. که همانا برای آل محمد و علی (ع) پرچمی (یک پرچم) است و برای دیگران پرچم ها. پس در جای خودت ثابت باش و از هیچ کس ابداً تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین (ع) ببینی که با او **وصیت رسول خدا (ص)** و **پرچم** او و **سلاح** او باشد^{۱۲۳}.

روایت بعدی

از امام باقر ع در حدیثی طولانی آمده است:..سپس مردی از صلب پدرش قیام می کند، و او شدیدترین مردم نسبت به بدن او و شجاعترین آنها به قلب اوست از وقتی که صاحب این امر غیبت نموده، پس به او می گویند (با دین خدا) چه می کنی که به خدا سوگند همانا تو مردم را می پراکنی چنانکه گوسفندان رمیده می شوند، آیا پس **وصیتی از رسول خدا ص** در نزد توست یا چیز دیگر؟ پس مولایی که عهده دار

121 بقره آیه ۳۱

122 آیه ۳۴ بقره

123 تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ إلزام الناصب، ج ۲، ص ۹۶

بیعت است می گوید: به خدا سوگند یا ساکت می شوی یا میان دو چشمت را خواهم کوبید. پس قائم ع می فرماید ای فلانی خاموش! بله به خدا سوگند همراه من **وصیت پیامبر ص** است. پس آن صندوقچه را بده، پس بسوی او می آید و **وصیت رسول خدا ص** را برای او می خواند، پس می گوید فدایت شوم، اجازه فرمایید سر شما را ببوسم، پس بین دوچشمان او را می بوسد، سپس می گوید فدایت شوم بیعه خود را برای ما تجدید فرما، پس برای آنها بیعت خود را تجدید می فرماید^{۱۲۴}

خوب دقت کنید و حالا در روایت بعدی:

- امام صادق ع در حدیثی فرمود: ...پس با او بین رکن و مقام بیعت می کنند و همراه او **وصیت رسول خدا ص** است که فرزند بعد از فرزند به ارث نهاده است.^{۱۲۵}

روایت بعدی:

حرث بن المغیره گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمودند: با آرامش و وقار و **علم و وصیت**^{۱۲۶}.

و روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود: صاحب این امر با سه خصوصیت شناخته می شود که در هیچ کس جز او نیست. او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از او است می باشد و او **وصیش** است. با او **صلاح رسول الله (ص)** است. با او **وصیت رسول الله (ص)** می باشد^{۱۲۷}

روایت بعدی:

از عبد الاعلی که گفت به امام صادق ع عرض کردم حجت ما در مدعیان دروغین برای صاحب این امر چیست؟ فرمود: سه نشانه است که در **هیچ مردی جز او جمع نمی شود**، آنکه او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از اوست می باشد، در نزد او **صلاح رسول خدا ص** است، و او صاحب **وصیتی** است که (در کتابها) آشکار است.^{۱۲۸}

روایت بعدی:

124 العیاشی ج ۲ ص ۵۶ . بحار الأنوار ج ۵۲ ، ص ۳۴۱ . بشارة الاسلام ص ۲۲۷ . هامش المصدر ج ۲ ص ۵۹

125 غیبة النعمانی ص ۲۸۲ . بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ - ۲۳۹

126 بصائر الدرجات ص ۵۰۹

127 بصائر الدرجات ص ۲۰۲ . الکافی ج ۱ ص ۳۷۹

128 الخصال: ۱ / ۱۱۷ ح ۹۹ ، بحار الأنوار: ج ۲۵ / ۱۳۸ ح ۸ ، الکافی: ج ۱ / ۲۸۴ ح ۲

امام علی ابن الحسین(ع) فرمودند: امامی از ما نخواهد بود مگر معصوم باشد و عصمت در ظاهر خلقت نیست که با آن شناخته شود و آن نخواهد بود مگر به **او وصیت شده** - پس به او گفتند ای فرزند رسول خدا معنی معصوم چیست؟ فرمودند: اوست معتصم به حبل یا ریسمان خداوند و ریسمان خداوند همان قران است که جدا نمیشوند تا روز قیامت و امام به سوی قران هدایت می کند و قران به سوی امام هدایت می کند و ان گفتار خداوند تعالی: **{إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ}** ۱۲۹

روایت بعدی:

امام رضا (ع) فرمود: امام باقر (ع) می فرمود: همانا مثل سلاح در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل . یعنی هر کسی تابوت نزدش بود نبوت برای او بود و به همین صورت هر کدام از ما که نزدش **سلاح** باشد صاحب امر است . از ایشان سؤال شد: آیا **سلاح** از **علم** جدا است؟ امام رضا (ع) فرمود: خیر . ۱۳۰

تا اینجا مشاهده میکنید که اهل بیت قانون معرفت حجت را بیان میکنند و حالا روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود: همانا مثل **سلاح** در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل . یعنی هر کس صاحب تابوت بود صاحب ملک بود . پس هر کس از ما **سلاح** نزدش باشد **علم** نزدش است ۱۳۱ و در ادامه ی کلام آقای آیتی هیچ دلیلی بر کلامش ندارد بلکه دعوت مبارک توسط دلایلی که قطعی و یقینی است ثابت ممیشود و آن دلایل قانون معرفت حجت است و الله نمیدانم منظور آیتی از لفظ شاذ چیست؟

حالا شما بیان کردید در اینجا حقیر یک سوالی را مطرح میکنم شما که ادعا دارید یمانی و طرفدارانش بر برخی از روایات تمسک کرده اند شما برای اثبات مرجعیت و تقلید بر چه چیزی تمسک کرده اید؟؟

آیا نواب عام را میتوانید از ثقلین به صورت صریح ثابت کنید؟؟ یا به روایت های شاذ و نادر رجوع میکنید؟؟

در ادامه:

129 معانی الاخبار ص ۱۳۲ . بحار الانوار ج ۲۵ ، ص ۱۹۴

130 کافی ج ۱ ص ۲۳۸

131 کافی ج ۱ ص ۲۳۸

یحی از این طرفندها پایه‌گذاری جریان‌های انحرافی است که به ادعای مهدویت یا ارتباط با امام مهدی عج و امثال آن مؤمنان ساده‌دل را اسیر هوس‌های زودگذر خود می‌کنند و از جهل، مرکبی برای سوار شدن بر گرده آنان می‌سازند. **آنان در پوستین گوسفند، گرگ‌گونه ایمان خلیق را می‌درند** و به نابودی می‌کشانند و تبعات آن تنها دامن‌گیر گرفتار شدگان در دام این شیادان رهنز نمی‌شود، بلکه چه بسا اصل اندیشه مهدویت را از نظرها می‌اندازد و در دل‌ها سست جلوه می‌دهد و این هدف غایی جبهه شیطان است که ایمان یک نفر و هزار نفر را نشانه نرفته، بلکه اصل ایمان را هدف قرار داده است.

در درجه ی اول می‌گوییم که درست است مدعیان دروغین مهدویت در طول تاریخ آمده اند و ادعا کرده اند اما آیا تا کنون فردی غیر از سید احمدالحسن (ع) با قانون معرفت حجت آمده و خود را بر همگان ثابت کرده باشد؟

درثانی آن تمثیلی که به کار می‌برید را ما در روایت آل محمد در بیان و اشخاص دیگری داریم خوب به روایت توجه کنید:

پیامبر(ص) فرمودند: خداوند به بعضی از پیامبران خود وحی نمود ، به کسانی که برای غیر دین تفقه و برای عمل کردن فرا نگرفته و دنیا را برای غیر از آخرت طلب و برای مردم **پوست قوچ ها** را می پوشند و در حالی که قلب هایشان همانند **قلب گرگ** هاست. زبان آنها از عسل شیرین تر و اعمال آنها تلخ تر از صبر است. با نام من مردم را گول زده و به واسطه نام من مردم را به تمسخر می گیرند. بگو که فتنه ای را برای آنها خواهم فرستاد که حکیم را حیران و مبهوت می کند. ^{۱۳۲}

روایت دیگری

رسول الله ص فرمود : ای پسر مسعود زمانی بر مردم بیاید که صبر کننده بر دینش مانند کسی است که آتش در دست خود بگیرد . ای پسر مسعود اگر کسی در این زمان **گرگ** بود که هیچ وگرنه او را **گرگ** **صفتان** می خورند ای پسر مسعود علما و فقیهان آنها خائن و فاجر هستند . آگاه باشید که اینان شرورترین خلق خدایند و همچنین پیروان ایشان و کسانی که پیش آنان می روند و از آنان می گیرند و آنها را دوست

دارند و با آنان همنشینی می کنند و با آنها مشورت می کنند شرورترین مخلوقات خدا هستند . ایشان را در آتش جهنم وارد می کند کردند لالند کورند بنابراین به راه نمی آیند ^{۱۳۳}

و

زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و موقعی که سفیهان را به کار گماشتند و با زنان مشورت کردند و پیوند خودشان را پاره نمودند و هواپرستی پیشه ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند، حلم و بردباری در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم باعث فخر گردد، امراء فاجر، وزراء ظالم و سرکردگان دانا و خائن و قاریان (قرآن) فاسق باشند. شهادت باطل آشکار باشد و اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طغیان و تجاوز علنی گردد قرآنها زینت شود و مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند گردد و اشرار مورد عنایت قرار گیرند و صف ها در هم بسته شود خواهشها مختلف باشد و پیمانها نقض گردد و وعده ای که داده شد نزدیک شود. زنها به واسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند. صداهای فاسقان بلند گردد و از آنها شنیده شود بزرگ قوم ، رذل ترین آنهاست ، از شخص فاجر به ملاحظه شرش تقیه شود، دروغگو تصدیق و خائن امین گردد، زنان نوازنده ، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته نوازندگی کنند و مردم پیشینیان خود را لعنت نمایند زنها بر زین ها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند. شاهد (در محکمه) بدون اینکه از وی درخواست شود شهادت می دهد و دیگری به خاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی می دهد احکام دین را برای غیر دین بیاموزند و کار دنیا را بر آخرت مقدم دارند. **پوست میش** را بر دلهای **گرگ ها** بپوشند، در حالی که دلهای آنها از مردار متعفن تر و از صبر تلخ تر است . در آن موقع شتاب و تعجیل کنید. بهترین جاها در آن روز بیت المقدس است روزی خواهد آمد که هرکسی آرزو کند که از ساکنان آنجا باشد ^{۱۳۴}

احمد حسن ایمانی

از جمله این جریان های انحرافی که در سال های اخیر در کشور عراق شکل گرفته و در گوشه و کنار در حال ترویج باورهای خرافی است، جریان احمد حسن است. مؤسس این جریان، شخصی به نام احمد بن اسماعیل از قبیله صیامراست که در سال ۱۹۷۳ میلادی در منطقه ای به نام هویر از توابع شهرستان زبیر از استان بصره متولد شد و در سال ۱۹۹۹ از دانشکده مهندسی نجف فارغ التحصیل شد و مدتی در حوزه شهید سید محمد صدر تلمذ نمود. وی مدعی است ابتدا در خواب و سپس در بیداری با امام مهدی عج ملاقات کرده و آن حضرت او را مأمور به هدایت انسان ها کرده است.

133 مکارم الأخلاق الطبرسی ص ۴۴۹ . بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۰۱ . أُلزام الناصب ج ۲ ص ۱۳۱
134 كفاية الموحدين ۴۲۶/۳ ، (بحار الأنوار) ۱۹۳/۵۲

سید احمدالحسن (ع) با احتجاج به وصیت رسول خدا (ص) و علم و پرچم البیعه لله اثبات میشود که وصی امام مهدی ع و مهدی اول میباشند

و این مطالبی که شما گفتید کذب است و در سیره دعوت در بین خودتان اختلاف است اما آنچه که صحیح و با دلیل است را خدمتتان عرض میکنم

ایشان اهل منطقه مدینه در پنجاه کیلومتری شهر بصره در جنوب عراق هستند سید احمد فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان هست سلمان مجهول النسب بود تا زمانی که سید احمدالحسن (ع) این راز را از سمت امام مهدی (ع) آشکار کرد اما فرزندان سلمان که قبیله کوچکی رو تشکیل میدادند با قبیله بزرگی به نام صیامر «عهد جرش» بستند تا زیر مجموعه آنها باشند

سید محسن عموی سید احمد الحسن (ع) بزرگ این قبیله کوچک بعد از افشای این راز توسط یمانی ال محمد (ع) اسم قبیله کوچک را آل المهدی نامیدند

سید احمد الحسن (ع) از سالها قبل از ورودشان به نجف با امام مهدی (ع) ارتباط داشتند و خود امام به تربیت ایشان پرداختند

اولین ماموریت ایشان اصلاح حوزه علمیه نجف بود

سید احمد الحسن فارغ التحصیل رشته مهندسی شهر سازی در دانشگاه بصره هستند و وقتی وارد حوزه نجف شدند مشغول به تدریس معارف شدند بدون اینکه کلامی دروس حوزه رو مطالعه کرده باشند

در خطبه ملاقات اولین رویا و اولین ملاقاتشونو بیان میکنند

ایشان سال ۲۰۰۰ وارد نجف شدند و تقریباً بعد سه سال در زمان صدام ملعون دعوتشونو علنی کردند در جکادی الاول سال ۱۴۲۳

۱. خود را فرزند یا واسطه امام مهدی علیه السلام می داند و با این سلسله نسب خود را به آن حضرت منتسب می کند: احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن امام مهدی.
۲. خود را امام سیزدهم معرفی می کند.
۳. خود را مهدی و قائم می داند. او معتقد است پس از امام مهدی، دوازده مهدی که همگی قائم نیز هستند از فرزندان آن حضرت به ترتیب جانشین او خواهند شد و او اول لمهدیین است.
۴. خود را وصی و جانشین امام مهدی می داند که به زودی و پس از حیات آن حضرت جانشین ایشان خواهد شد.
۵. خود را یمانی می نامد.
۶. خود را فرستاده امام مهدی برای هدایت انسان ها می داند که همه باید به او ایمان آورند

در این بخش آقای آیتی با یک مجموع القاب و الفاظ روبرو میگردد و چون سواد علمی ندارد در این القاب گیر کرده و راهی غیر از راه صحیح را پیش میگیرد

نکته اول: درست است سیداحمدالحسن(ع) فرزند با واسطه ی حضرت حجت (عج) میباشد و نسب ایشان بدین شکل است سید احمد فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند حضرت حجت(عج)

نکته دوم: امام سیزدهم: لفظ امام یک لفظ کلی است و آقایون معاندین دعوت مبارک از الفاظ کلی استفاده میکنند تا مخاطب را از بحث اصلی منحرف کنند و امام سید احمدالحسن (ع) مقام عصمت و امامت دارند چرا که با با نص و وصیت آمده اند و خود را با قانون معرفت حجت ثابت کرده است و هر کسی هم که با قانون معرفت حجت ثابت کند و نصی از پیامبر(ص) داشته باشد او معصوم است و در درجه های عصمت هم فرقی است که به تحقیق درجه ی عصمت سید احمدالحسن(ع) از پدرشان امام مهدی(ع) پایین تر است در نتیجه امام بودن ایشان هم درجه ای کم تر از پدرشان دارند

نکته سوم: خود را مهدی وقائم میدانند شما هیچ سواد علمی ندارید چرا که این دو صفت است و ادعای سید احمدالحسن (ع) بر مهدی و قائم ادعای جداگانه نیست

نکته چهارم: اگر خود را وصی امام حجت (ع) میدانند باید قطعاً دلیلی بر وصایت خود داشته باشد و دلایل وصی چیست؟ جز با آوردن وصیت و نصی از امام قبلی یا پیامبر قبلی؟ وصی شناخته میشود با وصیت که ان شاءالله جلوتر کمی توضیح خواهیم داد

نکته پنجم: یمانی آل محمد (ع) یک صفت است نه منسب جدا و اتحاد بین مهدی و قائم و یمانی بر شخصیتی به نام احمد در وصیت اطلاق داده میشود و برای اطلاع بیشتر به کتاب برادرم «وحدت شخصیت مهدی اول و قائم با یمانی» نوشته ی شیخ علاء سالم مراجع کنید

نکته ششم: ایشان رسول امام مهدی به تمامی ادیان ها هستند و ایشان نمیگویند باید به من ایمان بیاورید بلکه با دلیل از ثقلین ثابت میکنند که مردم در این زمان باید چه کاری انجام بدهند بلکه امام صادق(ع) و آل محمد(ص) این امر را روشن کرده اند

در ثانی تقلید از مراجع در چه زمانی درست بود که الان قطع شود؟

و ادامه:

وی دعاوی خود را از حدود ۱۲ سال پیش آغاز کرد و توانست در کشور عراق، برخی از شیعیان ساده دل را بفریبید. وی پس از انجام اقدامات نظامی ای که طرفداران او در عراق انجام دادند و در نتیجه اقدام پلیس بغداد برای دستگیری اش از عراق گریخت و پس از آن تنها از طریق اینترنت با طرفداران خود در ارتباط است. طرفداران وی معتقدند او هم اکنون غایب شده است.

مطلبی که میگوید انصار اقدامات نظامی برپا کرده اند را باید اثبات کنید چون این مطلب کاملا کذب و دروغ است نه اینکه فقط بیاید یک تهمتی را بزنید و برید و بر تو واجب است که این حرفت را ثابت کنید

در ثانی سید احمدالحسن (ع) هنوز در عراق هستند ولی انقدر عاجز هستید که نمیتوانید حتی عکس او را داشته باشید تا دستگیرش کنید در ضمن با انصار خود فقط با اینترنت در ارتباط نیست بلکه عده ای از انصار هستند که به صورت حضوری پیش سید احمد الحسن (ع) میروند و همنشین ایشان میشوند و علاوه بر آن که سیداحمدالحسن (ع) الان در غیبت نیستند بلکه ایشان با باز کردن صفحه ی مبارکه در فیسبوک و همچنین آمدن به صورت آنلاین در پالتاک خود را آشکار کرده

در ثانی برخی از شیعیان به این دعوت ایمان نیاورده اند بلکه بیشتر در همه ی جای جهان دعوت ایشان رسیده و خیلی ها به این دعوت مبارک ایمان آورده اند چرا که دلایل قانون معرفت حجت به همراه دارد

و در ادامه :

برای نقد احمد حسن، از دو مسیر می توان حرکت کرد:

مسیر نخست این است که صرف نظر از ادعای احمد حسن و مستندات او، ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام پس از حکومت امام مهدی علیه السلام چه رخ خواهد داد؟ آیا دوران رجعت آغاز خواهد شد و امامان معصوم علیهم السلام به دنیا بازگشته و حکومت امام مهدی علیه السلام با سرپرستی آنان استمرار خواهد یافت؟ یا این که فرزندان امام مهدی علیه السلام جانشین آن حضرت خواهند شد؟ و یا این که احتمالات دیگری وجود دارد؟

در سوالاتی که بیان کردید همه یک نوع پاسخ دارند پس با دقت گوش کنید

رجعت یکی از عوالم قوس نزول است:

رجعت یکی از عوالم قوس نزول است: از سید احمد الحسن (ع) در مورد ظلمات سه گانه در فرموده خداوند پرسیده شد (حَلَفْتُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلْ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ)، (شما را از نفسی واحد آفرید سپس جفتش را از آن قرار داد و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکی‌های سه گانه خلق کرد این است خدا پروردگار شما فرمانروایی از آن اوست خدایی جز او نیست پس چگونه [او کجا از حق] برگردانیده [می‌شوید] ۱۳۵).

پس در پاسخ خویش، قوس صعود و نزول در حرکت انسان از مبدأ تا مقصد او را آشکار کردند. فرمودند: (آن: ظلمتِ ذر، ظلمتِ دنیا و ظلمتِ رجعت می‌باشند، و آن‌ها عوالم قوس نزول هستند. و عوالم قوس صعود انوار سه گانه می‌باشند: و آن‌ها: (قبل از فناء شدن و در فناء شدن و بازگشت بعد از فناء است). و آنها مراتب سه گانه محمد قبل از فتح حجاب، بعد از فتح حجاب و بازگشت بعد از حجاب هستند. پس او بین فناء در ذات الهی تا آنجائی که چیزی باقی نمی‌ماند جز خداوند یگانه قهار و بین بازگشت به منیت و شخصیت خویش بود

و این مراتب ششگانه در قوس صعود و نزول نشانگر کل وجود است، و تجلی نور در ظلمت و ظهور موجودات بواسطه نور در ظلمات است، و آن (واو نزول و واو صعود می‌باشد) که به شش روز و مراتب ششگانه اشاره دارد

واو نزول و واو صعود

و آن دایره موجود در رأس "واو" بر حیرت موجود در قوس صعود که آن حیرت در نور است دلالت می‌کند، آن هم به سبب عدم درک و معرفت نور تام که در آن هیچ ظلمت و تاریکی نیست، و او خداوند سبحان و تعالی معرفت تام و کامل است، پس مراتب قوس صعود عبارتند از: قبل از فتح، بعد از فتح و فناء، و سوم بازگشت به منیت و شخصیت بعد از فناء شدن. اما حیرت در ظلمت؛ زیرا که آن در پایین ترین نقطه مراتبش قابل درک نمی‌باشد و از آن چیزی حاصل نمی‌شود، بلکه آن ظلمت و عدم است و هیچ سهمی از وجود برای آن نیست مگر قابلیت آن برای وجود، و این حقیقت ماده است، ظلمت و عدمی که از آن هیچ چیز حاصل نمی‌شود، و از آن هیچ چیز شناخته نمی‌شود، اگر چه تجلی شکل ملکوتی در آن و ظاهر ساختن آن نبود، از آن هیچ چیز شناخته نمی‌شد. پس مراتب قوس نزول عبارتند از: عالم ذر، سپس فرود

135 منبع: رجعت سومین روز از روزهای بزرگ خدا- سید احمد الحسن (ع)، ص ۳۴-۳۲

آمدن به ظلمت ماده، سپس صعود در قیامت قائم (ع) تا رسیدن به رجعت که مرتبه سوم می باشد؛ و این تصویر قوس نزول و صعود می باشد

رجعت

رجعت : عالم دیگر و روز دیگری از سه روز بزرگ خداست که در پیش روی قائم (علیه السلام) و قیامت می باشد و دارای نظام و قوانین مخصوص به خود است همانگونه که در مضمون روایات متعدد از آل محمد (علیه السلام) ذکر شده است^{۱۳۶}

پس بعد از اینکه روز قائم و قیامت را ذکر کردند سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمودند روز رجعت باقی مانده و اکیدا آن عالم دیگری است و الا آن ” روز ” یعنی وقت و آن مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت ، اختصاص داده نم یشد ، پس آن از جمله آنها نیست

و نیز (علیه السلام) فرمودند : (رجعت ، نامش دال بر آن است خدا به تو توفیق دهد ، آن رجعت است به معنای بازگشت ، قومی که مردند باز می گردند ، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود ، روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت و نیز (علیه السلام) فرمودند : (آن امتحان دیگری است و ترتیب بازگشت رجعت کنندگان در آن در دست خداوند سبحان است و نیز (علیه السلام) فرمودند : (رجعت عالمی دیگر است و با این عالم جسمانی متفاوت است ، و در نتیجه جزئیات آن نیز با این عالم متفاوت می باشد

اما رجعت در نظر علمای شیعه

(علمای شیعه در می یابند که رجعت یعنی : (بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ)

شیخ مفید می گوید : (سخن درباب رجعت : و می گویم : خداوند تعالی قومی از مردگان را با چهره های ابتدائی شان که بر آن بودند به زندگی دنیا باز می گرداند پس گروهی از آنان را عزیز و گروه دیگر را ذلیل می گرداند و اهل حق را بر اهل باطل و مظلومان را بر ظالمان چیره می سازد ، و آن امر در هنگام قیام مهدی آل محمد (علیه السلام) تحقق می یابد)^{۱۳۷}

و حر عاملی می گوید : (بدانید که رجعت در اینجا در زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است ، و این مفهومی است که از ظاهر معنایش برداشت می شود و علما به آن تصریح کرده اند ...)^{۱۳۸}

136 (معانی الاخبار ص ۳۶۶)

137 (اوائل المقالات : ص ۷۸)

138 الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه : ۶۱

پس واضح است که آنان رجعت را مقطع زمانی و تابع این عالم جسمانی که ما در آن هستیم می بینند ؛ و آنچه که بیشتر بر آن تاکید می کند ملاحظه استدلال مقام بر اثبات رجعت است ، و این بیان بعضی از آن میباشد

اول : گفته آنها مبینی بر اینکه رجعت نوعی از معاد جسمانی است ، لذا آنان بر آن مانند دلیل بر وجود معاد در آخرت استدلال می کنند سید مرتضی در استدلال خود بر رجعت می گوید : (...در صحت رجعت اموات هیچ اختلافی نیست مگر اینکه خارج از گفته های اهل توحید باشد ، زیرا خداوند تبارک و تعالی بر ایجاد جوهر بعد از فنا و نیستی اش قادر است ، پس هنگامی که بر آن قادر است می تواند در هر زمان که بخواهد آن را ایجاد کند^{۱۳۹}

دوم : استدلال آنها بر احیای برخی از اقوام یا افراد در امتهای گذشته به زندگی دنیا بعد از مرگشان ، و برای آن ، مثال زنده شدن عزیز (علیه السلام) بعد از مرگش یا احیای مردگان به دست حضرت عیسی (علیه السلام) یا زنده شدن اصحاب کهف یا قوم بنی اسرائیل و غیره را ذکر می کنند

شیخ مظفر میگوید: (اعتقاد به رجعت ، نه عقیده توحید را خدشه دار می کند و نه عقیده نبوت را ، بلکه بر صحت هر دو عقیده تاکید می کند . رجعت دلیلی بر قدرت بالغ خداوند تعالی می باشد همچون بر انگیختن و زنده کردن . و آن از جمله امور خارق العاده ای است که شایسته بودن معجزه برای پیامبران محمد و آل بیتش (علیهم السلام) است و آن عین معجزه زنده کردن مردگان توسط عیسی مسیح (علیه السلام) می باشد و بلکه از آن بزرگ تر است زیرا که مردگان بعد از خاکستر شدن زنده میشوند^{۱۴۰}

شیخ طبرسی می گوید : (اخبار و روایات بسیاری از ائمه هدایت از آل محمد (علیهم السلام) وجود دارند که آشکار می کنند ، خداوند تبارک و تعالی در هنگام قیام قائم (علیه السلام) قومی از اولیاء و شیعیانش که قبل از قیام حضرتش (علیه السلام) وفات کرده اند را زنده خواهد کرد تا در ثواب نصرت و یاری اش مشارکت جسته و فیض ببرند و در پی ظهور و طلوع دولتش مسرور گردند ؛ و همچنین قومی از دشمنانش باز می گردند تا از آنان انتقام گیرد و عقوبت در دنیا از قتل و کشتار و ذلت و خواری از داد و ستد و فرمانروایی که منتشر می کند به دست شیعیانش را دچار گرداند ، و هیچ عاقلی شک نمی کند که این برای خدای تعالی مقدور است و در نزد خدا چیز ناممکن وجود ندارد ، و آن را در امتهای پیشین عملی کرده و تحقق بخشیده و قرآن کریم در برخی مواضع همچون داستان عزیز (علیه السلام) و غیره این امر را ذکر می کند ، و پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله وسلم) نیز فرمود : (در امتم همان امری خواهد بود که در بنی

139 (رسائل الشریف المرتضی : ج ۳ ص ۱۳۵

140 عقائد الامامیه : ص ۱۰۹

اسرائیل بوده است پس پا در جای پای آنان و قدم در جای قدم آنان قرار خواهید داد حتی اگر یکی از آنان وارد سوراخی شد ، شما نیز وارد آن شوید (۱۴۱).

در ادامه:

پرسش دوم که نیازمند پژوهش مستقل دیگری است، این است که اگر فرض را بر این بگیریم که پس از امام مهدی عج فرزندان آن حضرت جانشین ایشان خواهند آیا آنان پیش از ظهور امام مهدی عج نیز جایگاه و نقشی خواهند داشت یا این که نقش و جایگاهشان منحصرأ مربوط به پس از ظهور و رحلت یا شهادت امام عصر عج است؟ سومین پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که اساساً برای تشخیص مصادیق فرمایشات پیشوایان معصوم علیهم السلام چه راهکارهایی وجود دارد؟ به تعبیر دیگر، برای تطبیق فرمایشات ائمه علیهم السلام بر مصادیق خارجی، چه معیارهایی وجود دارد؟

این امر توسط قانون معرفت حجت ثابت میشود

در ادامه:

پیش از شروع نقد افکاروی تذکر دو نکته ضروری است: نخست این که مسئله امامت مهدویت یکی از اعتقادات بنیادین مکتب تشیع است و آن چه در این باره مطلوب است ایمان است و ایمان نمی تواند مبتنی بر گمان باشد؛ چراکه آدمی نمی تواند به چیزی که یقین ندارد ایمان داشته باشد از این رو چنین باور بنیادینی نمی تواند مبتنی بر ادله گمان آور باشد ، سا در این حوزه و سایر اعتقادات اساسی دیگر نیازمند ادله یقین آور هستیم.

درست است! در مسئله ی امامت و مهدویت باید دلیل قطعی و یقینی باشد و پس در این صورت تقلید جایز نیست چرا که این امر، امری اعتقادی است و بنابر گفته ی خودتان باید به حد یقین رسید و تقلید ما را به حد یقین نمیبرد و بلکه افاده ی ظن و گمان میکند ولی چرا به گفته های خودتان پایبند نیستید و انصار آل محمد را دستگیر میکنید و میگوید تا زمانی که مراجع هستند باید از آنها تقلید کنید ؟ چرا این عقیده باطل را بین مردم رواج میدهید؟

و مطلب یقین آور و صد درصد همان قانون معرفت حجت است که سید احمدالحسن (ع) با آن بر همگان احتجاج کرده اند

ادامه:

برای نقد احمد حسن، نیاز به بررسی تک تک مستندات او نیست،
گرچه همه آنها قابل نقد هستند، بلکه همین که تعدادی از مستندات او
نقد شده و دلایل او از حد توان ساقط شود برای ما کفایت می کند.

نقد و بررسی یک جریان و یا یک موضوع همراه با هدفی است اگر آقای آیتی حق گرا باشند توصیه میکنم برای رسیدن به حق اول باید دلایل این دعوت را مورد بررسی قرار دهد نه اینکه وارد شبهات گردد چرا که شبهات مثل باتلاقی است که هر چه در آن فرو روید شما را به پایین میکشد و هیچ گاه به هدف خود دست پیدا نخواهید کرد چرا که در همه ی دعوت های الهی شبهاتی وجود داشت ولی آنانی که پیروز شدند و تا آخر پایه پای خلیفه ی زمانشان حرکت کردند کسانی بودند که دلایل را دیدند و دلایل را مورد نقد و بررسی قرار دادند و ادله ی سیداحمدالحسن(ع) قانون معرفت حجت الهی میباشد و هر کسی که دنبال حق باشد باید این دلایلی که سید احمدالحسن(ع) با آن احتجاج کرده و-تمامی علمای نجف به همراه علمای قم را برای مناظره در خصوص وصیت دعوت کرده ولی تاکنون پاسخی دریافت نکرده-را مورد نقد و بررسی قرار دهد

ادامه:

تقطیع روایات به قصد فریب
از امیرمؤمنان علیه السلام در خبری طولانی که در آن اصحاب قائم علیه السلام را ذکر می کند آمده است
که اولین آنها از بصره و آخرین آنها از ابدال (تبدیل شدگان مانند حیر) است
(کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). و از امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی که نام یاران قائم علیه السلام را
ذکر می کند آمده است: «و از بصره... احمد». (انصار امام مهدی، بی تا: ۳۴؛ به نقل از:
کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۳۲؛ بحرانی، بی تا: ۷۲۴؛ حموی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۶۳)

بارها این شبهه پاسخ داده شده ولی باز هم خود را بخواب زده اند و نمیخواهند حقیقت را ببینند و تنها هدفشان از نوشتن این شبهات این است که مردم را گمراه سازند در ضمن بیان کردم که باید دلایل دعوت را مورد نقد و بررسی قرار داد این موردی که ذکر کردید دلیل اصلی دعوت سیداحمدالحسن (ع) نمیباشد

تقطیع روایت را به صورت لغوی و اصطلاحی توضیح بدهید و برایمان روشن سازید به چه کاری تقطیع روایت گویند آیا بیان شاهد مثال، تقطیع روایت محسوب میگردد اگر اینطور باشد که شما در تقطیع روایت استاد هستید چرا که به طور مثال توقیع نائب دوم امام مهدی (ع) اسحاق بن یعقوب عمری را به صورت ناقص بیان میکنید و هیچگاه برای مردم کاملش را بیان نکردید چرا که به نفع شما نمیباشد و این تقطیع روایت محسوب میشود و از این تقطیع هایی که از جانب علماء شما صورت گرفته است زیاد است و به همین یک مثال بسنده میکنم

حالا پاسخ این شبهه کهنه را بنابر قاعده لطف پاسخ میدهم که شاید بیدار شوید

با این احادیث

اصبغ بن نباته گوید : امیر المومنین (ع) خطبه ای ایراد کرد ، پس فرمود : ... آیا در مورد مردانش و تعداد آنها برایتان بگویم ؟ گفتیم : بله یا امیر المومنین . ایشان (ع) فرمود : شنیدم که رسول الله (ص) فرمود : اولین آنها از بصره است ۱۴۲

و همچنین در روایت دیگری میبینید که:

امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) ... در خطبه ای که نام آن خطبه البیان است ، فرمود : ... بدانید که اولین آنها (اصحاب قائم) از بصره است . ۱۴۳

علاوه بر این، روایت دیگری را مشاهده میکنید که:

ابی بصیر گوید : امام صادق (ع) فرمود : قائم (ع) خروج نمی کند تا زمانی که حلقه کامل شود . گفتم : حلقه با چه تعداد کامل می شود ؟ فرمود : ده هزار نفر ، جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ او را همراهی می کنند . سپس پرچم را برمی افرازد ... رسول الله (ص) آن پرچم را در بدر برافراشت . سپس آن را پیچید و به علی (ع) داد . پس آن پرچم نزد علی (ع) بود تا روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند ... بدرستی که او خونخواهانه و و غضبناک خروج می کند و متاسفانه به علت غضب خداوند بر این مردم . پیراهنی که رسول الله (ص) در روز احد بر تن داشت را بر تن می کند و عمامه ی او سحاب نام دارد . و زره او زره کامل رسول خدا (ص) است . و شمشیر او شمشیر

142 الملاحم والفتن ابن طاروس ص ۱۴۵ نشر قدیمی و ص ۲۸۵ نشر جدید . معجم احادیث الامام المهدي (ع) ج ۳ ص ۱۰۴
143 الزام الناصب ج ۲ ص ۱۷۴ . مجمع النورین وملتقى البحرين ص ۳۳۱ . بشارة الاسلام ص ۱۴۸

رسول الله (ص) ذو الفقار است . آن شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می کند و بی ملاحظه می کشد .^{۱۴۴}

روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند اکنون پرچم آنجا است یعنی بصره

(کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند)

امام صادق (ع) فرمود : برای خداوند گنجی در طالقان است که نه طلا و نه نقره است . و پرچمی است که بعد از پیچیده شدنش هرگز برافراشته نشده است . و افرادی هستند که قلبهایشان مانند پاره های آهن است شعار آنها : یا لثارات الحسین (خوانخواهی حسین) است .^{۱۴۵}

و پرچمی است که بعد از پیچیده شدنش هرگز برافراشته نشده است) (گنجی در طالقان است)

پرچمی بوده در روز بصره و آنجا پیچیده شده و هرگز بر افراشته نمیشود و به دست قائم از بصره بلند خواهد شد

امام باقر (ع) فرمود : برای خدای تعالی گنجی در طالقان است که نه طلا است و نه نقره . بلکه دوازده هزار نفر در خراسان هستند که شعارشان : " احمد احمد " است و رهبر آنها جوانی از بنی هاشم سوار بر قاطری خاکستری رنگ است . پیشانی بندی قرمز رنگ بر پیشانی بسته است . گویی به او می نگرم که از رود فرات هم می گذرد . اگر آن را شنیدید بسوی او بشتابید حتی سینه خیز بر روی یخها .^{۱۴۶}

گنجی در طالقان است که نه طلا است و نه نقره . بلکه دوازده هزار نفر در خراسان هستند که شعارشان : " احمد احمد " است و رهبر آنها جوانی از بنی هاشم میباشد

و نیز این حدیث اثبات بصره می کند

امام باقر (ع) فرمود : ... و آن پرچم رسول الله (ص) است ... رسول الله (ص) آن پرچم را در بدر برافراشت . سپس آن را پیچید و به علی (ع) داد . پس آن پرچم نزد علی (ع) بود تا روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند ... بدرستی که او خونخواهانه و و غضبناک

144 الغيبة النعماني ص ۳۲۰ . اثبات الهداة ج ۵ ص ۱۶۸ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۷ . بشارة الاسلام ص ۱۹۰

145 بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۷

146 منتخب الانوار المضيئه ص ۳۴۳

خروج می کند و متأسفانه به علت غضب خداوند بر این مردم . پیراهنی که رسول الله (ص) در روز احد بر تن داشت را بر تن می کند و عمامه ی او سحاب نام دارد . و زره او زره کامل رسول خدا (ص) است . و شمشیر او شمشیر رسول الله (ص) ذو الفقار است . آن شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می کند و بی ملاحظه می کشد ۱۴۷.

ادامه:

و در روایت دوم که از امام صادق علیه السلام است کسانی که از بصره هستند سه نفرند و نام دومین آن ها احمد بن ملیح است، در حالی که احمد حسن، احمد بن اسماعیل است:

این شبهه هم بسیار کهنه شده و برادرانم بارها به این شبهه پاسخ کامل داده اند ولی باز میبینیم که این شبهه را برای گمراه کردن وارد میکنند در ضمن این مطلبی که بیان کردید دلایل این دعوت نمیباشد والله نمیدانم شما که گفتید دلایل را بررسی میکنم اما تا اینجا که دلایل را بررسی نکردید شاید فراموش کردید!!

در این شبهه همه میگویند چرا احمد اسم پدرشان ملیح نیست پس باطل است!!!

حالا مشخص میکنم که نام پدرشان چیست خوب توجه کنید

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط روزی باقی بماند ، حتما خداوند آن روز را طولانی گرداند ، تا این که مردی را از نسل مبعوث می کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است ، دنیا را پر از عدل می کند ، همانطور که پر از ظلم شده است ۱۴۸

این نکته ای که از روایت بالا استخراج شده است (اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

در روایت بعدی مشاهده میکنید که پیامبر خدا (ص) فرمود : ... در آن زمان قائم ظهور می کند . پس به ایشان گفته شد : نام او چیست ؟ پیامبر (ص) فرمود : اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است و او از فرزندان دخترم است ۱۴۹

147 بحار الانوار ج ۱۹ ص ۳۲۰ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۰ . الزام الناصب ج ۱ ص ۴۲۲ . مکیال المکارم ج ۱ ص ۲۲۰

148 الغیبة الطوسی ص ۱۸۰ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۴

149 الامالی الطوسی ص ۳۵۲ . كشف الغمة ج ۲ ص ۲۵ . كشف اليقين ص ۴۶۷ . غاية المرام ج ۱ ص ۳۲۰ و ج ۲ ص ۸۵ و ج ۳ ص ۲۰۲

منتخب الأثر ص ۱۵۵

این هم نکته ی مشابه ای است که از این روایت استخراج شد (اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

روایت بعدی :

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط یک شب باقی بماند ، حتما خداوند آن شب را طولانی گرداند ، تا این که مردی از اهل بیت من حکومت کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند ، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است .^{۱۵۰}

(اسم پدرش مانند اسم پدر من است) و این نکته ی روایت بالا که شاهد مثال ما میباشد

رسول الله (ص) فرمود : بدرستی که شبها و روزها از بین نمی روند ، تا این که مردی از فرزندانم از عترتم متولی امر شود که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . او شبیه ترین مردم به من از لحاظ خلقت و اخلاق است^{۱۵۱}

روایت بعدی:

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط شبی باقی بماند ، حتما خداوند آن شب را طولانی گرداند ، تا این که مردی از اهل بیت من بر این امت حکومت کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند^{۱۵۲}

روایت بعدی:

حذیفه بن الیمان گوید : رسول الله (ص) مطالبی در مورد ملاحم و سختی های آخر الزمان فرمود و سپس فرمود: ای حذیفه ، آن بلا از اهل آن زمان برداشته نمی شود تا این که آنها مأیوس و ناامید شوند و سوء ظن پیدا کنند که فرج و گشایشی برایشان حاصل نمی شود . در آن هنگام خداوند مردی را از پاکترین عترتم و نیکوترین فرزندانم مبعوث می کند که عادل و پر برکت و پاک است که حتی ذره ای (از حق یا باطل) را فروگذار نمی کند. خداوند به وسیله ی او دین و قرآن و اسلام و اهلش را عزت می بخشد . و به وسیله ی او شرک و اهلش را خوار و ذلیل می گرداند ... خداوند به وسیله ی او تمام بدعت ها را از بین می برد و به وسیله ی او تمام فتنه ها را پایان می دهد . خداوند به وسیله ی او تمام باب ها و درب های حق را می گشاید و به بوسیله ی او تمام باب ها و درب های باطل را می بندد ... حذیفه گوید : گفتم : این بنده ای که خداوند او را برای امت و فرزندان شما انتخاب کرده است ، برای ما نام ببرید . پس رسول الله (ص) فرمود :

150 الملاحم والفتن ص ۲۹۷ . غایة المرام ج ۷ ص ۱۰۵ . مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۴۰

151 شرح الاخبار ج ۳ ص ۳۸۶

152 الملاحم والفتن ص ۲۹۷ . کشف الغمة ج ۳ ص ۲۷۴ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۴ . شرح احقاق الحق ج ۲۹ ص ۱۴۲ .

اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . حتی اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند ، خداوند مقدار آن روز را چنان قرار دهد که تمام آنچه که ذکر کردم در آن انجام شود .^{۱۵۳}

نکته در این روایت (اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

روایت بعدی:

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند ، خداوند آن روز را حتما طولانی می گرداند تا مردی حکومت کند که اسم او مانند اسم من و خُلُق او مانند خُلُق من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند ، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است .^{۱۵۴}

روایت بعدی را مشاهده کنید و تا اینجا تمامی نکات و شاهد مثال ها را مشاهده کردید

پیامبر خدا (ص) فرمود : مهدی اسمش مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است^{۱۵۵}

این روایت هم بخوبی نگاه کنید و اما اسم پدر پیامبر(ص) که موضوع ما میباشد

رسول الله (ص) فرمود : من پسر دو ذبیح هستم یعنی اسماعیل و عبد الله فرزند عبد المطلب .^{۱۵۶}

و در روایت بعدی:

حسین بن علی بن فضال گوید : از امام رضا (ع) معنی سخن پیامبر (ص) را پرسیدم فرمودند: من پسر دو ذبیح هستم ، را پرسیدم . فرمود : اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل (ع) و عبد الله فرزند عبد المطلب .^{۱۵۷}

و در روایت بعدی مشاهده میکنید که

وقول النبی صلی الله علیه وآله : أنا ابن الذبیحین .^{۱۵۸}

و حالا یک نتیجه گیری برای روشن شدن مطلب گرچه که مطالب به خودی خود روشن و واضح هستند

پس اسم مهدی در آخرالزمان احمد است و از بصره میاید و نام پدرشان همانم پدر پیامبر (ص) یعنی عبدالله یا همان اسماعیل است و حالا فقط یک بحث میماند آن هم لفظ ابن ملیح است حالا کاری با اعراب نحوی این لغت ندارم چرا که اعراب را آل محمد (ص) نگذاشته اند و تا اینجا «ملیح» متشابه شد به دلیل اینکه با

153 الملاحم والفتن ص ۲۶۴

154 الملاحم والفتن ص ۲۷۶

155 الملاحم والفتن ص ۱۵۶

156 تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۲۶

157 ج ۲ ص ۱۸۹ (عیون اخبار الرضا

158 الخصال: ۵۸)

محکّمات موافق نمی باشد چرا که «ملیح» اسم پدر رسول الله نبوده پس در نتیجه «ملیح» متشابه است و احتمال دارد که این لفظ صفتی برای پدر سیداحمدالحسن(ع) باشد

طبق این کلام سید احمدالحسن (ع)

بالنسبة لوالدی منذ أن انتبهت فی هذه الدنيا إلى أن توفي رحمه الله لم أجد قد رفع صوته مع أحد أبداً، وكان كريماً عابداً ذا خلقٍ كريم، يشهد له بذلك كل من عرفه، حتى والله إني لم أر إنساناً بمستوى أخلاقه اللهم إلا ما قرأته عن أخلاق محمد وآل محمد ع والأنبياء والأوصياء¹⁵⁹

در این صورت دو وجه داریم:

وجه اول: یا احمد و ملیح است که در این صورت هیچ شبهه ای باقی نمیماند

وجه دوم یا احمد بن ملیح است که در این صورت دو حالت دارد: یا باید بگوییم ابن ملیح مخالف احادیث قطعی هست و بهش عمل نمی شود یعنی فقط به این قسمت از حدیث "بن ملیح" نه تمام حدیث یا اینکه متشابه است و اسم احمد و مکانش از بصره است قطعی میباشد اما بن ملیح یا تک روایت (آحاد) است و مخالف قطعی میباشد و یا اینکه متشابه است و صفت پدر سید احمدالحسن (ع) میباشد بنابراین تعریفاتی که سید احمدالحسن (ع) از پدر بزرگوارشان داشته اند

در پاسخ این سخن مضحک، به همین نکته بسنده می کنیم که این روایت و امثال از دلایل حقانیت احمد حسن است و او می کوشد با ارائه این روایات، حقانیت خویش را اثبات کند. بنابراین بدون اثبات صحت این ادله و امثال آن نمی توان از وصایت او سخن گفت.

برادر عزیز آقای آیتی لطفاً بگوید در کجای ادله ی سید احمدالحسن (ع) وجود دارد که شما بیان کرده اید؟

آیا تا به حال ادله ی ایشان را شنیده اید؟

دلایل سید احمدالحسن (ع) قانون معرفت حجت است نه این مطلبی که شما گفتید

¹⁵⁹ مع العبد الصالح ج ۱ ص ۷۹

طرف داران احمد حسن استخاره را یکی از دلایل حقانیت وی می دانند و مدعی اند هر کس در حقانیت وی تردید دارد می تواند با قرآن استخاره کرده و از این راه به حقانیت او پی ببرد. آن ها در این باره متنی را از کتاب الغیة شیخ طوسی می آورند و می نویسند:

اما آیا با استخاره به قرآن می توان حجت الهی را شناخت و آیا این موضوع در روایات اهل بیت علیهم السلام سابقه ای دارد؟ علی بن معاذ گفت: من به صفوان بن یحیی - از بزرگان صحابه امام موسی کاظم علیه السلام - گفتم: چگونه بر امامت علی (امام رضا علیه السلام) یقین پیدا کردی؟ گفت: نماز خواندم و دعا کردم و استخاره نمودم و یقین یافتم. (انصار امام مهدی، بی تا: ۵۳)

دوباره تکرار میکنم که استخاره دلیل نمیباشد بلکه مؤید قلبی از طرف ملکوت آسمان هاست شما که ایمان به استخاره ندارید نیازی نیست در این مورد صحبت کنید این صحبت شما ثابت میکند که شما هیچ اعتقادی به هدایت خداوند و طلب خیر از خدا ندارید و حالا پاسخ شبهه

در حدیثی از امام صادق (ع) که می فرمایند: استخاره را همانگونه که سوره های قرآن را یاد می گرفتیم استخاره را همانگونه یاد می گرفتیم. و برای من فرقی نمی کرد اگر استخاره گرفتیم بر چه وجهی قرار می گرفت ۱۶۰

سوال بنده اینجاست چرا حضرت استخاره میگرفت قطعا با این تفاضیل اگر در زمان حضرت بودید او را نفی میکردید و میگفتید که امام معصوم است و نیازی به استخاره ندارد!!

و نیز می فرمایند: هر کس استخاره خدا را قبول کند و به آن راضی به آنچه خدا برای او خواسته باشد. خداوند برای او خیر خواهد ۱۶۱

در این حدیث هم امر واضح است مشاهده میکنید که حضرت میفرماید خوند برای او خیر می خواهد پس فرد استخاره میگیرد و خیر خداوند را دریافت میکند و به آن عمل میگردد

آیا تا به حال این روایات آل محمد (ص) را دیده ای؟!

و همچنین در مورد سید احمد الحسن (ع) امر به استخاره در روایات وارد شده است. که درباره وی استخاره کنید

امام علی (ع) می فرمایند: اگر در مورد وی متحیر شدید با قرآن در مورد حقانیت استخاره بگیرید و نیز صفوان شتربان حقانیت امام رضا (ع) را پس از تکذیب از علمای وقت با استخاره با قرآن شناخت ۱۶۲

160 وسائل الشیعة ج ۱ ص ۶۷ / بحار الأنوار ص ۲۲۵ ج ۸۸ / فتح الأبواب ص ۱۵۹
161 وسائل الشیعة ج ۱ ص ۶۳ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۸۰ / الکافی ص ۲۴۱ ج ۸ / بحار الأنوار ص ۲۵۶ ج ۸۸ .

حضرت در این کلام خود میگوید که اگر درباره ی او متحیر شدید با قران در مورد حقانیت استخاره بگیرید پس اینجا روشن می شود که استخاره دلیل اصلی نمیباشد و دلایل اصلی همان دلایل قانون معرفت حجت میباشد که تاکنون نصرت الله آیتی به آن نپرداخته است

خداوند در قران کریم این امر را محکم کرده است آیاتی را ذکر میکنم به همراه تفاسیر تا حقیقت روشن گردد

فَإِنْ تَنَارَغْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است

در تفسیر این آیه آمده است از امام صادق (ع) که فرمودند منظور از این آیه یعنی اینکه: بپهدی یعنی فرا میخواند^{۱۶۳}

و باز هم از امام صادق (ع) آمده است درباره ی آیه « إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ » فرمودند یعنی به سوی امام هدایت میکند.^{۱۶۴}

یا از امام باقر (ع) در داریم که میفرماید: یعنی به سوی ولایت دعوت میکند^{۱۶۵}

قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ

« بگو : شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ تر است ؟ بگو : خدا میان من و شما، شهادت می دهد و این قرآن بر من وحی شده است تا شما را و هر کس راکه به او برسد بیم دهد آیا شهادت می دهید که با الله خدایان دیگری هم هستند ؟ بگو : من شهادت نمی دهم بگو : جز این نیست که او خدایی است یکتا و از آنچه با او شریک می سازید بیزارم»

گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخش ترین گواهیها

قل أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً

جواز کاربرد «شیء» در مورد خداوند

162 در غیبت نعمانی ص ۲۲۲

163 کافی ج ۵ ص ۱۳ ح ۱

164 کافی ج ۱ ص ۱۶۹ ح ۲۵

165 (تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۰۶ ح ۲۵)

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله

گواه طلبی مشرکان از پیامبر (ص) در تأیید رسالت آن حضرت

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشركين ... قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انداز دهنده کسی که به معارف آن است یابد

و از امام باقر(ع) در مورد این سخن خدای تبارک و تعالی: ((قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ

بَيْنَكُمْ)) فرمود: از این رو است که مشرکان اهل مکه گفتند: ای محمد! خدا پیامبر دیگری غیر از تو نیافته

است که بفرستد؟ ما کسی را نمی بینیم که گفته های تو را باور کند این امر در آغاز دعوت آن حضرت اتفاق

افتاده است در حالی که ایشان در آن هنگام در مکه بودند گفتند: ما از یهودیان و مسیحیان در مورد تو

سوال کردیم و آنان ادعا کردند که تو در کتاب های آنان ذکر نشده ای، پس کسی را بیاور که شهادت دهد تو

رسول خدایی رسول خدا سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، حضرت فرمود: خدا بین من و شما گواه

است ۱۶۶

"قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ"

کسانی که کافر شدند می گویند تو فرستاده خدا نیستی، بگو خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست برای

گواهی میان من و شما بس است ۱۶۷

برید بن معاویه روایت میکند که به امام باقر(ع) عرض کردم: مفهوم ((كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ

عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ))

برید بن معاویه روایت میکند که به امام باقر(ع) عرض کردم: مفهوم ((كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ

عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)) چیست؟ فرمود: مقصود از آن ما هستیم و علی (ع) اولین ماست و برترین و بهترین ما

بعد از پیامبر(ص) است. ۱۶۸

166 تفسیر قمی ج ۱، ص ۲۰۲) و هر کسی خواهان مطالب و تفاسیری در این ایه است میتواند به کتاب توحید ج ۸ ص ۱۲ و همچنین کتاب اصول کافی ج ۱ ص ۳۴۴ حدیث ۲۱ و همچنین به کتاب علل الشرایع ص ۱۵۲ باب ۱۰۵ مراجع کند تا حق برایش روشن گردد)

167 سوره رعد آیه ۴۳)

168 (کافی ج ۱ ص ۱۷۹ ح ۶

و دیگر روایاتی که در این زمینه موجود است و این امر را واضح میکند که قرآن به امام دعوت میکند از طریقی که شما از خداوند سوال کنید و خداوند در قرآنش برای شما روشن میکند

برای کامل شدن بحث یک روایت ذکر میکنم و امر را واگذار میکنم به خودتان تا تامل کنید و حقیقت را پیدا کنید

سلیمان بن بلال گوید: امام صادق علیه السلام از پدر خود و او از پدر خویش و او از حسین بن علی علیهم السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان ما را از مهدی خود آگاه کنید، پس آن حضرت فرمود: هنگامی که رفتنی‌ها بروند و منقرض شوند و مؤمنان اندک شوند و آشوبگران از میان بروند پس همان وقت همان وقت است، آن مرد عرض کرد: ای امیر مؤمنان این مرد از کدام قوم است؟ فرمود: از بنی هاشم از بلند مقام‌ترین طوائف عرب است و از دریائی که از هر سو آنها بر آن سرازیر است، اما نگاهی که پناهگاه پناهجویان است و معدن زلال آن است بدان گاه که همه تیره و ناصفا شوند، هنگامی که مرگ شبیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ روی نماید سستی و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و زور آوری آنجا که دلیران پشتشان به خاک آید، عقب‌نشینی نکند، دامن همت به کمر زده و پر جمعیت و پیروزمند و شیر بیشه شجاعت باشد که ریشه‌کن کننده ستمگران، پشتوانه‌ای استوار و مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا باشد، سالار و پرخیری است که بزرگ‌شده خاندان جلالت و شرف است و ریشه‌مجد و بزرگواریش در اصیل‌ترین ریشه‌ها باشد، پس تو را هیچ موجب انصرافی - آن کسی که به سوی هر فتنه‌ای شتابان بگریزد و آن کس که اگر سخن بگوید بدترین سخنگو است و اگر خاموش نشیند خباثت‌ها و فسادها در اندرون دارد - از بیعتش منصرف نکند.

سپس آن حضرت به توصیف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزونتر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید، پروردگارا برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز، پس اگر خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویش راه یافتی از او در مگذر، (پس از این سخنها) آه برآورد - و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود - و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم^{۱۶۹}

و در ادامه:

در این گزارش فقط سرزنش کسی است که [در امر اعتقادات] تقلید کرده است. تازه گر هم این عمل صحیح باشد هیچ دلیل و حجتی برای دیگران نیست. علاوه بر این که این مطلب از کسی ذکر شده است (صفوان بن یحیی) که به سبب فضل و زهدش مقام و منزلتی فوق این گونه نسبت ها دارد. بنابراین چطور برای او درست است که در مسئله ای علمی به مخالف بگوید که به خاطر استخاره به امامت ایشان معتقد شدم، مگر این که بگوییم وی معتقد بوده که شخص سؤال کننده در درجه ای زبلاحت و نادانی است که ابله‌اش موجب خروج از دایره تکلیف شده: اگر چنین باشد معارضه و بحث ساقط است. (طوسی، ۱۴۱۱ - الف: ۶۲)

دوباره تکرار میکنم که استخاره دلیل نمیباشد بلکه مؤید بحث دعوت است و شیخ طوسی (ره) صحیح میفرماید: در امر اعتقادات نباید تقلید کرد اما شما این را میگوید که باید از مراجع تقلید کرد و شیخ اذعان دارد اینکه صفوان بن یحیی به وسیله ی علم قطعی و یقینی به امام (ع) ایمان آورده است و در اون لحظه که صفوان بن یحیی داره محاجه میکند با فرد ابله ای که ایمان به استخاره دارد ولی ایمان نمی آورد پس در نتیجه صفوان برای مفتضح کردن آن شخص دلیلی از جانب خود آن شخص می آورد که آن همان استخاره است

ولی اگر میخواهید بدانید سید احمدالحسن (ع) حق است یا نه از خداوند سوال کنید والله که پاسختان را خواهد داد

از امام صادق (ع) سوال شد: گرامی ترین بندگان در نزد خداوند متعال کیست؟ حضرت فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا بوده و بیشتر از همه مطیع او باشد. سوال شد: پس مبعوض ترین و منفورترین بندگان نزد خداوند کیست؟ آن حضرت فرمود: کسی که خدا را متهم میکند! راوی سوال کرد: آیا امکان دارد کسی خدای خود را متهم کند؟ امام فرمود: بله کسی که استخاره کرده و آنچه خیرش بوده پیش آمده ولی او اکراه دارد از آنچه پیش آمده و از نتیجه ی استخاره عصبانی و غضبناک است، این چنین فردی است که خدای خود را متهم میکند.^{۱۷۰}

و در روایت دیگری که امام صادق (ع) میفرمایند: هر کس استخاره ب خدا را قبول کند و به آنچه خدا برای او خواسته است، راضی شود، البته که خداوند برای او خیر خواهد داد^{۱۷۱}

ادامه:

170 وسائل الشیعه ج ۸ ص ۸۰
171 وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۳، ووسائل الشیعه ج ۷ ص ۸۰، الکافی ص ۲۴۱ ج ۸۱، بحار الانوار ج ۸۸ ص ۲۵۶

ناتوانی در فهم معنای حدیث

قال موسى بن جعفر عليه السلام... وكل قائم من ولده من بعده مهدي قد هداهم الله عز وجل ذكره، وهدى بهم عبادة إليه سبحانه، فهم الأئمة المهديون والعباد الصالحون الذين ذكرهم الله في كتابه أنه يورثهم الأرض وهو لا يخلف الميعاد. (مغربي، ١٤١٤: ج ٣، ٣٦٤ - ٣٦٥)

طرفداران احمد حسن مدعی هستند بنابر فرمایش امام موسی بن جعفر عليه السلام امام مهدی عليه السلام فرزندانی دارد که مهدی هستند و در نتیجه، این روایت از جمله دلایلی است که اندیشه وجود مهدی‌هایی از نسل امام مهدی عليه السلام را تأیید می‌کند.

بعد از اثبات کردن سید احمدالحسن (ع) با قانون معرفت حجت پی میبریم که ایشان یکی از حجت های الهی است پس میتواند معنای روایات را متوجه شود اما سوال اینجاست علما با چه نص و دلیلی روایات و آیات قران را تفسیر کرده اند؟ و سوال بعدی که صادر میگردد این است شما از کجا فهمیدید تفسیر این روایتی که از جانب دعوت مبارک بیان شده اشتباه است و با چه دلیلی تفسیر به رأی خود را ثابت میکنید؟

حالا پاسخ به شبهه ای که وارد کردید

در این روایت که مشاهده میکنید امام (ع) اذعان میکند که بعد از امام مهدی (ع) فرزندانی که از نسل حضرت هستند می آیند که همگی مهدی(هدایت کننده) هستند و علاوه بر این روایت، دلایل دیگری از ثقلین در اثبات ذریه امام مهدی (ع) وجود دارد

روایات بسیاری در مورد مهدیین وجود دارد اما می خواهیم در مورد این موضوع نیز روایاتی را ذکر کنیم که بر وجود مهدیین و ذریه برای امام مهدی (ع) دلالت می کند. پس خوب دقت کنید

دلیل اول : ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی و اولین امامان تو هستی که: شیخ طوسی در کتاب خود (غیبه الطوسی) ص ٣٠٠ گفته است ؛ ، جماعتی به ما خبر داده اند ، از حسین بن علی بن سفیان البزوفری ، از علی بن سنان الموصلی العدل ، از علی بن الحسین ، از احمد بن محمد بن خلیل ، از جعفر بن احمد مصری ، از عمویش حسن بن علی ، از پدرش ، از امام جعفر صادق (ع) ، از امام باقر (ع) ، از امام سجاد (ع) ، از امام حسین (ع) ، از امیر مومنان علی (ع) فرمودند : در شب وفات رسول خدا (ص) به من فرمودند : { ای ابو الحسن قلم و صحیفه ای بیاور و رسول خدا (ص) شروع به املا کردن وصیت و امام علی (ع) آن را با دست خود می نوشت تا به این موضوع از وصیت رسید و فرمودند (ص) : خداوند در آسمان تو

را با این نامها ؛ علی مرتضی ، و امیرمومنان ، صدیق بزرگ ، فاروق اعظم ، مأمون و مهدی قرار داده است . و این اَسْمَاء مخصوص تو است و کسی جز تو ادعای آن را نخواهد کرد . ای علی تو وصی من بر اهل بیتم هم زنده و مرده ی آنها هستی و نیز بر زنانم : که هر یک از آنها از تو پیروی کرد مرا در آخرت خواهد دید و هر یک از آنها از تو پیروی نکرد مرا در عرصه ی قیامت نخواهد دید و من او را نیز نخواهم دید . و تو خلیفه و جانشین بعد از من بر اُمتم هستی . و اگر وفاتت رسید آن را به فرزندم حسن (ع) و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندم حسین شهید مقتول و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش سید عابدان علی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد باقر و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش جعفر صادق و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش موسی کاظم و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی رضا و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد تقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی نقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش حسن عسکری و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد مستحفظ از آل محمدتسلیم کند . و آنها دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی می باشد (و اگر وفاتش رسید) آن را به فرزندش اولین مقربین که سه اسم دارد اسمی همانند اسم من و پدرم و او احمد و عبدالله و اسم سوم او مهدی می باشد تسلیم کند و او اولین مومنان است.

دلیل دوم: الفضل بن شاذان، از معمر بن خلاد، از اَبی الحسن، نقل می کند که حضرت فرمودند: گویا می بینم درفش های سبز رنگی از سوی مصر برافراشته شده و بسوی شامات رفته و به فرزندِ صاحبِ وصایا هدایت می شوند". تعلیق شیخ ناظم عقیلی: دلیل این روایت بسیار واضح و آشکار است که قبل از قیام قائم، درفش ها به فرزند صاحب وصایا هدایت می شوند و صاحب وصایا همان وارث ائمه معصومین (ع) و خاتم اوصیا است که وصیت به دست ایشان (ع) رسیده و او محمد بن حسن عسگری (ع) است که مستحفظ از آل محمد (ع) می باشند و روایت می گویند که درفش ها به فرزند صاحب وصیت یعنی بسوی سیداحمدالحسن (ع) فرزند امام مهدی (ع) هدایت می شوند یعنی باایشان بیعت می کنند^{۱۷۲}

دلیل سوم: عبد الله بن محمد بن خالد الکوفی، از منذر بن محمد بن قابوس، از نصر بن السندی، از اَبی داود سلیمان بن سفیان المسترق، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الحارث بن المغیره، از الأصبغ بن نباتة. و سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب، از الحسن بن علی بن فضال، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الأصبغ بن نباتة روایت می کنند که اصبغ گفته است: روزی بسوی امیرالمومنین (ع) آمدم ایشان را دیدم که به خاک زمین خیره شده بود، گفتم: یا امیرالمومنین چه شده شما را مشغول تفکر می بینم آیا به زمین مشتاق شده اید؟ فرمودند: خیر به خدا سوگند که لحظه ای به آن مشتاق نیستم اما به مولودی می اندیشم که در آخرالزمان می آید، او از نسل فرزند یازدهم من می باشد، او همین مهدی است

172 الإرشاد - الشيخ المفید ج ۲ ص ۳۷۶، بشارة الإسلام ص ۱۰۸، كشف الغمة - ابن أبي الفتح الاربلي ج ۳ ص ۲۵۹

که زمین را پراز قسط عدل می کند همانطور که پراز ظلم وستم گشته برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه و اندکی هدایت می شوند. گفتم ای مولای من غیبت و حیرت او چه قدر طول می کشد؟ فرمودند: شش روز، شش ماه و یا شش سال. گفتم: آیا این امر از حتمیات است؟ فرمودند: آری انقدر حتمی است که گویا صاحب آن، اکنون آفریده شده. ای اصبح آنان برگزیدگان این امت و همراه نیکان این عترت هستند. گفتم: بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمودند: هرچه خداوند اراده کند، انجام می دهد زیرا تمام غایات و نهایات و اراده ها از آن اوست^{۱۷۳}

و این روایت را نمی توان به امام مهدی (ع) منطبق ساخت زیرا مخصوص فرزند یازدهم از نسل امام علی (ع) می باشد و فرزند یازدهم امام علی (ع) می باشد و همچنین برای او غیبتی است که شش روز یا شش ماه و یا شش سال طول می کشد و این غیبت نمی تواند غیبت امام مهدی (ع) زیرا امام مهدی (ع) تنها دو غیبت دارند که غیبت اول ۶۹ سال و دومین غیبت بیش از هزار و صد سال است، برخی ها با اضافه کردن حرف "ی" به کلمه "ی" "ظهر" یعنی نسل می خواستند این معنی را القا کنند که حضرت فرمودند از نسل فرزند یازدهم من تا اینکه این روایت را به امام مهدی (ع) اختصاص دهند و این کار معاندان این زمان است اما برخی از علما روایت را به حال خود ترک کردند و به آن دست نزدند زیرا می دانستند که کلام اهل بیت (ع) صعب، مستصعب می باشد و امکان فهمیدن آن برایشان وجود نداشته پس آن را رها کردند اما آن مهدی که امام علی (ع) از ایشان سخن فرمودند در آخرالزمان می آید و برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه می شوند همانطور که در روایت دیگر آمده است: "محمد بن مسعود، از نصر بن الصباح، از جعفر بن سهیل، از ابو عبد الله أخو أبی علی الکابلی، از القابوسی، از نصر بن - السندی، از الخلیل بن عمرو، از علی بن الحسین الفزاری، از إبراهیم بن عطیة، از أم هانئ الثقفیة، می گوید: (بسوی مولایم محمد بن علی الباقر الْجَوَارِ الْكُنْسِ) بر من (علیهما السلام) رفتم و گفتم: ای مولای من آیه ای از قول پروردگار (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنْسِ) عرضه شد که باعث پریشان حالی و بی خوابی من شده است. فرمودند: ای ام هانی بپرس، در مورد مولودی در آخرالزمان است او مهدی از این عترت می باشد که برای او حیرت و غیبتی است که اقوام در آن گمراه شده و اندکی هدایت می یابند، پس خوشا بحال تو که آن رادرك کردی و خوشابه حال کسی که آن رادرك کند^{۱۷۴}

دلیل چهارم: أحمد بن إدريس، از علی بن محمد، از الفضل بن شاذان، از عبد الله بن جبلة، از عبد الله بن المستنیر، از المفضل بن عمر می گوید: از ابا عبد الله شنیدم که فرمودند: برای صاحب این امر دو غیبت است،

173 الغيبة - الشيخ الطوسي ص ۱۶۴ - ۱۶۶، و ص ۳۳۶
174 کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق ص ۳۳۰

یکی از آنها آنقدر طول می کشد که برخی می گویند: مرده و برخی می گویند: کشته شده و برخی می گویند: رفته.. تا آنجا که کسی از اصحابش باقی نمی ماند و هیچ کس از موضع ایشان اطلاعی ندارد جز فرزند و مولی که عهده دار امر او می شود "۱۷۵.

دلیل پنجم: ابن غسان، یاسناد، از علی نقل میکنند که حضرت فرمودند: "از ما دو مرد خروج می کند که یکی از دیگری است، به یکی از آنان مهدی و به دیگری مرضی گفته می شود".^{۱۷۶}

دلیل ششم: آنچه در متون روایت آمده "از النبی، در ذکر المهدی، و نیز خیرات و فتوحاتی که خداوند به دست او می دهد، نقل شده که گفته شد: یا رسول الله همه ی این امور را خداوند برای ایشان مهیا می کند؟ فرمودند: آری و هرکس در حیات و ایام ایشان نباشد در ایام ائمه بعد از ایشان از ذریه ی ایشان کائن است".^{۱۷۷}

دلیل هفتم: أحمد بن علی الرازی، از ابي الحسين محمد بن جعفر الأسدی، از الحسين بن محمد بن عامر الأشعری القمی، از یعقوب بن یوسف الضراب الغسانی - در أصفهان - فی حدیثی طولانی می گوید: در سال ۱۸۱ همراه قومی مخالف از بلادمان بسوی حج رفتیم پس هنگامی که به مکه رسیدیم، برخی از آنان برایمان اتاق (خانه ای) در کوچه بین بازار شب کرایه گرفتند و آن اتاق (خانه) خدیجه (ع) بود که خانه ی رضا (ع) گذاشته شده، در آن پیرزنی گندمگونه بود پس از او پرسیدم: از آنجا که نام این خانه، خانه ی الرضا(ع) است از اهل بیت این خانه می باشی؟ و چرا این خانه را به خانه ی الرضا نام گذاشتی؟ گفت: من از دوستداران آنان هستم و این خانه ی علی بن موسی الرضا(ع) است که حسن بن علی (ع) آن به من دادند و این خانه واسطه ی بین شیعه و امام عصر(ع) بود - داستان طولانی گشت- و در آخر ذکر کرد که حضرت (ع) نامه ای برای او فرستادند که در آن نوشته، هرگاه خواستی بر رسول الله و باقی ائمه (ع) صلوات بفرستی اینگونه بفرست: (بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل علی محمد سید المرسلین، وخاتم النبیین، و حجة رب العالمین، المنتجب فی الميثاق، المصطفى فی الظلال، المطهر من كل آفة، البريء من كل عيب، المؤمن اللهم أعطه فی نفسه وذریته و شیعتہ و رعیتہ (للنجاه، المرتجی للشفاعة، المفوض إليه دین الله).....) إلى قوله وخاصة وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسره به نفسه، وبلغه أفضل أملة فی الدنيا والآخرة، اللهم صل علی محمد المصطفى، وعلی المرتضى، وفاطمة الزهراء، (و) (إنك علی كل شیء قدير.....) إلى قوله الحسن الرضا، والحسين المصطفى، وجميع الأوصياء مصابيح الدجی، وأعلام الهدی، و منار التقی، والعروة

175 الغيبة - الشيخ الطوسي ص ۱۶۱ - ۱۶۲

176 شرح الأخبار - القاضي النعمان المغربي ج ۳ ص ۳۹۳

177 شرح الأخبار - القاضي النعمان المغربي ج ۲ ص ۴۲

الوثقى، والحبل المتين، والصراط المستقيم، وصل على وليك وولادة عهده، والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم، (وأزد في آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم [دينياً]، دنيا وآخره إنك على كل شيء قدير^{١٧٨}).

دليل هشتم : از امام رضا(ع) برای صاحب امر :يونس بن عبدالرحمن می گوید: امام رضا (ع) فرمودند: در هنگام دعا برای صاحب امر بگوئید: (اللهم اذفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر فرمودند:) اللهم أعطه في نفسه وأهله ووَلَدِهِ وذريته وأُمَّته وجميع رعيته ما تقر به عينه عنك (... تا آنجا که وتسر به نفسه (...تا آنجا که فرمودند:) اللهم صل على ولاة عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم، وزد في آجالهم، وأعز نصرهم، وتمم لهم ما أسندت إليهم من أمرك لهم، وثبت دعائمهم، واجعلنا لهم أعواناً، وعلى دينك أنصاراً، فإنهم معادن كلماتك، وخزان علمك، وأركان توحيدك، ودعائم دينك، وولادة أمرك، وخالصتك من عبادك، وصفوتك من خلقك، وأولياؤك وسلائل أولياؤك، وصفوة أولاد نبيك، والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته). أبي عمرو بن سعيد العمري (رضى الله عنه از جماعتي از أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري می گویند که أبا علي محمد بن هماماز این دعا خبر میدهد و ذکر می کند که: الشيخ أبا عمرو العمري (قدس الله روحه) آن را براو املا کرده و او را امر کرده که آن را بخواند و این دعا بر فرزند امام مهدی (ع) و نیز ذریه ی بعداز ایشان دلالت می کند^{١٧٩}

دلیل نهم :العلامة المجلسي در یکی از زیارات امام مهدی می فرمایند:نماز زیارت رابخوان و هنگامی که فارغ شدی برای تکمیل آن بگو : اللهم صلّ على محمد وأهل بيته، الهادين المهديين، العلماء الصادقين الأوصياء المرضيين، دعائم دينك، وأركان توحيدك، وتراجمه وحيك، وحججك على خلقك، وخلفائك في أرضك، فهم الذين اخترتهم لنفسك، واصطفيتهم على عبادك، وارفضيتهم لدينك، وخصصتهم بمعرفتك، وجللتهم بكرامتك، وغذيتهم بحكمتك، وغشيتهم برحمتك، وزينتهم بنعمتك، وألبستهم من نورك ورفعتهم في ملكوتك، وحففتهم بملائكتك، وشرفتهم بنبيك. اللهم صلّ على محمد وعليهم صلاة زاكية نامية، كثيرة طيبة دائمة، لا يحيط بها إلا أنت، ولا يسعها إلا علمك، ولا يحصيها أحد غيرك. اللهم صلّ على وليك المحيي لسنتك، القائم بأمرك، الداعي إليك، الدليل عليك، وحجتك على خلقك، وخليفتك في أرضك، وشاهدك على عبادك. اللهم أعز نصره، وامدد في عمره، وزين الأرض بطول بقائه، اللهم اكفه بغى الحاسدين، وأعذه من شر الكائدين، وازجر عنه إرادة الظالمين، وخلصه من أيدي الجبارين، اللهم أعطه في نفسه وذريته، وشيعته

178 الغيبة - الشيخ الطوسي ص ٢٧٣ - ٢٨٠، وفي مصباح المتهدج - للشيخ الطوسي ص ٤٠٦ - ٤٠٩، وجمال الأسبوع - للسيد ابن طاووس ص ٣٠٤ - ٣٠٦، وإلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب - للشيخ علي اليزدي الحائري ج ١ ص ٣٣١ - ٣٣٣، البحار ج ٥٢ ص ٢٢ و ج ٩١ ص ٨٣، مفاتيح الجنان - أعمال يوم الجمعة ص ٨٣ - ٨٥
179 مصباح المتهدج - الشيخ الطوسي ص ٤٠٩ - ٤١١، المصباح - للكفعمي ص ٥٤٨ - ٥٥٠، مفاتيح الجنان ص ٦١٦ - ٦١٨، معجم أحاديث الإمام المهدي - الشيخ الكوراني ج ٤ ص ١٧٢ - ١٧٣: دعای روایت شده

ورعيته، وخاصته وعامته، ومن جميع أهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسره به نفسه، وبلغه أفضل أماله في الدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير. ثم ادع الله بما أحببت^{١٨٠}

دلیل دهم: امام جواد میفرماید: هنگامی که از نماز فارغ شدی بگو: رضیت بالله رباً، وبالإسلام ديناً، وبالقرآن كتاباً، وبمحمد نبياً، وبعلي ولياً، والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي ابن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد، والحسن بن علي، والحجة بن الحسن بن عليّ أئمة، اللهم وليك الحجة فاحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته، وامدد له في عمره، واجعله القائم بأمرك، المنتصر لدينك وأره ما يحب وتقر به عينه في نفسه وفي ذريته وأهله وماله وفي شيعته وفي عدوه، وأرهم منه ما يحذرون، وأره فيهم ما يحب وتقر به عينه، واشف به صدورنا وصدور قوم مؤمنين^{١٨١}.

دلیل یازدهم: (السلام عليك يا حجة الله في أرضه، السلام عليك يا عين الله في خلقه، السلام عليك يا نور الله الذي يهتدى به المهتدون ويفرج به عن المؤمنين، السلام عليك أيها المهدب الخائف، السلام عليك أيها الولي الناصح، السلام عليك يا سفينة النجاة، السلام عليك يا عين الحياة، السلام عليك صلى الله عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين، السلام عليك عجل الله لك ما وعدك من النصر وظهور الأمر، السلام عليك يا مولاي أنا مولاك عارف بأولك وأخراك، أتقرب إلى الله بك وبآل بيتك، وانتظر ظهورك وظهور الحق على يديك، واسأل الله أن يصلي على محمد وآل محمد وأن يجعلني من المنتظرين لك والتابعين والناصرين لك على أعدائك والمستشهادين بين يديك في جملة أوليائك، يا مولاي يا صاحب الزمان صلوات الله عليك وعلى آل بيتك، هذا يوم الجمعة وهو يومك المتوقع فيه ظهورك والفرج فيه للمؤمنين على يديك وقتل الكافرين بسيفك، وأنا يا مولاي فيه ضيفك وجارك، وأنت يا مولاي كريم من أولاد الكرام ومأمور بالضيافة والإجارة، فأضفني وأجرني، صلوات الله عليك وعلى أهل بيتك الطاهرين^{١٨٢})

دلیل دوازدهم: وهذه الزيارة في خلال أدعية عرفة: از جمله دعاهاى روز عرفه كه با استناد از أبى محمد هارون بن موسى التلعكبرى، با استناد از إياس بن الأكوخ، از پدرش، از أبى عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليهما السلام)، مى گوید: از حضرت شنیدمكه در روز عرفه دعایی مى خواند پس آن را نوشتم، در آن دعا كرده كه در هنگام زوال خورشید روز عرفه بعداز نماز ظهر وعصر، بگوئيد: (... تا انجا كه فرمودند): السلام عليك يا مولاي يا أبا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان، صلى الله عليك وعلى عترتك الطاهرة الطيبة. يا موالى كونوا شفعاى فى حط وزرى وخطاياى، أمنت بالله وبما أنزل إليكم، وأتوالى آخركم بما أتوالى به أولكم، وبرئت

180 البحار - العلامة المجلسي ج ٩٩ ص ١٠٠ - ١٠١

181 من لا يحضره الفقيه - الشيخ الصدوق ج ١ ص ٣٢٧، الكافي - الشيخ الكليني ج ٢ ص ٥٤٨

182 جمال الأسبوع - السيد ابن طاووس ص ٤١ - ٤٢، مفاتيح الجنان ص ٩٢ زيارة الإمام المهدي در روز الجمعة، ضياء الصالحين ص ٣٥٨

من الجبت والطاغوت واللات والعزى. يا مولاي، أنا سلم لمن سالمكم، وحرب لمن حاربكم، وعدو لمن عاداكم، وولى لمن والاكم إلى يوم القيامة، ولعن الله ظالميكم وغاصبيكم، ولعن الله أشيعهم وأتباعهم وأهل مذهبهم، وأبرأ إلى الله واليكم منهم).^{۱۸۳}

دلیل سیزدهم ::کنز جامع الفوائد و تاویل آیات ظاهره : محمد بن عباس ،از محمد بن حسین بن حمید از جعفر بن عبدالله از کثیر بن عیاش از ابی جارودی از ابی جعفر(ع) در مورد قول پروردگار (الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ) فرمودند: این آیه در مورد آل محمد (مهدی) و اصحاب ایشان می باشد که خداوند آنان را مالک شرق و غرب زمین می کند و دین را ظهور می دهند و خداوند بوسیله ی ایشان و اصحابش تمام بدعت ها و باطل را می میراند همانگونه که باطل حق را کشته بود تا آنجا که دیگر هیچ اثری از ظلم و ستم " دیده نمی شود و آنان امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت امور از آن پروردگار است ^{۱۸۴}

ابی بصیر گوید : به امام صادق جعفر بن محمد(ع) گفتم : ای پسر رسول خدا از پدرتان امام باقر(ع) شنیدم که فرمود : پس از قائم دوازده امام می باشند . امام صادق(ع) فرمود : نه بلکه ایشان فرمود دوازده مهدی و نگفت دوازده امام و ایشان از شیعیان ما می باشند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می کنند ^{۱۸۵}.

و روایات در خصوص مهدیین

امام صادق (ع) فرمود : همانا از ما بعد از قائم (ع) دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) می باشند .^{۱۸۶}

روایت بعدی:

امام سجاد (ع) فرمود : قائم ما قیام می کند سپس بعد از او دوازده مهدی خواهند بود.^{۱۸۷}

روایت بعدی:

ابی بصیر گوید : به امام صادق جعفر بن محمد (ع) گفتم : ای پسر رسول خدا از پدرتان امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود : پس از قائم دوازده امام می باشند . امام صادق (ع) فرمود : بلکه ایشان فرمود دوازده مهدی و

183 إقبال الأعمال - السيد ابن طاووس ج ۲ ص ۱۱۷ - ۱۳۶، مفاتیح الجنان - الزيارة الجامعة ص ۶۲۸ - ۶۲۹

184 إقبال الأعمال - السيد ابن طاووس ج ۱ ص ۱۹۱

185 کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۳۵۸ . بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۵

186 منتخب الأنوار المضيئة ص ۳۵۳ . مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹ . بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸

187 شرح الاخبار ج ۳ ص ۴۰۰

نگفت دوازده امام و ایشان از شیعیان ما می باشند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می کنند.^{۱۸۸}

روایت بعدی:

امام علی (ع) فرمود: در حیره مسجدی بنا خواهد شد که پانصد در خواهد داشت در آن خلیفه و جانشین قائم عجل الله تعالی فرجه نماز خواهد خواند. زیرا مسجد کوفه برای آنان کوچک و تنگ است. در آن دوازده امام عدل نماز خواهند خواند.^{۱۸۹}

روایت بعدی:

امام باقر (ع) فرمود: کوفه پاک و طاهر است... در آن مسجد سهیل است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن مسجد نماز خواند، و از آنجا عدل خدا پدیدار می شود، و در آن است قائمش و قوام (قائم های) بعد از او.^{۱۹۰}

روایت بعدی:

امام رضا (ع) فرمود: برای صاحب الامر اینگونه دعا کنید: ... خداوندا بر والیان عهد او (یعنی امام مهدی (ع)) و امامان بعد از او درود فرست و آرزوهایشان را بر آور و بر عمرهایشان بیافزای ... که آنها معادن کلمات و خزانه داران علمت و ارکان توحیدت و ستون های دینت و والیان امر تو هستند ...^{۱۹۱}

امام مهدی (ع) فرمود: ... خداوندا بر ولایت (یعنی امام مهدی (ع)) و والیان عهد او و امامان از فرزندان او درود فرست و عمرشان را زیاد کن و زندگیهایشان را طولانی گردان ...^{۱۹۲}

روایت بعدی:

امام حسن عسکری (ع) فرمود: در روز سوم شعبان تولد امام حسین (ع) است. پس این دعا را بخوانید: خدایا از تو می خواهم به حق کسی که در این روز به دنیا آمده همانا که امامان از نسل او هستند و اوصیاء بعد از قائم و غیبتش نیز از عترت و فرزندان او هستند^{۱۹۳}

188 کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۳۵۸ . بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۵
189 تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۳ . بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۷۴
190 کامل الزیارات ص ۷۶ . وسائل الشیعة ج ۳ ص ۵۲۴
جمال الاسبوع السید بن طاووس ص ۳۰۷ . مصباح المتجهد الطوسی ص ۴۰۹ . المصباح الکفعمی ص ۵۴۸ . مفاتیح الجنان دعا برای امام زمان (ع) دعای بعد از دعای عهد¹⁹¹
الغیبة الطوسی ص ۲۷۳ . بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۷ . دلایل الامامة ص ۳۰۰ . مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۸۹ . إثبات الهداة ج ۳ ص ۶۸۵ . بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۷۸ . جمال الاسبوع السید بن طاووس ص ۴۹۴ . المصباح الکفعمی ص ۵۴۶ . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه در صلوات ضراب اصفهانی

روایت بعدی:

کعب الاحبار گفت: آنها دوازده نفر هستند. پس زمانی که آنها به انتها رسیدند، بجای آن دوازده نفر، دوازده نفر دیگر مانند آنها را قرار می دهد. و این چنین خداوند به این امت وعده داده است و این آیه را خواند: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که آنها را حتما در زمین خلیفه کند، همانگونه که کسانی که قبل از آنها بودند را خلیفه کرده است^{۱۹۴}.

و ادامه:



امام علی (ع) می‌فرماید: شنیدم رسول الله (ص) فرمود: زمانی خواهد آمد که پنجمین از هفتمین از فرزندان تو ناپدید (غایب) خواهد شد. اهل زمین و آسمان از فقدان او ناراحت و محزون شوند. سپس سرش را پایین کرد و مدتی سکوت کرد و بعد فرمود: پدر و مادرم فدای هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران^{۱۹۵}.

در روایت بالا امر واضح است و به صورت صریح حضرت دارد بیان میکند و نیازی به تاول و تفسیر ندارد. امیدانم چرا روایات را به زعم خود تفسیر میکنید امری که واضح باشد نیازی به تاول ندارد.

193 مختصر بصائر الدرجات ص ۳۴ . اقبال الاعمال ج ۳ ص ۳۰۳ . المصباح الکفعمی ص ۵۴۳ . مصباح المتهد الطوسی ص ۸۲۶ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۴ . مفاتیح الجنان اعمال روز سوم شعبان
194 (تفسیر ابن ابی حاتم ج ۸ ص ۲۶۲۸ ح ۱۴۷۶۹ . الخصال ص ۴۷۴ . عیون اخبار الرضا (ع)
195 کفایة الاثر ص ۱۵۷ . الصراط المستقیم ج ۲ ص ۱۲۷ باب ۱۰ فصل ۴ . غایة المرام ص ۱۲ باب ۲ ح ۱۱ . بحار الانوار ج ۳۶ ص ۳۳۷ باب ۴۱ ح ۲۰۰ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۰۸ باب ۱ ح ۴۲

استناد به نسخه بدل های ثابت نشده

عن الأصبع بن نباتة قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكراً ينكت في الأرض، فقلت: يا أمير المؤمنين! ما لي أراك متفكراً تنكت في الأرض، أرغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوماً قط ولكنني فكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي، هو المهدي الذي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، تكون له غيبة وحيرة، يضل فيها أقوام ويهتدى فيها آخرون. فقلت: يا أمير المؤمنين! كم تكون الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين. فقلت: وإن هذا لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق وأني لك بهذا الامر يا أصبع أولئك خيار هذه الأمة مع خيار أبرار هذه العترة:

اصبع بن نباته گوید: محضر امیر المومنین (ع) رسیدم. و ایشان را در حال خط کشیدن با چوبی روی زمین دیدم. پس به ایشان گفتم: یا امیر المومنین چه شده که شما را متفکرانه و در حال خط کشیدن روی زمین می بینم. آیا شما نسبت به آن میل و آرزو دارید؟ فرمود نه به خدا قسم که هرگز نه به آن و نه به دنیا آرزومند و مایل بوده ام. ولیکن به کسی که از نسل فرزند یازدهم من متولد می شود فکر می کردم. او همان مهدی است که دنیا را پر از عدل و داد می کند در حالی که پر از ظلم و ستم شده است. برای او حیرت و غیبت است. که گروهی در آن زمان هدایت و گروهی دیگر گمراه می شوند. اصبع گفت: مولای عرض کردم: آیا این من حیرت و غیبت او چقدر است؟ امام علی (ع): شش روز یا شش ماه یا شش سال امر واقع می شود؟ فرمود: بله او خلق شده است و تو کجا و این امر کجا؟ ای اصبع آن ها بهترین و برگزیدگان این امت هستند که با خوبان و نیکوکاران این عترت خواهند بود. عرض کردم: بعد از آن چه می شود؟ فرمود: هر چه که خدا بخواهد انجام می دهد و تحقیقا خداوند بدائات و ازادات و غایات و نهاییاتی شود؟ فرمود: هر چه که خدا بخواهد انجام می دهد و تحقیقا خداوند بدائات و ازادات و غایات و نهاییاتی دارد.^{۱۹۶}

این روایت هم که واضح و نیاز به توضیح ندارد. فرزند یازدهم حضرت امیر، محمد بن الحسن ع یا حضرت بقیة الله میباشد و مردی از نسل او اشاره به یمانی آل محمد سید احمدالحسن (ع) دارد و حیرت و غیبت ایشان هم که واضح و روشن است

و حالا وارد متن روایت میشویم

در این حدیث به روشنی به امام احمد الحسن (ع) که وصی و از نسل امام مهدی (ع) است، به عنوان مولودی از نسل فرزند یازدهم امام علی (ع) که همان امام مهدی (ع) می باشد، اشاره شده است و مصادر و

196 الغيبة الطوسی ص ۱۶۴ ح ۱۲۷. الکافی ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۷

سندهایی که در آن ، این حدیث شریف با لفظ : (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی)(مولودی که از نسل فرزند یازدهم من است) ، وارد شده است

مصادر حدیث اصبع نباته ۱۹۷

توضیح تکمیلی

اما چرا در برخی کتب ، مولفان و تصحیح کنندگان آنها ، به این تغییر روی آوردند ؟ دلیل آن واضح است . چون آنها به وصی سیزدهم آگاه نبودند . در نتیجه گمان می کردند که متن این حدیث ، باید حتما و فقط به امام مهدی محمد بن الحسن (ع) بازگردد. زیرا آنها به اوصیای بعد از امام مهدی (ع) آگاه نبودند . در نتیجه ، سعی کردند این حدیث را به امام مهدی (ع) نسبت دهند و به این تغییر روی آوردند . زیرا این حدیث به وضوح به فرزند امام مهدی (ع) یعنی امام احمد الحسن (ع) که از نسل و فرزندان ایشان هستند ، دلالت می کند

البته حتی اگر بگوییم که تغییر در حدیث ، از روی خیرخواهی بوده است ، اما باید بخاطر امانت داری علمی ، از این امر دوری کرد

نتیجه پایانی : اثبات حدیث با لفظ صحیح و قدیمی

بدین ترتیب کاملا واضح و با دلایل محکم ، اثبات شد که این حدیث شریف از امیر المومنین (ع) ، با لفظ : (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی)(مولودی که از نسل فرزند یازدهم من است) ، از مشایخ بزرگ و از اصحاب و خواص امامان اطهار (ع) ، وارد شده است و صدور این حدیث قطعی و دلالت آن بر وصی سیزدهم امام احمد الحسن (ع) محکم می باشد

حدیث کامل

عن الأصبع بن نباته قال: أتیت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكرا ينكت في الأرض، فقلت، يا أمير المؤمنين مالي أراك متفكرا تنكت في الأرض، أرغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوما

197 نباتة الكافي الكليني ج ۱ ص ۳۳۸. / شرح أصول الكافي ج ۶ ص ۲۵۵ الغيبة الطوسي ص ۱۶۴ ح ۱۲۷ الغيبة الطوسي ص ۳۳۶ ح ۲۸۲ الغيبة الطوسي ص ۱۶۴ ح ۱۲۷ کمال الدین وتمام النعمة الصدوق ص ۲۸۸ باب ۲۶ ح ۱
مکیال المکارم محمد تقی الأصفهانی ج ۱ ص ۱۱۳ : (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی) به نقل از کمال الدین .. کمال الدین وتمام النعمة الصدوق ص ۲۸۸ باب ۲۶ ح ۱ .. مکیال المکارم محمد تقی الأصفهانی ج ۱ ص ۱۱۳ : (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی) به نقل از کمال الدین .. الاختصاص المفید ص ۲۰۹
نهج السعادة المحمودی ج ۷ ص ۴۶۴ . الغيبة النعمانی ص ۶۸ جدید و ص ۲۹ نسخه خطی دلائل الامامة الطبری ص ۵۲۹ . الهدایة الكبرى الخصبی ص ۳۶۲ اثبات الوصیة المسعودی ص ۲۷۹

قط ولكنى فكرت فى مولود يكون من ظهري، الحادى عشر من ولدى، هو المهدي الذى يملأ الأرض عدلا وقسطا كما ملئت جورا وظلما، تكون له غيبة وحيرة، يضل فيها أقوام ويهتدى فيها آخرون، فقلت: يا أمير المؤمنين! وكم تكون الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين، فقلت: وإن هذا لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق وأنى لك بهذا الامر يا أصبغ أولئك خيار هذه الأمة مع خيار أبرار هذه العترة، فقلت: ثم ما يكون بعد ذلك فقال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداءات وإرادات وغايات ونهايات

اصبغ بن نباته گوید : محضر امير المومنين (ع) رسيدم و ايشان را متفكرانه ، در حال خط كشيدن بر روى زمين ديدم . پس گفتم : اى امير مومنان ، چه شده است كه شما را متفكرانه ، در حال خط كشيدن بر روى زمين مى بينم ؟ آيا شما در آن ميل و رغبت يا آرزو داريد ؟ امير المومنين (ع) فرمود : به خدا سوگند كه هرگز نه در آن و نه در دنيا ، راغب و آرزومند نبوده ام . وليكن به مولودى فكر مى كنم كه از نسل فرزند يازدهم من است . او همان مهدي است كه دنيا را پر از عدل و داد مى كند ، همانطور كه پر از ظلم و ستم شده است . براى او حيرت و غيبتى است كه گروهى در آن زمان زمان گمراه و گروهى ديگر نيز هدايت مى شوند . پس گفتم اى امير مومنان ، آن حيرت و غيبت چه ميزان است ؟ امام على (ع) فرمود : شش روز يا شش ماه يا شش سال . گفتم : آيا اين امر واقعا اتفاق مى افتد ؟ فرمود : بله ، همانطور كه او خلق شده است . و تو را چه به اين امر اى اصبغ ؟ آنها بهترين هاى اين امت هستند به همراه بهترين هاى ابرار اين عترت . پس گفتم : بعد از آن چه مى شود ؟ امير المومنين امام على (ع) فرمود : سپس خداوند هرچه بخواهد انجام مى دهد . بداء و تعبيرات و ارادات و خواسته ها و غايات و هدف ها و نهايات و پاين ها براى اوست

استناد به خبر واحد سننى و ادعاى تواتر آن در احاديث شيعى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قَبْلِ خُرَاسَانَ فَأْتَوْهَا فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ؛ (ابن حنبل، بی تا؛ ج ۵، ۲۷۷)

نکته اول: آیا استناد به روایت اهل تسنن مشکلی دارد؟ اگر مشکلی دارد باید دلیل به ما بدهید در ثانی روایتی را که شیعه و اهل تسنن بیان کرده باشند این روایت عمل میشود پس مشکل کجاست؟

روایتی از ثوبان (رضی الله عنه) نقل کرد که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (نزد گنج شما سه نفر می جنگند که همه آنها مدعی خلافت هستند آنگاه امر به هیچکدام از آنها نمی رسد، سپس پرچم های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و با آن ها طوری خواهند جنگید که هیچ قومی اینطور نجنگیده است – (سپس چیزی را ذکر کرد) – پس فرمود: اگر او را دیدید با او بیعت کنید چونکه او خلیفه ی خدا مهدی

است).^{۱۹۸} امام حافظ أبو عبدالله حاکم آن را تحقیق و نقل کرده است. او می گوید: «این حدیث طبق گفته بخاری و مسلم صحیح است.» البته آن دو، خود این حدیث را نیاورده اند، و حافظ ابو نعیم با این معنا آنرا نقل نکرده است و به جای ذکر گفته ی راوی می گوید: (خلیفه ی خدا مهدی می آید)!! و عجیب این است که این تحریف کننده، حتی به خود زحمت نداده -لا اقل از باب تبرئه خود- در حاشیه کتاب به تحریفی که به آن اقدام کرده اشاره ای بنماید!!

اما صحبت نویسنده ی سطرها در مورد خطای چاپی، غریب و دور از ذهن بوده بلکه تمسخر برانگیز است، چون که چاپ ایرانی مذکور، هر دو صورت را با هم روایت می کند، و آن همانطور که یاد کردیم تحقیق شده است. و ظاهراً سید کاظمی از دو جای کتاب عقد الدرر روایت را نقل می کند. در صورتی که نویسنده ی سطرها تنها یکی از آنها را یاد می کند، و این کار، کتمان حقایق از جانب خود او است.

اما آنچه که مربوط است به اشکال وارده از نویسنده ی سطرها در مورد روایت ذیل: (هرگاه پرچم های سیاه را دیدید که از خراسان در حال آمدن هستند، به سوی آنها بشتابید هرچند سینه خیز بروی برفها، چون خلیفه ی مهدی (علیه السلام) در میان آنهاست).

برداشت های سطحی از روایات

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الله أجل وأكرم وأعظم من أن يترك الأرض بلا امام عادل قال: قلت له: جعلت فداك! فأخبرني بما استريح إليه. قال: يا أبا محمد! ليس يرى أمة محمد عليه السلام فرجاً أبداً ما دام لوليد بنى فلان ملك حتى ينقرض ملكهم. فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لامة محمد رجلاً منا أهل البيت، يشير بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشى. والله انى لا عرفه باسمه واسم أبيه، ثم يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين، القائم العادل المحافظ لما استودع مملأها قسطاً وعدلاً كما مملأها الفجار جوراً وظلماً؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۴، ج ۳، ۱۱۶ - ۱۱۷)

در نکته اول در این بخش روشن کنم که : آیا یک فرد غیر معصوم میتواند روایات ال محمد را متوجه شود و تفسیر کند؟

در ثانی شما و علمایتان تحت هیچ شرایطی نمیتوانید احادیث را تاویل و تفسیر کنید پس این ایراد را اول به خودتان وارد کنید

و حالا پاسخ شما خوب دقت کنید

طرف‌داران احمد حسن مدعی هستند تعبیر «اهل البیت» در این روایت دلالت بر این دارد که شخصیت مورد نظر امام صادق علیه السلام، امام است؛ چرا که در اصطلاح روایات، واژه اهل البیت مخصوص امامان معصوم است. از این رو طبق مفاد این روایت، پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام امامی از اهل بیت وجود خواهد داشت. در حالی که این که واژه اهل البیت اصطلاح خاصی است که شامل تمام خاندان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌شود و مخصوص امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امامان از نسل آنان است.

این کلام آقای آیتی است که درباره ی روایت بالا توضیح میدهد

باید متذکر شوم که برادر نصرت الله آیتی شما لفظ «مِنّا» را نمی‌بینید

حدیث از امام صادق (ع) نقل شده و حضرت میگوید از ما اهل بیت مردی خروج میکند اگر حرف شما درست باشد که امام صادق (ع) از اهل بیت قرار نمیگیرد بلکه اهل بیت مخصوص پنج تن آل عبا است ولی حضرت میگوید از ما اهل بیت مردی میاید یعنی از آل محمد است، پرچمش از اهل بیت است و حرف اهل بیت را میزند در ثانی اگر این تعبیر شما درست باشد چرا رسول الله «ص» میگوید «السلمان منا اهل البیت» یعنی سلیمان از اهل بیت است؟!

پس در نتیجه مبنای پوچ خنده دار شما زیر سوال رفته است

اما در اینجا لفظ اهل بیت دو معنا را به خود اختصاص میدهد. معنای اول: معنای نخست اینکه اهل بیت همان پنج تن آل عبا است به شرطی که تصریح شود و معنای دوم اینکه اهل بیت آل محمد (ع) را در برمیگیرد و هر کسی که با قانون معرفت حجت بیاید و خود را ثابت کند

برداشت‌های سطحی از روایات

قال أمير المؤمنين عليه السلام على منبر الكوفة: ... لا بد من رحى تطحن فإذا قامت على قطبها وثبتت على ساقها بعث الله عليها عبداً عنيفاً خاملاً أصله، يكون النصر معه أصحابه الطويلة شعورهم، أصحاب السبيل، سود ثيابهم، أصحاب رايات سود، ويل لمن ناوهم، يقتلونهم هرجاً، والله لكأنى أنظر إليهم وإلى أفعالهم، وما يلقي الفجار منهم والأعراب الجفأة يسلبهم الله عليهم بلا رحمة فيقتلونهم هرجاً على مدينتهم بشاطئ الفرات البرية والبحرية، جزاء بما عملوا وما ربك بظلام للعبيد: (نعماني، ۱۳۲۲: ۲۶۴ - ۲۶۵)

قول علی ابن ابی طالب(ع): (لابد من وجود رحی تطحن فاذا قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها) (آسیابی باید بگرددش درآید و همینکه کاملاً بگرددش افتاد و پا برجا شد).

این روایت در وصف فتنه ها و آسیاب جنگ است (قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها) و در غیر از این روایت در کلام اهل بیت در می یابیم که به صراحت بیان می کنند که در همان زمان فرج از برای خاندان حضرت محمد است و بیان می کنند که وقت و زمان پرچم خاندان حضرت محمد (ص) در عصر ظهور مقدس است:

امیر المومنین در خطبه طولانی خود می فرماید: (... اما بعد ، فانه لابد من رحی تطحن ضلاله ، فاذا طحنت قامت علی قطبها . الا وان لطحنها روقا و ان روقها حدها وعلی الله فلها . الا وانی وابرار عترتی واطائب ارومتی احلم الناس صغارا واعلمهم كبارا . معنا رایه الحق والهدی ، من سبقها مرق و من خذلها محق و من لزمها لحق . انا اهل بیت من علم الله علمنا ، و من حکم الله الصادق قیلنا ، و من قول الصادق سمعنا . فان تتبعونا تهتدوا ببصائرنا وان تتولوا عنا یعذبکم الله بایدینا او بما شاء . نحن افق الاسلام ، بنا یلحق المبطی والینا یرجع التائب)^{۱۹۹}.

در خطبه طولانی خود می فرماید: (... اما بعد ، آسیابی که ضلالت و گمراهی را آسیاب کند و امیر المومنین باید وجود داشته باشد ، و اگر آسیاب کرد و برعمود خود استوار گشت ، جز این نیست که برای آسیاب آن صاف کننده ای است و هر صاف شده ایی انتهایی دارد ، و جز این نیست که من و نیکان عترتم و بهترین امتم بردبارترین مردم در کوچکی و داناترین در بزرگی هستیم ، پرچم حق و هدایت همراه ماست ، که هر کس از آن پیشی گیرد مرتد و از دین خارج می شود و هر کس آن را یاری ندهد هلاک می شود و هر کس به آن تمسک جوید نجات یابد. ما اهل بیت علم ما از خداست ، و گفتار ما از حکم خداوند صادق است و از گفتار راستگو شنیدیم ، اگر از ما پیروی کنید با بصیرت ما هدایت می شوید و اگر دوری کنید خداوند شما را به وسیله ما عذاب می کند یا به آنچه بخواهد ، ما افق اسلام هستیم ، و به ما آدم سست ملحق می شود و انسان توبه کننده به ما باز می گردد) .

و در می یابیم که امیر المومنین ما را از وجود آسیاب ضلالت و جنگ خبر می کند ، و سپس ما را از وجود پرچم حق و هدایت که تمسک به آن نجات و دوری از آن سبب نابودی است خبر می کند ، و انگار به ما می گوید که بر شماست که از پرچم ما که پرچم عصمت و نجات دهنده از فتنه هاست پیروی کنید ، و شناختیم که پرچم خاندان حضرت محمد (ص) امام علی(ع) در آخر الزمان همان پرچم یمانی موعود است که آن با

199 - کتاب سلیم بن قیس - تحقیق الانصاری - ص ۲۵۸-۲۵۹ .

همان اوصافی که امیر المومنین بیان کرده ، وصف شده است . (رایه الحق والهدی ، من سبقها مرق و من خذلها محق و من لزمها لحق) (پرچم حق و هدایت ، هر کس از آن پیشی گیرد مرتد و از دین خارج می شود و هر کس آن را یاری نکند هلاک می شود و هر کس همراه و ملازم آن باشد نجات می یابد) .

و همچنین می یابیم که امیر المومنین (ع) از خود آسیاب کننده سخن می گوید، و خصوصا اگر دو زوایت را با هم مقایسه کنیم .

(لابد من وجود رحی تطحن فاذا قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها) (آسیابی باید بگردش در آید و همینکه کاملا بگردش افتاد و پا برجا شد)، (لابد من رحی تطحن ضلاله ، فاذا طحنت قامت علی قطبها) (آسیابی ، که ضلالت و گمراهی را آسیاب کند باید وجود داشته باشد ، واگر آسیاب کرد و برعمود خود استوار گشت)

سپس می بینیم که امام علی (ع) برای این پرچم هدایت طلب یاری و پیروی از آن می کند ، و دوری از آنرا مایه عذاب می داند.. (فان تتبعونا تهتدوا ببصائرنا وان تتولوا عنا یعذبکم الله بایدینا او بما شاء).. (اگر از ما تبعیت کنید با بصیرت ما هدایت می شوید و اگر از ما دوری کنید خداوند شما را به دست ما ویا چیز دیگر عذاب می کند).. و همچنین این روایت را با روایت امام باقر(ع) که یاری دادن یمانی موعود را واجب و دوری از آن سبب ورود به آتش جهنم است ، تطبیق کن تا وضعیت برای شما روشن شود.

و حال به سخن امیر المومنین (ع) که می فرماید : (آسیابی باید بگردش در آید و همینکه کاملا بگردش افتاد و پا برجا شد ...) می آییم.

ب - قوله: (بعث الله علیها عبدا عنیفا خاملا اصله) (خداوند بنده ای سنگ دل و با اصل و نسب نا معلوم را برانگیزد) .

بعد از اینکه آسیاب استوار گشت ، خداوند بنده ای سنگ دل را برای جنگ و نابودی آسیاب باطل و فساد بر می انگیزد ، و آن شخص را به وصف (عبدا) بنده ای وصف نمود ، که کلمه عبد از عبودیت و اطاعت خدا گرفته شده است ، و این مرد همان (عبدالله) یا بنده خدا که در عصر ظهور است ، و طبعا این به معنی این نیست که این صفت بر شخص دیگری تطبیق ندارد ، بلکه به این معنی است که این صفت در نهایت حد فرمودند : (قال انی عبد لآن بر این مرد در زمان و مکان خودش منطبق است . همانطور که حضرت عیسی الله اتانی الکتاب وجعلنی نبیا)²⁰⁰ (گفت : من بنده خدا هستم که کتاب به من داد و مرا پیامبر قرار داد) .

²⁰⁰ - سوره جن آیه ۳۰ .

وهمانطور که خداوند رسولش حضرت محمد را وصف نمود (وانه لما قام عبدالله يدعوه كادوا يكونون عليه لبداء) ^{۲۰۱} (و همین که بنده خدا برخاست تا او را بخواند چیزی نمانده بود که بر سر وی فرو افتند) .

وهمانطور که امیر المومنین(ع) می فرمود وبه آن افتخار می کرد (انا عبدالله واخو رسول الله) (من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم) .

و او را به (عنیفا) وصف نمود به این معنا است که او در امر خود محکم و استوار است واز ریشه عنف به معنای شدید و ضد لطافت و مداراست واین بر اهمیت ماموریت این مرد که زمینه ساز اصلی قیام امام مهدی است اشاره می کند ، وروایاتی که بیان شد اشاره به شدت زیاد امام مهدی (ع) در افزونی قتل ظالمین و منافقین و منحرفین دین در زمان قیامش می کنند.

واما اینکه به (خاملا اصله) وصف شده ، این دو معنی جداگانه دارد که روی معنای آنها باید تمرکز نمود واینها(خاملا) و(اصله)

خاملا از خمل یعنی مخفی گرفته شده ، پس (خاملا) یعنی مخفی شده . زبیدی در تاج عروس خود می گوید :

خَمَلٌ ذِكْرُهُ وَصَوْتُهُ خُمُولًا : خَفِيَ قَالَ الْمُتَنَخَّلُ : -

هَلْ تَعْرِفُ الْمَنْزِلَ بِالْأَهْلِيلِ ... كَالْوَشْمِ فِي الْمِعْصَمِ لَمْ يُخْمَلِ

أراد : لم يَدْرُسْ فَيَخْفَى هُوَ مِنْ حَدِّ نَصْرٍ هَكَذَا صَرَّحَ بِهِ الْأَزْهَرِيُّ وَابْنُ سَيِّدَةَ وَالْجَوْهَرِيُّ وَالصَّاعِقَانِيُّ وَابْنُ الْقَطَّاعِ وَابْنُ الْقُوطَيْبِيِّ... (^{۲۰۲} .

- یادش وصدایش مخفی شده مخفی شدنی : غربال کننده مخفیانه گفت : - آیا منزل را با اهل می شناسی ... مانند علامت درمعصمی که مخفی نمی شود

- خواست : پس خمول در این روایت همان مخفی شدن و ناشناخته در بین مردم است. (اصله) اصل و اساس درختان و گیاهان همان ریشه آن است ، و اگر گفته شود که درخت از جایگاهش کنده شده ، یعنی از ریشه اش کنده شده واین برانسان هم اطلاق می شود که به اصل ابا واجدادش برمی گردد.

²⁰¹- سوره جن آیه ۱۹

²⁰²- تاج عروس ج ۱۴ ص ۲۱۲ ماده خمل

ابن منظور در لسان العرب می گوید: (أُنشِدْ ثَعْلَبَ وَرُبَّ حَسِيْبِ الْأَصْلِ غَيْرُ حَسِيْبِ أَى لَهُ أَبَاءٌ يَفْعَلُونَ الْخَيْرَ
وَلَا يَفْعَلُهُ هُوَ)

(... از روباه پیرس و مرد با اصل و نسب بدون کفایت یا به عبارتی خاندانی دارد که کار خیر می کنند اما او
انجام نمی دهد)^{۲۰۳} .

واین همان چیزی است که بین مردم معروف و رواج دارد، وقتی که گفته شود (اصل فلان) که همان نسبت ،
و نسب همان انساب خاندان ... و همان چیزی که به آن افتخار می کنند، و یا چیزی که خود به آن افتخار می
کند و بر مال و ثروت هم اطلاق می شود .

پس معنی (خاملا اصله) یعنی نسبش مخفی از مردم است ، و از آن معلوم می شود که صاحب درفش خاندان
حضرت محمد که هدایتگرترین پرچم در عصر ظهور است ... یک چیز مخفی در نسب خود دارد ، و این
اشاره ای است از اهل بیت و از هر اشاره ای منظور و هدفی دارند ، و چگونگی مخفی بودن نسب یمانی در
جلد های بعدی خواهد آمد .

وسخن آنها که فرمودند : (بعث الله عليهم عبدا) یعنی این مرد از طرف خدا مبعوث شده و منظور آن است که
وی سربازی از سربازان خداست ، و نه بدین معناست که بر آنها تسلط پیدا می کند همان طوری که خداوند
ظالم را بر ظالم مسلط می کند و این از ادامه روایت و روایات دیگر روشن می شود ، همانطور که می
دانیم او همان زمینه ساز قیام امام مهدی (ع) و صاحب پرچم خاندان حضرت محمد است که خداوند او را
مبعوث می کند ، و این مبعوث شدن در کلام خداوند که می فرماید: (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا
لَنَا أُولَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا)^{۲۰۴} (پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو
فرا رسد بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت
شما] به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است) .

و خواننده محترم بیا باهم بین الفاظ آیه و روایت مقایسه ای بکنیم :

بعثنا = بعث الله (فرستادیم = خدا فرستاد)

عبادا لنا " عباد الله " = عبدا " عبدالله " (بندگان ما " بندگان خدا " = بنده " بنده خدا ")

اولی باس شدید = عنیفا ... یسلطهم الله علیهم بلا رحمه فیقتلونهم هر جا

²⁰³ لسان عرب ج ۱ ص ۳۱۰ ماده حسب

²⁰⁴ اسراء : ۵

سخت نیرومندند = شدید و نیرومند ... خداوند آنها را بی رحمانه بر آنان مسلط می کند و آنها را بی ملاحظه می کشند .

همانطور که معلوم است می توان تعبیر فرد بر جمع برای احترام یا مشابه آن اطلاق شود ، و می توان بر جمع اطلاق شود و منظور رهبر و فرمانده آنها باشد ، و همانطور از رهبر تعبیر می شود که منظور همان عامه از ایشان و از قوم خود باشد .

در سخنان اهل بیت (ع) در تفسیر آیه مبارکه می بینیم :

عن ابی عبدالله(ع) فی قوله تعالی : ((وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ) قال : قتل علی بن ابی طالب(ع) طعن الحسن (ولتعلن علوا كبيرا) قال : قتل الحسين(ع) (فذا جاء وعد اولیہما) فاذا جاء نصر دم الحسين(ع) : (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار) قوم یبعثهم الله قبل خروج القائم (عج) فلا یدعون وترا لال محمد الا قتلوا (وکان وعدا مفعولا) خروج القائم(ع))^{۲۰۵}

از امام صادق(ع) در تفسیر آیه (وما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد می کنید) فرمود شهادت امام علی (ع) و طعن به امام حسن (ع) ، (و به سر کشی و طغیان بزرگ دچار می شوید) ، فرمود : شهادت امام حسین (ع) (پس هنگامی که وعده نخستین فساد شما فرا برسد) و هر وقت که خون خواهی امام حسین(ع) فرا رسد (بندگان سخت پیکار و نیرومند خود برای آنها فرستادیم که که لا به لای خانه را جستجو کنند) ، قومی که خداوند قبل از خروج حضرت قائم (ع) برای از بین بردن دشمنان خاندان حضرت محمد (ص) می فرستد (و یقینا وعده خدا شدنی است) آن خروج حضرت قائم(ع)).

تفسیر عیاشی : از حمران از ابی جعفر (ع) می فرماید : در حال مطالعه بود : (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَیْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أَوْلَىٰ بِأَسْ شَدِيدٍ) ثم قال : (وهو القائم واصحابه اولی باس شدید) .

(پس هنگامی که (هنگام ظهور) وعده نخستین فساد انگیزی و طغیان شما فرا رسد ، بندگان سخت پیکار و نیرومند خود بر ضد شما بر انگیزیم) سپس فرمودند : (همان قائم (ع) واصحابش بندگان سخت پیکار و نیرومند هستند))^{۲۰۶} .

و صحبت در مورد این دو روایت به خاطر طولانی نشدن سخن به جلسات آینده موکل می کنم انشاء الله .

205- الکافی ج ۸ ص ۲۰۶

206- تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۲۸۱ / بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۷

قوله : (يكون النصر معه) (که پیروزی با وی می باشد)

و پیروزی برفاسقین و منحرفین بنی عباس و بنی امیه و پیروان آنهاست و همچنین هر کسی که با خاندان حضرت محمد (ص) دشمنی کند ، و این پیروزی همان فتح و پیروزی برای حضرت قائم(ع) است ، خداوند می فرماید : (وَأُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)^{۲۰۷} .

علی بن ابراهیم قمی می گوید : (("وَأُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ") یعنی در دنیا با پیروزی قائم (ع) ...)^{۲۰۸} .

د- قوله (ع) : (اصحابه الطوبله شعورهم اصحاب السبال) (اصحابی که موهای آنها بلند است و اهل سبیل هستند) .

شاید منظور از موهای بلند در اینجا کنایه از افکار و علم باشد ، و این بدان معناست که علم این مومنین مجاهد فراوان و زیاد است .

و اما (اصحاب سبیل ها) که شاید منظور صفتی برای مو باشد که آن لخت یا پر پشت و یا غیر مجعد ؛ و این در ظاهر باشد ، و این همچنین بر حسب ظاهر است ، و همچنین کنایه از سهولت افکار شان باشد یعنی هیچ تشویش و اضطرابی و انحرافی ندارند .

و السبال جمع سبله است و آن دارای معانی زیادی است و از جمله آن سبله شارب (سبیل) و مثنی آن سبالان ، و آن ادامه سبیل که از دو طرف به ریش منتهی می شود ، و گفته شده که همان ریش است و همچنین گفته شده که آن مخصوصا جلوی ریش است^{۲۰۹} ... و این به معنی این است که آنها اصحاب شجاعت و مردانگی در ذات خدا و دینش هستند ، و یا شجاعت آنها بسته به دین و اخلاق است ، به خاطر اینکه سبیل رمزی برای مردانگی و ریش نما دین است و الله اعلم .

هـ - قوله (ع) : (سود ثیابهم اصحاب رایات سود) (لباس هایشان سیاه و صاحبان پرچم های سیاه هستند) بعد از بیان اینکه پرچم حق در عصر ظهور یکی است ، و آن پرچم یمانی موعود است و از نسل امام حسین و وصی است ... در اینجا چیز دیگری اضافه می شود و آن صاحب پرچم های سیاه همانطوری که روایات گذشته بیان نمودند و آنکه پیروانش دارای پوشش سیاه هستند .

207- صف - آیه ۱۳ .

208- تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۶۶

209- به لسان العرب ابن منظور ج ۱۱ ص ۳۲۱ - ۳۲۲ ماده سبل مراجع کن

و — قوله (ع): (ویل لمن ناوهم یقتلونهم هر جا والله لکانی انظر الیهم والی افعالهم وما یلقى الفجار منهم والاعراب الجفاه یسلطهم الله علیهم بلا رحمه فیقتلونهم هر جا علی مدینتہم بشاطی الفرات البریه والبحریه جزاء بما عملوا وما ربک بظلام للعبید) .

(وای بر کسیکه با آنان ستیزد که بی ملاحظه آنان را بکشند. بخدا قسم گوئی آنان را می بینم و کارهاشان و آنچه بدکاران و عربهای ستمگر از دست آنان می بینند در پیش چشم من است خداوند آنانرا که مهری در دلشان نیست برایشان مسلط میکند و در شهرهای خودشان که در کنار فرات است شهرهای ساحلی و بیابانی، ایشان را بی محابا میکشند بجزای آنچه که کرده‌اند و پروردگار تو به بندگانش ستم روا ندارد.) اینجا امام علی(ع) شدت برخورد این اولیا با فجار و اعراب ستمگر را برای ما روشن می کند ، و آن چگونه بدون رحم از این فاسقین در کنار رود فرات در عراق انتقام می گیرند ، و مسئله کشتار بدون رحم نیز حضرت قائم به آن وصف شده است:

از ابی بصیر که می گوید : شنیدم ابا جعفر امام باقر (ع) می فرماید : (... و یضع السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر هر جا مرجا حتی یرضی الله . قلت : فکیف یعلم رضاء الله ؟ قال : یلقى الله فی قلبه الرحمه)^{۲۱۰} .

(... وشمشیر را به مدت هشت ماه بردوش برای کشتار قرار می دهد تا خداوند را راضی کند . گفتم : چگونه به رضایت خدا آگاه می شود ؟ فرمودند : خداوند رحمت را در قلبش قرار می دهد) .

واز امیر المومنین (ع) در خطبه ای از ایشان : (... فاذا کان ذلک ابعث الله خیر هذه الامه) (او قال : البریه) فیقتلهم هر جا هر جا حتی یرضی الله ، وحتى یقول قریش والعرب : والله لو کان هذا من آل محمد لرحمنا ، ویتمنون انهم رأونی ساعه من نهار لاشفع لهم الله ، فقام الیه رجل ، فقال : یا امیر المومنین ، ومتی یبلغ رضا الله ؟ قال : یقذف الله فی قلبه الرحمه ، فیرفع السیف عنهم . فقال له : متی یکون ذلک ؟ قال : ان شاء الله)

۲۱۱

واز امیر المومنین(ع) در خطبه ای از ایشان : (..... واگر آن زمان فرا رسد خداوند بهترین این امت را می فرستد «یا فرمود : مردم » و آنهارا بدون رحم از بین می برد تا خداوند را خوشنود نماید تا جایی که قریش و عرب بگویند : به خدا قسم اگر ایشان از خاندان حضرت محمد (ص) بود به ما رحم می کرد ، و آرزو می کنند

²¹⁰ - الغیبه للنعمانی ص ۱۶۸

که در ساعتی از روز مرا ببینند تا برای آنها شفاعت . مردی ایستاد وگفت : یا امیر المومنین ، چگونه به خوشنودی خدا آگاه می شود ؟ فرمودند : خداوند در قلبش رحمت می اندازد وشمشیر را از آنها بر می دارد . به ایشان گفتند : آن چه زمانی خواهد بود ؟ فرمودند : هر وقت خدا بخواهد .)

وتا اینجا به توفیق خدا به انتهای روایت گذشته رسیدیم وروایت دیگری از امیر المومنین (ع) که تطابق عجیبی با روایت گذشته دارد ، را شرح می د هیم .

از امیر المومنین (ع) که فرمودند : (ملک بنی العباس یسر لاعسر ، فیه دولتهم لو اجتمع علیهم التبرک والدیلم والهند والبربر والطیلسان لن یزیلوه ، ولایزالون فی غضاره من ملکهم حتی یشذ عنهم موالیهم واصحاب الویتهم ، ویسلط الله علیهم علجا یخرج من حیث بدا ملکهم ، لایمر بمدینه الا فتحها ، ولا ترفع له رایه الا هدها ، ولا نعمه الا ازالها ، الویل لمن ناواه ، فلا یزال کذلک حتی یظفر ویدفع بظفره الی رجل من عترتی ، یقول بالحق ویعمل به)^{۲۱۲}.

(حکومت بنی العباس آسان و سخت نیست در دولت آنهاست که اگر توده های ترک ودیلم و هند وسند وبربر جمع شوند نمی توانند آنها را ساقط کنند ، آنها در آسایش وآرامش زندگی می کنند تا اینکه گروهی از مسئولان وپرچمدارانشان از آنها منحرف شوند .آنگاه خداوند مرد نیرومندی را بر آنها مسلط می کند که از منطقه ای برمی خیزد که سلطنت آنها از آنجا شروع شده است ، بر شهری وارد نمی شود مگر آنکه آنرا بگشاید ، پرچمی علیه او برافراشته نمی شود جز اینکه سرنگون می شود ، نغمه ای علیه او ساز کار نباشد جز اینکه نابودش سازد ، وای بر کسی که با او در گیر شود . او همچنان پیش می رود وپیش می تازد تا همه پیروزی هایش را به مردی از عترتم تقدیم کند ، که به حق می گوید وبه آن عمل می کند .)

حذف روایات مخالف

بر اساس روایات، یمانی - که قیامش از علایم حتمی ظهور است - از یمین خروج می کند . حال آن که احمد حسن اهل بصره است و مدعی است از شرق و خراسان قیام خواهد کرد بنابراین نه اهل یمین است و نه از یمین قیام خواهد کرد و این با روایات اهل بیت علیهم السلام تعارضی آشکار دارد .

طرف داران احمد حسن برای فرار از این رسوایی بزرگ، مدعی شده اند که در روایات ا یمنی بودن « یمانی سخن به میان نیامده است . می نویسند:

... وإن من علامات خروجه: خروج السفیانی من الشام و خروج الیمانی [من الیمین]

رسول اکرم را به این نام نامگذاری کرده اند زیرا اصلی در یمن دارد

یمانی به این دلیل لقب یمانی گرفته، زیرا او از آل محمد (ص) است و آل محمد (ص) همگی یمانی هستند، زیرا مکه از توابع یمن است نه حجاز، برای اینکه آن در صحرای تهامه است و تهامه از یمن می باشد و در معجم البلدان یاقوت حموی آمده: و مدائنی می گوید

تهامه من الیمن وهو ما أصرح منها إلى حد فی باديتها ومكة من تهامة (تهامه از یمن است که از صحرای) شروع و تا بادیه امتداد دارد و مکه از تهامه است^{۲۱۳}

و در کتاب اعانه طالبین بکری الدمیاطی آمده که وی می گوید

الیمن، وهی اسم للأرض المنخفضة، ويقابلها نجد، فإن معناه الأرض المرتفعة، والیمن الذی هو إقليم معروف، (مشمول علی نجد و تهامه). (یمن، نامی است برای زمین پست که در مقابل آن نجد قرار دارد، و آن به معنای زمین مرتفع است و یمن که سرزمینی معروف است از نجد و تهامه تشکیل شده است^{۲۱۴})

پس مکه از تهامه است، و تهامه از یمن است، به همین خاطر از زبان بعضی از آن ها (ع) آمده که میگفتند

ونشهد أن سيدنا محمداً عبده ورسوله، المبعوث من تهامة، المظلل بالغمامة، الخ

گواهی می دهیم که آقای ما محمد بنده و رسول خداست که از تهامه مبعوث شده و ابرها بر وی سایه انداخته اند. الخ^{۲۱۵}

سلیم بن قیس هلالی از امیرالمومنین (ع) نقل میکند که حضرت اوصاف پیامبر را در کتب آسمانی خود را بیان میکردند تا اینجا که فرمودند: (خداوند تبارک و تعالی مبعوث کرد مردی را از نسل ابراهیم خلیل الله از زمینی که به آن نام تهامه و از روستایی که به آن مکه میگفتن^{۲۱۶})

این روایت هم به صراحت به این مطلب اشاره دارد که تهامه سرزمینی است که مکه یکی از قریه های آن میباشد. و تهامه هم که از یمن است

از ابی جعفر (ع) نقل میشود پیامبر فرمودند: همانا مردان یمن بهتر هستند و خواستگاه ایمان از یمن است (و حکمت از یمن است و اگر هجرت نبودن هم مردی از اهل یمن می ماندم

و به همین دلیل علامه مجلسی کلام اهل بیت (ع) را در بحر الانوار را حکمت یمانیه نامید:

213 معجم البلدان: ج ۲/ص ۶۳

214 إعانة الطالبین للبرکي الدمیاطي: ج ۲/ص ۳۴۲

215 جواهر العقود للمنهاجي الأسيوطي: ج ۱/ص ۲۶۰

216 غیبت نعمانی باب ۴ حدیث ۹

و مهد أراضى قلوب المؤمنين لبساتين الحكمة اليمانية فدحاها،... الخ) (.) (... ودرزمین قلوب مومنان را ...)
(...باغ های حکمت یمانیه قرار داد و آنها را لبریز کرد^{۲۱۷})

و علامه مجلسی در بحار الانوار از جزری نقل می کند که جزری می گوید:

فی الحدیث الإیمان یمان، والحكمة یمانیة، إنما قال ذلك، لأن الأیمان بدأ من مکة وهی من تهامة، وتهامة
من أرض الیمن، ولهذا یقال: الكعبة الیمانیة

در حدیث آمده که ایمان یمان و حکمت یمانیه است، آن را حضرت (ص) فرمودند زیرا ایمان از مکه شروع
(شده و آن از تهامة و تهامة از سرزمین یمان است و به همین دلیل گفته می شود، کعبه یمانیه^{۲۱۸})

ورسول الله (ص) فرمودند: (خیر الرجال أهل الیمن والإیمان یمان وأنا یمانی) (بهترین مردان اهل یمان
هستندو ایمان یمانی و من یمانی هستم^{۲۱۹})

و از این جا در می یابیم که رسول الله (ص) و اهل بیت ایشان (ع) همگی یمانی هستند، به این معنا که آن
ها به یمان باز می گردند بهتر بگوییم که اصلشان از یمان می باشد، حتی اگر در اماکن دیگری به دنیا آمده
باشند، پس امام محمد بن حسن عسکری (ع) با وجود اینکه در عراق در شهر سامراء متولد شد، یمانی است
و چون یمانی از اهل بیت (ع) است آنان این لقب را به ایشان دادند، یعنی او را ملقب به یمانی کردند، زیرا که
اصلش از یمان است، و با ولادت در منطقه ای دیگر منافات ندارد. زیرا لقب به اصل و نسب بر می گردد و
اصل ایشان از یمان است.

و این امر واضحیست حتی در کلام ما: زمانی که یکی از ما به اروپا برود و در آنجا ازدواج کند و خداوند به او
فرزندانی عطا کند فرزند او عراقی باقی می ماند با اینکه در سرزمین غرب به دنیا آمده و حتی نسل ما هم
عراقی می ماند

و نیز مشاهده می کنیم که القاب فرزندان علمای که در نجف متولد شده اند به لقب پدرانشان باز می گردد
، مثلاً فرزندان سید خوئی که در نجف متولد شده اند خودشان را به خوی منسوب میکنند در حالیکه شاید
حتی نمی دانند که شهرو زادگاه پدرشان در کجا قرار دارد

و در کتاب الفتن اثر نعیم بن حماد مروزی از شریح بن عبید از کعب نقل می کند که می گوید:

217 بحار الأنوار للعلامة المجلسي: ج 1/ص

218 بحار الأنوار للعلامة المجلسي: ج 22/ص 137

219 الأصول الستة عشر: ص 81، بحار الأنوار: ج 57/ص 232

(ما المهدي إلا من قریش وما الخلافة إلا فيهم غير أن له أصلاً ونسباً في اليمن)

(مهدی نیست مگر از قریش و خلافتی نیست مگر در میان آنان غیر از این که اصل و نسبی در یمن دارد) ^{۲۲۰}

آنچه از لفظ یمانی بر می آید ممکن است که به یمن بازگردد و یا به معنی یمن یا خیر و برکت و یا ممکن است که به معنی یمین - دست راست - باشد و شخص یمانی دست راست امام زمان (عج) می باشد همانگونه که امام علی (ع) دست راست رسول الله (ص) بوده و ممکن است به معنی صاحب ید بیضاء و کریمه باشد انسان سخاوتمند و کریم صاحب دستان سفید (ایادی البیضاء) می نامند و بذل و بخشش معمولاً با دست راست صورت می گیرد و چه بسا خیلی ها هستند که از گرفتن چیزی از کسی با دست چپ و یا دادن چیزی به کسی با همان دست بدشان می آید

قال الامام الصادق (ع): و يقبض أموال القائم و یمشی خلفه أصحاب الكهف، و هو الوزير الأيمن للقائم و حاجبه و نائبه و يبسط في المشرق والمغرب الأمن كرامة الحجة بن الحسن عليه السلام

امام صادق (ع) فرمود: و اموال قائم را دریافت می کند و پشت سر او اصحاب کهف به راه می افتند و او وزیر راست قائم، و وزیر و نائیش است و در مشرق و مغرب امن را گسترش می دهد به برکت حجت ابن الحسن (ع) ^{۲۲۱}

ابی عبیده حذاء می گوید: از ابی جعفر (ع) درباره ی این امر سوال کردم که چه زمانی خواهد بود؟ فرمودند: (إن كنتم تؤملون أن يجيئكم من وجه، ثم جاءكم من وجه فلا تنكرونه

«اگر شما امید داشتید که از یک جهتی بیاید، سپس از جهت دیگر آمد، انکارش نکنید» ^{۲۲۲}

از ابی حمزه ثمالی، گفت: ابو جعفر و ابو عبد الله (علیهما السلام) گفتند: (یا ابا حمزه، ان حدثناک بامر انه یجىء من هنا فجاء من هاهنا فان الله یصنع ما یشاء، وان حدثناک الیوم بحديث وحدثناک غداً بخلافه فان الله یمحو ما یشاء ویشیت) «ای ابا حمزه، اگر به شما درباره ی امری سخن گفته باشیم که از این جهت می آید ولی از جهت دیگر آمد، پس بدرستی که خداوند انجام می دهد آن چه راکه بخواهد، و اگر امروزه «شما سخنی گفته باشیم، و فردا بر خلاف آن بگوییم، خداوند آن چه راکه بخواهد محو یا ثابت می کند» ^{۲۲۳}

220 کتاب الفتن لنعیم بن حماد المرزوي: ص ۲۳۱

221 إلزام الناصب ج ۲ ص ۱۵۸

222 امامت و تبصرت ابن بابويه قمی: ۹۴

223 بحار الانوار: ج ۴ ص ۱۱۹

پس این روایت هاوغیر از آن ها دست ما را بر حقیقتی خیلی مهم قرار می دهند ، و آن این که مسئله مکان و زمان ظهور او که همراه با استتار و کتمان و رمز و راز بوده ، حکمتی دارد که فقط اهلش آن را می دانند و بر آن اطلاع خواهند یافت ، و ناگزیریم که در برابر ارائه ی چنین دلیل و برهان تسلیم شویم

با مطالعه دقیق روایات جهت و مکان خروج یا ظهور یمانی موعود واضح می شود ، و آن همان جهت مشرق - عراق - است، با ملاحظه کتمان ورموز بودن آن که مابه اختصار آن را بیان میکنیم

عن النبی (ص): (... وسيخرج من هذا - أي علی (ع) - فتی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً فإذا رأیتم ذلك فعلیکم (بافتی الیمنی، فإنه یقبل من المشرق، وهو صاحب رایة المهدی

از رسول خدا ص : ... و از این - امام علی ع - جوانی خارج می شود که زمین را پر از عدل داد می کند پس اگر آن جوان یمنی را دیدید به سوی او بروید پس آن از مشرق می آید و او صاحب پرچم امام مهدی عج می باشد^{۲۲۴}

عن أمير المؤمنين (ع): ... و يخرج قبله - أي الإمام المهدي - رجل من أهل بيته، بأهل المشرق، و يحمل السيف علی عاتقه ثمانیة أشهر

از حضرت علی علیه السلام فرمود: مردی از اهل بیت آن حضرت به اهل شرق خروج کرده و مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل می کند^{۲۲۵}

ما قبلا گفتیم که یمانی وزیر حضرت و فرمانده سپاه حضرت میباشد و با کنار هم گذاشتن این روایات برای ما روشن میشود که آن شخصی که از اهل بیت میآید از سمت مشرق همان یمانی است

اعم بودن دلیل از مدعا

یکی از ادله ای که بر وجود امامان و مهدیانی پس از امام مهدی علیه السلام دلالت دارد، دعای امام صادق علیه السلام در روز عرفه است: «السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی، السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد، السلام علیک یا مولای یا ابا جعفر الحسن بن علی، السلام علیک یا مولای یا ابا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان، صلی الله علیک و علی عترتک الطاهرة الطيبة.» طیب و طاهر بودن به معنای عصمت است و از آن جا که عصمت از ویژگی های ائمه است، این دعا نیز بر وجود امامانی از نسل امام مهدی دلالت دارد.

224 (المهدی المنتظر الموعود/ب: ۴: ۱۰۷
225 الملاحم ابن طاووس ص ۶۶ باب ۱۳۳

در این جا آقای آیتی میخواهد نفی حجت های الهی را بعد امام مهدی (ع) بکند و به این روایت استناد میکند روایت میگوید علی عترتک الطلاهره الطیبه ... طاهر و طیب صفت عترت است و با توجه به این مورد یعنی بعد از امام مهدی (ع) حجت هایی حضور دارند

در ثانی هر چه ما لفظ طیب را برای حضرت زهرا (س) داریم اما به این معنا نیست که حضرت زهرا امام باشد چرا که قانون خداوند نیست که یک زن امام شود و این لفظ اگر از طرف معصوم بر یک مرد دلالت کند قطعاً او معصوم است پس استدلال شما برای حضرت زهرا (س) استدلالی نادرست است اگر کمی تأمل کنید ما بحثمان در مورد امام است و امام مذکر است پس الفاظ و توصیه هایی که از امام قبلی به فرد دیگری میشود به تحقیق آن فرد امام و دارای عصمت است علاوه بر آن روایت دال بر وجود امامان و مهدیین بعد از امام مهدی (ع) دارد پس خوب گوش کنید

آیا مهدیین (ع) فقط در وصیت ذکر شده اند؟

غیر از وصیت پیامبر (ص) روایت های زیادی به مهدیون اشاره نموده است، هنگام ملاحظه آن نمی توان وجود مهدیین از فرزندان امام مهدی (ع) را انکار نمود و دلیل آن این که مهدیین یا بصورت قرینه و یا قراین قطعی که بر وجود آن ها به عنوان خلفای امام مهدی (ع) ذکر شده اند. که بعضی از آن ها را ذکر می کنیم روایت بعدی:

امام صادق (ع) می فرماید { إن متا بعد القائم (ع) اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع) } (برای ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان امام حسین (ع) خواهد آمد)^{۲۲۶}

روایت بعدی:

امام سجاد می گوید : { يقوم القائم منا ثم يكون بعده اثنا عشر مهدياً } (قائم (ع) ما قیام می کند و بعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود)^{۲۲۷}.

روایت بعدی:

ابی بصیر می گوید : { قلت للصادق جعفر بن محمد (ع): يا ابن رسول إني سمعت من أبيك (ع) انه قال: يكون بعد القائم اثنا عشر إماماً. فقال إنما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل اثنا عشر إماماً ولكنهم قوم من شيعتنا

226 مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹

227 شرح الأخبار ۳ / ۴۰۰

يدعون الناس إلى مولاتنا ومعرفة حقنا { (به امام جعفر صادق (ع) گفتم : ای فرزند رسول الله (ص) من از پدر شما شنیدم که می فرماید : بعد از قائم (ع) دوازده امام خواهد بود . فرمودند : نه ایشان فرمودند : دوازده مهدی و دوازده اما نگفتند، که آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به سوی ولایت و معرفی خق دعوت می کنند).^{۲۲۸}

روایت بعدی:

ابی جعفر و ابی عبد الله در ذکر کوفه می فرماید : { (...فيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلا وصلى فيه ومنها يظهر عدل الله وفيها يكون قائمه والقوام من بعده وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين } (در آن مسجد سهله است که خداوند پیامبرنفرستاد مگر این که در آن جا نماز خواندواز آن جا ست که عدل الهی ظهور می کند و در آن جا قایمین واقوام بعد از ایشان خواهد بود و آن منزل گاه پیامبران و اوصیاء و صالحین است)^{۲۲۹}

روایت بعدی:

امام صادق (ع) در یکی از دعا های معروف می فرماید : { اللهم كن لوليک القائم بأمرک محمد بن الحسن المهدي عليه وعلى آباءه أفضل الصلاة والسلام في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً وناصرأ ومؤيداً حتى تسكنه أرضك طوعاً وتمتعه فيها طولاً وعرضاً وتجعله وذريته من الأئمة الوارثين }

و آن چه در دعای مشهور و معتبری که از امام مهدی (ع) در کیفیت صلوات فرستادند بر محمد و خاندان محمد تا این به خود برسد می فرماید : { ... اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه وتسره به نفسه ... إلى قوله (ع): وصل على وليك وولاءة عهده والأئمة من ولده ومدّ في أعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم أقصى آمالهم دنيا و آخره ... } (... خداوندا در نفسش و فرزندانش و شیعیان او و رعیت و خاص و عام وی و دشمنانش و تمام اهل جهان را عطاء کن آن چه که مایه خوشحالی و مسرت وی باشد ... تا این که فرمودند : و بر ولی و امیران عهدش و ائمه از فرزندش درود بفرست و عمر آن ها و اجلشان را طولانی گرداندو آن ها به آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان)^{۲۳۰}

و آن چه در دعای امام رضا (ع) برای امام مهدی در عصر غیبت آمده امام می فرماید : { اللهم أعطه في نفسه وأهله وولده وذريته وأمته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسره به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها... إلى ان يقول : اللهم صل على ولاءة عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم وأعز نصرهم ... } (خدایا

228 کمال الدین ۳۵۸/۲

229 وسائل الشيعة الإسلامية: ۵۲۴

230 غيبت طوسي ص ۱۸۶ / جمال الأسبوع ص ۳۰۱

به خود او و خاندانش و فرزندانش و نسلش و ملتش و تمام رعیتش آن چه را روشن گردد به وسیله آن چشمش و شادمان گردد عطا کن به وسیله او جانش و برای اوجم ممالک جهان جمع گردد... تا این که فرمودند : خداوند بر ولات عهدش وائمه بهد ایشان درود بفرست و به آرزوهایشان برسان و عمر آن را طولانی و پیروزی آن ها عزت بده .^{۲۳۱}

حبه عرنی می گوید : { خرج أمير المؤمنين (ع) إلى الحيرة فقال : لتصلن هذه بهذه وأومی بیده إلى الكوفة والحيرة حتى يباع الذراع فيما بينهما بدنانير وليبنين بالحيرة مسجداً له خمسمائة باب يصلى فيه خليفه القائم عجل الله فرجه لأن مسجد الكوفة ليضيق عنهم وليصلين فيه اثنا عشر إماماً عدلاً... الحديث } (امير المومنين به سمت حيره خارج گرديد و فرمودند : اين به اين خواهد رسيد و با دستش به كوفه و حيره اشاره نمود ؛ و ذراعی در بين اين دو با دنيار خريد و فروش می شود، و در حيره مسجدي که پانصد در خواهد بود خواهيم ساخت که در آن خليفه حضرت قائم (ع) نماز خواهد خوانند ، زیرا که مسجد کوفه بر آن ها تنگ می شود و در آن جا دوازده امام عادل نماز خواهند خواند...)^{۲۳۲}.

در دعای وارده از امام حسن عسکری (ع) به مناسبت ولادت امام حسين که در آن می فرماید { ... وسيد الأسرة (الحسين) الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الأئمة من نسله والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويكونوا خير أنصار } (وسيد خانواده هایی که با پیروزی در روزی حمله مجدد (رجعت) کمک داده شده ازوبرای کشته شدن او با امامان از فرزندان او عوض داده شده و بهبودی از مرض در خاک قبر اوست و رستگاری با اوست در بازگشت مجدد او و جانشینان از اولاد او پس از قیام کننده آنان و غیبت او تا این که در یابند انتقام ها را وریزند خون را و خشنود کننده خداوند جبار و باشند و از بهترین انصار خواهند بود)

و از علی بن بابویه دعایی از امام رضا (ع) روایت شده که در آن ذکر مهدیین شده است امام در آن دعا می فرماید : { ... إلى ان قال : اللهم صل عليه وعلى آله من آل طه و يس و اخص و ليك و وصي نبيك و أخا رسولك و وزيره و ولي عهده إمام المتقين و خاتم الوصيين لخاتم النبيين محمد (ع) و ابنته البتول و علي سیدی شباب أهل الجنة من الأولين و الآخرين و علي الأئمة الراشدين المهديين السالفين الماضيين و علي النقباء الأتقياء البررة الأئمة الفاضلين الباقين و علي بقيتك في أرضك القائم بالحق في اليوم الموعود و علي الفاضلين المهديين الأمناء الخزنة ... } (تا این که فرمود : خداوند بر او و خاندانش از آل طه و یاسین درود بفرست به خصوص بر ولی شما و وصی پیامبرت و برادر رسولت و وزیر ولی عهدش و امام متقین و آخرین وصیین برای آخرین پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و دخترش زهرا بتول (س) و بر آقایان و جوانان بهشت از اولین و آخرین

231 مفاتیح الجنان ص ۶۱۸ جمال الأسبوع لأبن طاووس ص ۳۰۹ ، مصباح متهد طوسي ص ۴۰۹
232 تهذيب ۲۵۳/۳ ، معجم أحاديث امام مهدي ۱۱۲/۳

وبر ائمه راشدین ومهدیین که بر راه گذشتگان قدم می گذارند وبر برگزیدگان متقی وممتاز ائمه فاضلین وباقی ماندگان وبر قائم بر حق بقیت خدا بر زمین در روز موعود وبر فاضلین ومهدیین وامانت داران خزائن خدا درود بفرست (. ۲۳۳

امام رضا (ع) از پدرانیش از امیر المومنین (ع) در حدیث طولانی با رسول خدا که در آخرش آمده که خدای متعال به رسولش در مورد امام مهدی ومدت حکومتش می فرماید: {... ولأنصرنه بجنودی ولأمدته بملائکتی حتی یعلن دعوتی ویجمع الخلق علی توحیدی ثم لأدیمن ملکه ولأداولن الأيام بین أولیائی إلی یوم او را با سربازایم وبا ملائکه خود یاری خواهیم رسای دتا اینکه تادعوتم راابلاغ کندوتمام مردم را بر (القیامه) توحیدم اجتماع دهدسپس بعد از آن ملکش را طولانی خواهیم نمود وروز های آن را میان اولیایم تا روز قیامت تدام خواهیم داد(۲۳۴

وتا اینجا بسنده میکنم و امر را رها میکنم تاملی کنید، و آیا این همه روایات لیاقت ندارند که شاهی بر درست بودن ذکر مهدیین در وصیت رسول الله (ص) داشته باشند؟؟؟

تعارض درونی
از دیگر مشکلاتی که طرفداران احمد حسن به آن مبتلا هستند، تعارض درونی مستندات است؛ به این معنا که برخی از دلایل آنان با برخی دیگر در تعارض است و مستندات آنها یکدیگر را نفی می کنند.

آقای آیتی در این نکته میخواهند نفی امامت مهدیین را بکنند ولی متاسف ام

در روایت وصیت ذکر شده که دوازده امام و دوازده مهدی و این نفی امامت مهدیین را نمیکند بلکه نفی رجعتی که شما در ذهن ساخته اید را میکند چرا که اینها دوازده مهدی هستند و از دوازده امام قبلی جدا میباشند ولی مهدیین چون در وصیت رسول الله (ص) ذکر شده اند باید حجت های الهی باشند و حجت های الهی با قانون معرفت حجت شناخته میشود و هر کسی که با قانون معرفت حجت ادعا کند مقام عصمت دارد و دارای مقام امامت میباشد ولی نه به معنای امامان گذشته

233 فقه رضا ص ۴۰۳
234 عیون اخبار رضا ج ۱ ۱۳۷-۱۳۸

اما بعد: اگر قصد شما روایت یا روایاتی است که می گوید (همانا بعد از ما بعد از قائم دوازده مهدی خواهد بود) تعارض به دعوت سید احمد الحسن(ع) ندارد چرا که ما قائل به انتقال امامت از امام مهدی(ع) به فرزندش مهدی اول از فرزندانش نیستیم، بلکه می گوئیم سید احمد الحسن مهدی اول و وصی امام مهدی(ع) است. و وجود وصی در زمان حیات وصیت کننده از سنت های الهی است پس هیچ پیامبر و امامی نیست مگر اینکه وصی او در زمان حیاتش موجود باشد و از دنیا نمی رود تا وقتی که قبل از وفاتش به وصی خود وصیت نماید. و در خصوص وصی امام مهدی(ع) که نام ایشان احمد است. باید قبل از قیام امام مهدی(ع) موجود باشد. چرا که حضرت رسول اعظم(ص) در وصیت مبارک خود در شب وفات از ایشان یاد فرموده و اینکه نام او احمد است و اولین مؤمنین است. و ممکن نیست که اولین مؤمنین بر او صدق کند مگر اینکه قبل از قیام امام مهدی(ع) موجود باشد. پس همانطور که می دانید اولین مؤمنین از صفات امیر المؤمنین(ع) است. یعنی اولین مؤمن به رسالت رسول الله محمد(ص). و اگر ایشان(ع) قبل از بعثت رسول الله(ص) به دنیا نیامده بود صفت اولین مومنان بر او صدق نمی کرد. بنابر این هر چه در آنجا جاری است در اینجا نیز جاریست

و روایات دیگری از وجود دارد که بر وجود وصی امام مهدی(ع) قبل از قیام مقدسشان دلالت می کند. که الآن مجال توضیح و بررسی آنها نمی باشد. و بنده یقین دارم که اگر شما کتب انصار امام مهدی(ع) را با تدبر مطالعه چنین اشکالی را مطرح نمی کردید، و به شما توصیه می کنم این کتبها را با دقت مطالعه نمائید: (وصیت و وصی)، (یمانی حجت خداوند) و (گزیده ای از دعوت سید احمد الحسن) همچنین کتابهای دیگر نیز هست که در آنها توضیح کامل و جامعی در مورد این اشکال و ده ها اشکال دیگر وجود دارد. حل در اینجا روایت وصیت رسول الله(ص) در شب وفاتشان را برای شما ذکر میکنم و امیدوارم که با تدبر و بدور از حواشی و با انصاف آن را مطالعه نمائید: (عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عن أبيه الباقر عن أبيه ذی الثغفان سید العابدین عن أبيه الحسين الزکی الشهید عن أبيه أمير المؤمنين عليهم السلام قال : (قال رسول الله (ص) فی اللیلة التي كانت فیها وفاته لعلی (ع) یا أبا الحسن أحضر صحیفه و دواءً فأملا رسول الله (ص) وصیته حتی انتهى إلى هذا یا علی إنه سیکون بعدی اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً أنت یا علی أول الأئنی :الموضع فقال عشر إمام سماء الله تعالی فی سماءه علیاً المرتضی وأمیر المؤمنین والصدیق الأكبر والفاروق الأعظم والمأمون والمهدی فلا تصح هذه الأسماء لأحد غیرک یا علی أنت وصی علی أهل بیته ومیتهم وعلی نسائی فمن ثبتها لقیته غداً ومن طلقها فأنا برئ منها لم ترنی ولم أرها فی عرسه القیامة وأنت خلیفتی علی امتی من بعدی فإذا حضرتک الوفاة فسلّمها إلى ابنی الحسن البر الوصل فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنی الحسين الشهید الزکی المقتول فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنه سید العابدین ذی الثغفان علی فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنه محمد الباقر فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنه جعفر الصادق إذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنه موسی الكاظم فإذا حضرته الوفاة فلیسلّمها إلى ابنه علی الرضا فإذا

حضرت‌ه الوفاء فليسلمها إلى ابنه محمد الثقة التقى فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابنه على الناصح فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابنه الحسن الفاضل فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد فذلك اثنا عشر إماماً ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً فإذا حضرته الوفاء فليسلمها إلى ابنه أول المقربين (المهديين) له ثلاثة أسامي كاسمى وأسم أبى وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المهدي وهو (أول المؤمنين)

ازابى عبدالله (ع) از پدرش امام باقر (ع) از پدرش امام زین العابدین (ع) از پدرش امام حسین (ع) از پدرش (امیر المومنین (ع) که فرمود : رسول خدا (ص) در شبی که وفاتش در آن واقع شد ، به علی (ع) فرمود : ای ابا الحسن ، کاغذ و دواتی بیاور و رسول الله (ص) وصیت خود را املاء فرمود تا این که بدین جا رسید که پس تو یا علی اولین . یا علی ! بعد از من دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی هستند : فرمود دوازده امام هستی و خدای تبارک و تعالی در آسمان خودتورا علی مرتضی و امیرالمؤمنان و صدیق اکبر و فاروق اعظم و مأمون و مهدی نامیده است ، و این اسماء شایسته احدی غیر تونسیت . ای علی تو وصی من براهل بیتم زنده و مرده آنها و همسرانم خواهی بود پس هر کدام از آنها را برهمسری من ثابت کردی در قیامت به دیدار من خواهد آمد و هر کدام را طلاق دادی من از او براءت جسته و در عرضه قیامت به دیدار من نائل نخواهد شد . و تو پس از من خلیفه و جانشین من بر امتم هستی ، هر گاه وفاتت رسید ، خلافت را به پسر من حسن بر وصول واگذار کن ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسر من حسین شهید زکی مقتول واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی ذی الثنات واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد باقر واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش جعفر صادق واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش موسی کاظم واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی رضا واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد تقی واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی ناصح واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش حسن فاضل واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد مستحفظ از آل محمد (ص) واگذار کند ، پس آنها دوازده امام هستند . سپس بعد از او دوازده مهدی هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش مهدی اول واگذار کند ، برای او سه اسم است . یک اسمش . می باشند مانند اسم من ، و اسم دیگرش اسم پدر من است ، و آنها عبد الله و احمد هستند ، و نام سوم مهدی است . و در آخر خدای منان برای شهادت و پشتیبانی طلب نموده و از آتش و غضب خداوند (او اولین مومنان است به خود او پناه می برم و تثبیت ما بر ولایت محمد و آل محمد را از خدای تبارک و تعالی مسئلت دارم که همانا او شنوا و اجابت کننده است و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آله الائمه و المهديين و لعنت دائم و همیشگی خداوند بر دشمنان آنان باد .

مفضل بن عمر گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرمود: برای صاحب این امر دو غیبت است. یکی از آنها طولانی شود تا بعضی از آنها بگویند مرده است و بعضی دیگر بگویند کشته شده است و بعضی دیگر بگویند رفته است. تا این که بر امرش، جز عده ی اندکی از اصحابش باقی نمانند. از موضع و مکان ایشان اطلاعی ندارد، چه از فرزندانش و چه دیگران، مگر آن مولی که امر او را بر عهده می گیرد.^{۲۳۵}

از حضرت علی بن ابی طالب که می فرماید: (رسول خدا (ص) فرمودند: من دو چیز گرانبها در میان شما به جا می گذارم، کتاب خدا و عترت اهل بیتم، و این دو از هم جدا نمی شوند تا اینکه کنارحوض بر من وارد شوند مثل این دو - و دو انگشت سبابه را نشان داد - و جابر بن عبدالله انصاری ایستادند و گفتند: ای رسول خدا عترت شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: علی و حسن و حسین و ائمه از فرزندان حسین تا روز قیامت).^{۲۳۶} -

از ابی عبدالله جعفر بن محمد از پدرش محمد باقر از پدرش سرور عبادت کنندگان از پدرش حسین زکی و شهید از امیر المومنین (ع) فرمودند: رسول خدا (ص) - در شبی که وفاتشان بود - به علی فرمودند: (یا ابا حسن برای من دوات و کاغذی فراهم کن. و رسول خدا (ص) وصیت خود را املاء نمودند تا اینکه به این جا رسید و فرمودند: ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود، و شما ای علی اولین دوازده امام خواهی بود.... (تا فرمودند): و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش حسن فاضل امر امامت را تسلیم کند، و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش محمد نگهداشته شده از آل محمد (ع) امر امامت را تسلیم کند، و اینها دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود، و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش اولین نزدیکان تسلیم کند که سه نان دارد، نامی مانند من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است).

و از این وصیت مقدس می فهمیم که اوصیای رسول خدا (ص) دوازده امام و دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی (عج) می باشد و اولین وصی از اوصیای امام مهدی نامش (احمد) و از اولین ایمان آورندگان به قیام امام مهدی در عصر ظهور مقدس است، انشاء الله خواننده عزیز شعار پرچمهای خراسانی که (احمد احمد) بود فراموش نکرده است، و قبلا بیان شده که ارتباطی با نام احمد فرزند امام مهدی دارند و فراموش نشود پرچمی که مامور به اتباع و پیروی از آن هستیم تنها یک پرچم است و غیر از آن پرچمی نیست که ملزم به اطاعت از آن باشیم، پس حتما همان پرچم احمد یمانی مشرقی حسینی و مهدوی و وصی امام مهدی که از اولین انصار و مصدقین قیام امام در عصر ظهور مقدس است.

²³⁵ الغیبة الطوسی ص ۱۶۱
غیبة شیخ طوسی ص ۱۵۰
²³⁶ معانی الاخبار ص ۹۱ باب معنی التقلین ح ۵

و همانطور که سخن به مسئله فرزند امام مهدی و وصی ایشان کشیده شد ، پس لازم است بر آن بیشتر تمرکز کنیم ، و به ذکر بعضی از روایات قضیه بهتر روشن شود :

روی عن الامام ارضا الدعاء لصاحب الامر بهذا الدعاء ، والیکم ملخصه : (اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک ، ولسانک المعبر عنک باذنک (الی قوله -ع-) : اللهم اعطه فی نفسه واهله وولده و ذریته و امته و جمیع رعیتہ ما تقر به عینه و تسر به نفسه (الی قوله -ع-) : اللهم صل علی ولأه عهده و الائمه من بعده ، وبلغهم آمالهم و زد فی آجالهم و اعز نصرهم و تتم لهم ما سئلت الیهم فی امرک لهم وثبت دعائهم ، و اجعلنا لهم اعوانا و علی دینک انصارا ، فانهم معادن کلماتک و ارکان توحیدک و دعائم دینک و ولایه امرک ، و خالصتک من عبادک و صفوتک من خلقک ، و اولیائک و سلائل اولیائک و صفوه اولاد رسلک ، و السلام علیهم و رحمہم و برکاتہ)

برای صاحب الامر از امام رضا دعایی روایت شده که خلاصه آن : (خداوند! دفع و دور کن از ولی و خلیفه خود ، و حجت تو بر آفریدگانت و زبانت که از تو و با اجازه تو می گوید (تا فرموده اش -ع-) : پروردگارا تو به آن حضرت (امام مهدی - ع -) و اهل بیتش و فرزندانش و نسلش و امتش و تمام رعیتش عطایی مرحمت فرما که به آن عطا دیده اش روشن و روانش شاد و مسرور شود (تا فرموده اش - ع -) : پروردگارا درود و رحمت فرست بروالیان عهد او (امام مهدی) و پیشوایان بعد از او و آن بزرگواران را به آمال و آرزوهای بلند شان نایل ساز و بر عمرشان بیغزا و نصرت با عزت به آنها عطا فرما و آنچه با آن پیشوایان الهی از امر دین خود مربوط با آنان فرمودی در حقشان به حد کمال برسان و اساس و ارکان آنها را ثبات و دوام بخش و ما را از یاران آنها و از انصار دین خود قرار ده که البته آن بزرگواران معدن کلمات روحانی و گنجینه علم و ارکان توحید و معرفت و ستون های دین تو و صاحب اختیاران امر شرع تو هستند و از بندگان خاص و خالص تو و برگزیده از خلق تو و دوستان خاص و فرزندان محبان خاص و برگزیده اولاد پیغمبر تو هستند و درود و تحیت و رحمت خدا بر او و پدران برگواراش باد) .

در این دعا یک فرزند از ذریه امام مهدی مخصوصا یاد شده است که این بیانگر وجود یک خصوصیت خاص برای این فرزند طاهر است .

وهذا الدعاء للذریه مشابه للدعاء الاتی المروى عن اللامام المهدى و اذکره باختصار ایضا:

(بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل علی محمد سید المرسلین و خاتم النبیین و حجه رب العالمین المنتخب فی الميثاق المصطفى فی الظلال المطهر من کل آفة البرئ من کل عیب المومل للنجاه المرتجى للشفاعه المفوض الیه دین الله ... (الی قوله -ع-) : اللهم اعطه فی نفسه و ذریته و شیعتہ و رعیتہ و خاصته و عامته و عدوه و جمیع اهل الدنیا ما تقر به عینه و تسر به نفسه و بلغه افضل ما امله فی الدنیا و الآخرة انک علی کل شیء

قدیر ... (الی قوله -ع -) : وصل علی ولیک وولاه عهدک والائمه من ولده ومد فی اعمارهم وزد فی آجالهم وبلغهم اقصی آمالهم دینا ودنیا و آخره انک علی کل شیء قدیر) .

و این دعا بای ذریه مشابه دعای آتی که از امام مهدی روایت شده و آن را به اختصار ذکر می کنم : (بنام خداوند بخشنده بخشایش گر خداوندا بر محمد (ص) سرور فرستادگان و آخرین پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و برگزیده در میثاق و اختیار شده در سایه پاکی از تمام مخلوقات و بدور از هر عیبی و آرزوی همه برای نجات و شفاعت کننده و داده شده دین خدا درود فرست ... (تا فرموده ایشان (ع)) : خداوندا به او(امام مهدی - ع -) در خودش و نسلش و شیعیانش و رعیتش خاص و عام و دشمنانش و تمام اهل دنیا آنچه چشمش را به آن روشن کنی و روحش را شاد می کنی عطا فرما تا فرموده ایشان (ع) : و درود فرست بر ولی خود (امام مهدی - ع -) و والیان عهدت و امامان از فرزندان و عمر آنها را طولانی کن و در سر آمدهای آنها فزونی کن و به دورترین آرزوهای آنها برسان در دین و دنیا و آخرت که تو بر همه چیز توانایی)

از آنچه گفته شد روشن می شود که اوصیاء از نسل امام مهدی مهدیون وائمه یا حجج الهی بر مردم بعد از پدرشان امام مهدی هستند و برای احاطه بیشتر بر این موضوع شما به خواندن کتاب (الوصیه والوصی) که یکی از اصدارات انصار امام مهدی می باشد ، سفارش می کنم .

و اگر دانستیم که مهدی اول از نسل امام مهدی (احمد) ، به (مهدی) وصف می شود ، پس به روایت دیگر که قضیه را بهتر روشن می کند گوش فرا می دهیم (یخرج رجل قبل المهدی من اهل بیتة بالمشرق)

(مردی قبل از مهدی از اهل بیتش از سمت مشرق خروج می کند)

از حذلم بن بشیر است که گفت : به علی بن حسین گفتم : (صف لی خروج المهدی و عرفنی دلائله وعلاماته ؟ . فقال : (.... ثم یخرج السفیانی الملعون من الوادی الیابس وهو من ولد عتبه بن ابی سفیان ، فذا ظهر السفیانی اختفی المهدی ثم یخرج بعد ذلک)) .

از حذلم بن بشیر است که گفت : به علی بن حسین گفتم : (کیفیت خروج وعلامات ووسائل شناخت مهدی را برام وصف کن ؟ فرمودند : (..... سپس سفیانی ملعون از فرزندان عتبه بن ابی سفیان از وادی یابس - بیابان خشک - خروج می کند ، و هر وقت سفیانی ظهور کرد مهدی مخفی می شود و سپس بعد از آن خروج می کند)

و روایت دلالت روشنی دارد بر اینکه حضرت مهدی قبل از خروج سفیانی از وادی یابس موجود و ظهور کرده است ، با اینکه روایات متواتر بیان می کنند که سفیانی یکی از علایم قبل از قیام امام مهدی است و ایشان به مدت چند ماه قبل از امام خروج می کند ، پس این مهدی که قبل از سفیانی ظاهر شده کیست ؟

و شك ندارم كه جواب ديگر سخت شده باشد بعد از اينكه فهميديم كه ، آنجا يك زمينه ساز از نسل امام مهدي وايشان از اهل بيت مي باشد، و نيز به (مهدي) وصف شده و بحث مفصل درموضوع تعدد مهديين و قائمان درقسمت هاي آينده خواهد آمد .

و مطالبی كه بر آن تاكيد مي كنند روايات زير مي باشد:

ابي الحسن مي فرمايد : (كاني براي ات من مصر مقلبات خضر مصبغات ، حتى تاتي الشامات فتهدى الي ابن صاحب الوصيات) .

و روايت بعدی ابي الحسن مي فرمايد : (همانا مي بينم پرچمهاي سبز رنگي كه از مصر حركت كرده بطرف شام عزيمت نموده و به فرزند صاحب وصيت ها اهدا ميشود) .

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا



نويسنده : خادمكم الله مع نا